

# شیرتی و فلسفین

۷ ص

# به یاد شهید ابوجهاد

۲۲ ص

# تحلیلی از شهادت مظلومانه خلیل الویر ابوجهاد

۸ ص

فَارَمَعَ الْعَسْرَةَ نِيرًا  
إِنَّمَعَ الْعَسْرَةَ نِيرًا

# لاه محب همد

در راه خدا بجز شمشیر و سحر تا قبرش در جفا  
نشریه نهضت مجاهدین خلق ایران

سال هفتم - شماره ۴۷ - بهار ۱۵۰۰ ریال  
خرداد و تیر ۱۳۶۷

سه نظریه - در مورد حضور آمریکا در خلیج

۱۷ ص

۱۹ ص

۲۰ ص

# پرتوی از قرآن

درسهای از مرحوم طالقانی

۲۵ ص

# اخلاق غربی راسل

از دیدگاه شهید مطهری

۲۷ ص

# مشکل اساسی در سازمان روحانیت

از دیدگاه شهید مطهری

۳۱ ص



اخبار رایدیولوژیک و ولایت فقیه

- \* نظراتی چندبیرامون فتاوی امام در مورد ولایت مطلقه فقیه ۱۳ ص
- \* ولی فقیه اختیارات امام معصوم را دارد ۱۳ ص
- \* تقدم موقتی مصلحت بر شرع ۱۴ ص
- \* حفظ نظام از واجبات و تکالیف فقهی است ۱۵ ص
- \* جدا کردن دین از حکومت عامل تمام بدبختیهاست ۱۵ ص
- اخبار جنگ اسلام و کفر
- \* شرح عملیات ظفر ۵ ۱۷ ص
- \* اعلام متجاوزن نخستین گام ۱۷ ص
- \* گسترش پایگاه آمریکا در خلیج ۱۷ ص
- \* اخبار خودکفائی در جنگ ۲۱ ص

اخبار داخلی

- \* ریشه یابی نارسائی در اسلام آمریکائی ۱۸ ص
- \* لزوم مبارزه تشکیلاتی ۱۸ ص
- \* ما نمیگذاریم قطعه ۵۹۸ جایزه ای برای متجاوز باشد ۲۱ ص
- \* اسلام آمریکائی ۲۱ ص

توضیح: بدلیل افزایش قیمت لوازم چاپ بهای نشریه ۵۰ ریال افزایش می یابد.

جهت اطلاع خوانندگان عزیز: بعلمت مشکل کمبود کاغذ "راه مجاهد" یک شماره منتشر نشد. با امید برطرف شدن این مشکل از خوانندگان تقاضا داریم که ما را در حل این مشکل راهنمایی فرمایند.

# درس هائی از ضرب های

# فاو و شلیپه

۲۸ ص

از حمزه استالینگراد

تا بهمیرتی سلامت آمیز با امیرالیم

۹ ص



# آیا مجاز به استفاده از سلاح

# شیمیایی هستیم

۴ ص

# شترن کامل قطعه ۵۹۸

۳۰ ص

ریشه یابی اجمالی از مواضع رسالت ۹۰ ص

# فقه امام

# خمینی

قسمت پنجم

بسم الله الرحمن الرحيم

تقدمه:  
در چند ماه اخیر امام خمینی طی یک سلسله پیام و نامه های متبادله نظرات فقهی و برداشتهای قرآنی خود را آشکارا و صریح بیان داشته اند که موجب تحولات بسیار بزرگی در جامعه ما شد و نظرات موافق و مخالف را برانگیخت. این پیامها از سؤال وزیرکار در مورد اصل تشریط و جواب امام بدان شروع شد. بدنبال آن، نامه دبیر شورای نگهبان قانون اساسی و جوابیه امام، در مطبوعات به چاپ رسید و سپس در نامه رئیس جمهور به امام و جوابیه های آن رد و بدل شد. آنگاه در پی تحقق این پیامها و نحوه اجرای آن نامه ای از طرف پنج نفر از شخصیت های مملکتی به امام نوشته شد و امام نظر خود را در مورد شورای تشخیص مصلحت اعلام نمودند. مصادیق عینی این تحولات را بایستی در پیام امام در مورد انتخابات دید که در این پیام امام به مرز بندی بی سابقه و صریحی پرداختند.  
بنظر ما هم اکنون مسائل نظری و ایدئولوژیکی خاصی وجود دارد که بیان و رفع آنها از اعمال صالح زمان است. شاید احساس امام این باشد که بسیجی با این عظمت بسوی جنبه های نیردین و درک عمیق از قرآن و فقه آل محمد (ص) تعمیق نشده و تدوین نخواهد داشت.  
در شماره های ۳۸ و ۴۳ و ۴۴ و ۴۶ راه مجاهد برخی مطالب و سخنان امام را تحت عنوان "فقه امام خمینی" آورده ایم. در این شماره قسمت پنجم آنرا می آوریم.

الف - چرا پیرامون فقه امام خمینی؟

مدتی است این سؤال برای ما مطرح است که چرا روی پیام و صحبت های امام و آیت الله منتظری آنطور که شاید و باید کار نشده و نمی شود به صورت قانون در نمی آید. مشاهده کردیم هر وقت پیام میدهند یا صحبتی میکنند تا چند روز عنوان مطبوعات میگرد و آنگاه به فراموشی سپرده بقیه در صفحه ۵

# استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی



مقدمه:

امام خمینی در ملاقات با گروهبانی از روحانیون، مقامات ارتش، اعضای هیئت دولت، جمعی از مصلحان خارجی شرکت کننده در جشنهای ده فجر نمایندگان سیاسی کشورهای مقیم تهران مطالبی را عنوان نمودند که محورهای آنرا در زیر می آوریم. متن کامل این سخنان در کیهان ۲۴/۱۱/۶۶ به چاپ رسیده است.

عنايات خداوندی ملت را منقلب کرد و انقلاب راهی پیروزی رساند

..... عنايات اوست که این ملت را در حالیکه همه جهات شکست در آن بود طوری منقلب کرد که بعد از پیروزی و من مکر تجربه کردام در این مدتی که وارد این امر بودام که بسیاری از اوقات ما یک کاری می خواستیم بکنیم منحرف میشدیم به کار دیگر بعد میدیدیم این کار انحرافی درست بوده. این نبود جز اینکه میدیدیم که این ترتیب که ما قهرا پیش آمده است این ترتیب صلاح بوده است نه آنی که ما خیال میکردیم.

راه مجاهد

بنظر میرسد منظور امام جهات ظاهری شکست باشد. یاس هم در بخشی از مبارزین وجود داشت ولی در واقع رشد انقلاب به حدی رسیده بود که ساواک از شلاق زدن و شکنجه مایوس شد و حاضر شده بود که به هر نوع مبارزه انقلابیون به جز مبارزه مسلحانه تن بدهد.

پس از یاس ساواک و دربار از سرکوب و شکنجه و اعدام، به این نتیجه رسیدند که فضای بازی بوجود آورند تا جناحهای معتدل و میانه رو و رفو میست حاکم شوند و برای سرمایه گذارهای دراز مدت غرب تضمین قانونی و شرعی بوجود آورند ولی خدای ملت ایران نخواست و امام خمینی با شعار اصیل مرگ بر شاه ابتکار عمل را در دست گرفتند و انقلاب را به پیروزی رساندند هر چند که ملت ظاهرا ارتش و سلاح و امکاناتی نداشت.

تز استقلال و آزادی عالمگیر خواهد شد

..... سابقه ندارد که ملتی سر پای خودش بایستد و بگوید نه این و نه آن. این سابقه ندارد. هرکس متکی به یک جایی است گرچه همه اتکا ها به خداست و خودشان نمی فهمند. لیکن در فهم خودشان هرکس متکی به یک جایی است و ملت ما بعد از... با عنایت حق تعالی و عنایت اولیای خدای تبارک و تعالی که به آنها ایمان داد به آنها قدرت داد این ملت دست برد به سینه همه زد و ایستاد و گفت استقلال را ما میخواهیم آزادی را ما میخواهیم و اگر به همین وضع پیش برود مطمئن باشید که پرتوش همه عالم را خواهد گرفت.

عنايات خداوندی، نفوذ حق در باطل و گسترش اسلام

..... الان هم بعد از... در عالم آن چیزی که حرفش هست ایران است یک دسته فحاشی میکنند، یک دسته خوب میگویند این طرح که در همه جا مطرح است دلیل بر این است که یک قدرتی در کار است والا اگر چیزی نبود فحش هم نمیخورد چنانچه قبلا اینطور بود که توشه میزدند و فحش هم نمی دادند اما الان که میبیند که همه عالم همه تبلیغات عالم فحش ماست و بسیاری از اینها که به ضد ماست خودشان نمی فهمند به نفع ماست. اگر شما لابد ملاحظه فرمودید این تبلیغاتی

که میکنند و این حرفهایی که میزنند بسیار بیبهره نفع ما تمام میشود و خودشان نمی فهمند و این هم از خصایص خداست.

آزادی، رهایی و خروج از ظلم جهانی است

..... ولی من امیدوارم که این ملت به همین منوالی که هست و هر روز هم دارد قدرتش زیادتر میشود این ملت به پیش برود و دنیا انشا... برکورد به یک ملت آزاد، یک دنیای آزاد، مظلومان

سخن امام راهمهای

متضعین



اما م بعنوان هدیه نوروز به روحانیون و عارفان دلسوخته و اندیشمندان و صاحب نظران و نویسندگان تکلیف نموده اند که بروی مناجات شعبانیه و دعای عرفه و سایر ادعیه ائمه شرح بنویسند.

دنيا از زیر ظلم مستکبران بیرون بروند.

راه مجاهد

بنظر میرسد منظور امام از آزادی رهایی و خروج از هر غرر قدرتها و ظلم جهانی باشد. نه آزادی غیر مبارز در این مفهوم ناسیونالیسم مبارز و ناسیونالیسمی که با استعمار مبارزه میکند نیز مقام بالایی دارد.

همه جناحها بدون استثنا بر علیه قیام فلسطین توطئه میکنند

..... و من امیدوارم که همه ملت ما دست به هم بدهند و نگذارند که این قدرتها دوباره سر کار بیایند و امروز شما ملت فلسطین را می بینید بی استثنا، من میخواهم عرض کنم بی استثنا، باید عرض کنم همه دست به هم بدهند که نگذارند که ملت فلسطین این راهی را که الان پیش گرفته است باقی بماند.

راه مجاهد

ملاحظه میشود امام تاکید زیادی روی این مطلب که همه جناحهای امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع عرب بدون استثنا میخواهند مبارزات مردم فلسطین را سرکوب کنند دارند. در حالیکه ممکن است هدفهای معتقد باشند که میشود غرب و یا جنسهای، از آن ویا ارتجاع عرب را بر سر عقل آورد

بنظر میرسد خط امام این است که با ادامه و استمرار مقاومت فلسطین اتحاد امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع عرب شکسته شود ( البته لازم به ذکر است که همین قانونندی در مورد دفاع مقدس ایران نیز وجود دارد ) قیامهای فلسطین موجب شد که کشورهای عرب اجبارا از آن حمایت کنند و در پیجا به رهبری با اسرائیل کشیده شوند در حالیکه قبل از این قیامها همه سران عرب در کفران امان ایران را بعنوان دشمن اصلی خود گرفتند و موجودیت اسرائیل را تلویحا پذیرفتند

هر وقت آنها روی خوش نشان دادند شما سخت تر بگیریید

..... اگر چنانچه یک وقت دیدید که یک روی خوشی نشان میدهند ( ابر قدرتها ) بدانید که این روی خوش دلیل بر این است که میخواهند ما را پایمال کنند. هر وقت آنها روی خوش نشان دادند شما سخت تر بگیریید.

راه مجاهد

معنی است خوش بینی امپریالیسم به انقلابات ناشی از عدم شناخت و اشتباه دشمن باشد لذا ما که در خط مبارزه و مقاومت هستیم اگر همه آنها ظاهرا به ما خوشبین شدند نباید بخود شک کنیم. قبل از انقلاب برخی از محافظ غرب به امام خوشبین بودند و از مواضع باطنی ایشان خبر نداشتند. آنها فکر میکردند که امام صرفا یک چهره ضد کونیست هستند. شاید منظور امام از این گفته ها مورد خاصی داشته باشد و نه اینکه بخواهند آنها را عموما بدهند.

پیام امام به مناسبت حلول سال نو

مقدمه

امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران به مناسبت فرا رسیدن سال ۱۳۶۷ پیامی فرستادند در اینجا قسمتهایی از پیام را می آوریم.

..... سید الشهدا سلام... علیه از همان روز که قیام کردند برای این امر انگیزه اشان اقامه عدل بود فرمودند که می بینید که به معروف عمل نمیشود و به منکر عمل میشود. انگیزه این است که معروف را اقامه کنند و منکر را از بین ببرند. انحرافات همه از منکرات است جز خط مستقیم توحید هر چه هست منکرات است. اینها باید از بین بروند و ما که تابع سید الشهدا هستیم باید ببینیم که ایشان چه وضعی در زندگی داشتند قیامش، انگیزه اش از منکر بود که هر منکری باید از بین بروند

منجمله قضیه حکومت جبر حکومت جبر باید از بین برود.

راه مجاهد

بنظر میرسد دیدگاه امام در مورد امری معروف و نهیسی از منکر همانگونه که در صحبتهایشان هم منعکس است قیام برای اقامه معروف و از بین بردن و سرنگونی و واگونی منکر است فلسفانه باب مهم امریه معروف و نهی از منکر همانند جهاد در رساله های علیه ما مبعور مانده و اگر هم مطالبی در این

مورد گفته شده صرفا تذکر موارد خوب و مفید به یک دیگر ( امری معروف ) و نهی از بدیهیها و زشتیها ست ( نهی از منکر ) که چون ملاکی برای فهم معروف و منکر نداده اند لذا فرهنگ و عرف عامه و باطنی مملکت معروف و منکر میشود یک دسته ممکن است چیزی را معروف بدانند در حالیکه دیگری آنرا منکر میدانند.

در حالیکه امام این مسئله را در رابطه با خدا - بررسی میکنند معتقدند حکومت جبر هم منکر است که باید برجیده شود و حکومت اسلامی معروف است که باید اقامه شود. بزرگترین منکر شیطان است که وجود دارد و باید از بین برود هر کار بد و منکری منشا شیطان است و تا او از بین نرود منکر ادامه خواهد داشت. منکر یک تشکیلات است و نه صرفا یک فکر و ایده و عمل یک فرد. حال اقامه معروف و نهی از منکر در شرایط فعلی سرنگونی و واگونی منکر یعنی شیطان بزرگ حکومت جبر و اقامه معروف یعنی ایجاد حکومت عدل اسلامی خواهد بود. که این یک تحول انقلابی بزرگی در روال جاری فقه است و شیوه تعالی بخش برخورد با رساله های موجود می باشد.

ائمه داتا در مواجهه با خدای ابدوند

..... مناجاتی که در ماه شعبان هست و من در نظرند ام که در هیچیک از ادعیه گفته شده باشد که ادعیه مال همه ائمه است این دعای شعبان - مناجات شعبان مناجات همه ائمه است و در این مسائل بسیار است معارف بسیار هست و ادب اینکه انسان چه جو با خدای تبارک و تعالی مناجات کند ما غافلیم از این معانی که وضع چیست؟ شاید بعضی از ما هم اینطور اعتقاد دارند که این ادعیه وارد شده و این چیزهایی که از ائمه وارد شده است اینها تشریفات است میخواهند ما را یاد بدهند و حال اینکه مسئله همین نیست مسئله مسئله این است که در برابر مقابل خدا ایستادماند آنها، آنها میدانند که در مقابل چه عظمی ایستاده اند آنها معرفت دارند به خدای تبارک و تعالی و میدانند چه کنند. بقیه در صفحه ۱۱

فریاد برائت ما فریاد برائت همه مردمانی است که اراده کرده اند که آزاد زندگی کنند و آزاد به میرند و فریاد گرسنگانها باشد امام خمینی



درس مانی از ضربه های

# فاد و شلیپی

بنام خدا پرورش دهند صاحبین

هشت سال است که جمهوری اسلامی زیر فشار ضربات خرد کننده دشمنان اسلام استقلال و آزادی مقاومت می کند. هر روز از این هشت سال برای مایک پیروزی و برای استکبار جهانی یک شکست بوده است. بزرگترین "جنگ واقعی" را بعد از جنگ دوم جهانی تحمل کرده و به پیش برد هم. الگویی از دفع کامل تجاوزات کتابه نیروی اراده ایمان مستضعفین را ارائه داده ایم. بسیاری در سبها آموخته و تجارب فراوانی را در راه امور یک انقلاب نوپا و اداره یک مملکت در حال جنگ اندوخته ایم. نشان داده ایم که یک ملت هر چند کوچک در صورتیکه به قدرت خدا ایمان داشته و به آن تکیه کند می تواند در مقابل نیروی متحد و پیاپی استکبار مقاومت کند. خیزش های فراوانی را با الهام از انقلاب اسلامی در منطقه و جهان شاهد بوده ایم و بر خلاف تمایل قدرتهای استکباری، سیاستهای جهانی را تابع سیاست های خود نموده ایم و خواب خوش را بر سر مایه داران جهانی تلخ کرده ایم

ضرباتی که در دو ماهه اخیر در مناطق عملیاتی والفجر و کربلای ۵ بر نیروهای اسلام وارد آمده در شش سال گذشته سابقه نداشته است. در این جمع بندی بر آنیم که بارشده یابی علت های اصلی وارد آمدن این ضربه گامی در جهت ادامه پیروزمندانانه دفاع مقدس برداریم.

### علت واقعی وارد آمدن این ضربه ها چیست؟

واقع ماین است که در شرایط حاضر اتحادی از ارتش و حزب بعث، آمریکا، ناتو، رژیم آل سعود، کویت، رجوی و جناحهای سلطنت طلب با حمایت شوروی با مادر رگیر شده اند. قطعه نامه ۵۹۸ تکمیل گشته و فشارهای نظامی است و امپریالیسم خبری نیز با تمامی توان می گوشت تا مارا کشوری جنگ طلب و برهم زننده ثبات و امنیت جهان نشان دهد. تهاجم جدید و گسترده تری که از هنگام ورود نیروهای امریکائی به خلیج گشتار حجاج در رمک علیه ما آغاز شد. در این اواخر به اوج خود رسیده است پس شبکه، حملات عراق علیه ما با هماهنگی امریکائیان و ناتو انجام گرفته است و وقایع یک ساله اخیر نشان دهند این اضراسست و قایمی نظیر:

- همکاری و هماهنگی حمله امریکایی به سکوهای نفتی و ناوگان دریایی ایران با حمله عراق به منطقه فاد
- سکوت نسبی در برابر جنایات شیمیائی

عراق در حلیجه و یکارگیری بمب شیمیائی در حمله به برخی از شهرهای ایران

- حمایت اطلاعاتی از عراق برای اجرای حمله های خود
- حمایت تسلیحاتی از عراق در حمله موشکی به ایران توسط شوروی
- تقویت و تسلیح سعودی یوسلیا موشکهای دوربرد
- هماهنگی ناوگان امریکائی در خلیج با هواپیماهای عراقی در حمله به نفت کشتیهای مستقر در جزیره لارک
- طرح حمایت از تمامی کشتیهای خارجی که از خلیج عبور می کنند، توسط ارتش امریکا
- حمله به نیروهای طرفدار جمهوری اسلامی در جنوب لبنان توسط اسرائیل، اصل و سوریه ...

نسبت به خط مشی جدید استکبار و اینکه در آستانه تجاوز بزرگتری از تجاوز عراق در آغاز جنگ قرار گرفته ایم، در جنبه هانیز آرایش نظامی ما با خط تهاجمی جدید مطابقت نداشت. برای دفاع از نیروزی و برتریهای خود در جنبه هاد مقابل هجوم استکبار، میبایست مواضع دفاعی خود را تقویت می کردیم، در ریش خط مقدم میبایست خطوط دفاعی دیگری درست می کردیم تا عراق نتواند با عبور از خط مقدم، آنچه را که طی یک ماه حمله و دفع ضد حمله ها آزار کرده و دو سال برای حفظ و نگهداری آن زحمت کشیده بودیم در عرض یک روز تصرف کند.

۲- غاندگیر شدن: عراق با اجرای تک سنگین در منطقه عملیاتی والفجر، اعتمادی مسئولین نظامی ما را غافلگیر کرد، با توجه به پیروزیهای ما در حلیجه و تعداد اسراهای که در حلیجه گرفته بودیم، هیچکدام از مسئولین جنگ باور نمی کردند که عراق توانائی اجرای تک سنگین را داشته باشد. حتی یکی از مسئولین درجه اول جنگ چند روز پیش از حمله عراق به فاد گفته بود "عراق نتواند دفاع در جنبه هارندارد چه برسد به تهاجم این غاندگیر شدن ریشه در ساد هاندیشیها می دارد که در بخش ریشه یابی استراتژیک ضربه به آنها اشاره خواهیم کرد.

۳- عدم نرسایش نیروهای نظامی عراق: در سال گذشته استعدادهای نظامی عراق برای مقابله با حمله گسترده ما در منطقه جنوبی آماده نگردید، بعلاوه عدم حملات در منطقه جنوب دست نخورده باقی ماند و بعلاوه



عراق پاتک چندانی هم در منطقه شلمچه نکرد. پس از عملیات والفجر ۱ که بطور طبیعی بخشی از نیروها به مرخصی رفته و بخش دیگری از نیروها نیز برای حفاظت از پیروزیها از جنوب به مناطق شمالی منتقل شده بودند، عدم توازن تواد در جنبه جنوب امری مشهود بود. کمبود نیرو در رگشوری که ۲۰ میلیون جوان دارد یعنی استراتژیک به حساب آمده که در بخش ریشه یابی استراتژیک به آن اشاره خواهیم کرد.

۴- مشکل حمله شیمیائی دشمن: عراق در این سری عملیات به حمله وسیع شیمیائی دست زد، معمولاً "روش دفاع ما در مقابل با حمله شیمیائی دشمن افشاکری سیاسی در دنیا، پدافند شیمیائی در جنبه ویرخا عمل

حالی که ضعفهای باعث شد که نتوانیم این هجوم جدید را دفع کنیم؟

الف: ضعفهای نظامی تاکتیکی

۱- ضعف در شیوه های دفاعی: با توجه به اینکه امپریالیسم از یکسال پیش تهاجم گسترده تری را علیه انقلاب اسلامی تدارک دید. طبعاً میبایست تناسب با این خط مشی بر استحضامات دفاعی خود در جنبه و شهرس افزودیم. شهر خود را برای تحمل حملات موشکی آماده نکردیم و بعد از شروع جنگ موشکی به فکرایجاست استحضامات برای مقاومت در برابر موشک افتادیم. متاسفانه بعلاوه عدم هوشیاری

باز دارند شیمیائی بوده است. با توجه به عزم امپریالیسم به تهاجمی جدید و گسترده علیه ما و با توجه به اینکه امپریالیسم خبری در جهت پوشاندن حنایات صدام عمل میکند، تبلیغات سیاسی ما اثر چندانی نخواهد داشت. پدافند شیمیائی موجود هم در مقابل بمب های سیانوری اثر چندانی ندارد. برای اینکه به دام شیوه غیراسلامی مقابله به مثل شیمیائی نیافتیم میبایست شیوه ای مردمی برای خنثی سازی ویی خاصیت کردن حملات شیمیائی پیدا نمائیم.

۵- بی توجهی به تصمیم عراق برای باز پس گیری فاد: عراق از یکسال پیش اصلی ترین هدف خود را باز پس گیری منطقه فاد قرار داده بود. یکی از مسئولین جنگ چند ی پیش گفته بود که در جلسهای از فرماندهان عراقی یا حضور شخص صدام تصمیم گرفته شده است که فاد را احتی به ازای ۹۰٪ تلفات باز پس بگیرند. شنیده شده است که عراق از یکسال پیش جند لشکر خود را به باز پس گیری فاد اختصاص داده و آنها را برای این منظور آموزش می داد. ما به این هدف عراق بی توجه بودیم و به تحسین منطقه کم بها دادیم.

۶- خشک شدن منطقه و برتری نظامی عراق: با شروع فصل گرما و خشک شدن نسبی منطقه، ارتش مکانیزه عراق که عمدتاً متکی به تانک و ادوات زرهی است، قدرت عمل پیدا کرد. و از موضع پدافند خارج و امکان آفند پیدا می کند. با توجه به اینکه ما استعداد نظامی عراق را که در طول یکسال گذشته جمع آوری شده بود، فرسوده نکردیم، عراق در منطقه جنوب برتری نظامی پیدا می کرد و غفلت از این امر و کمبود نیرو در فاد و عامل اصلی از دست رفتن این منطقه شد.

۷- اندهان بسیاری از مسئولین به حملات موشکی مشغول شد: مسائلی نظیر پاسخ گوئی به حملات موشکی، اسکان مردم، حل مشکل وزارتخانه ها و ادارات و مدارس، خانواده هارادان رزمند و ... تا به آن حد که آنها را مشغول نموده بود که فراموش کردیم عراق به این دلیل که هیچ برتری نظامی بر ما ندارد و مناطق استراتژیکی مانند فاو و شرق بصره، شمال عراق و ... در دست ماست، حمله موشکی به شهرها را آغاز کرده است و عراق در اولین فرصت سعی می نماید که این برتری هار از دست ما بگیرد و ... گماینکه همین کار را هم کرد.

### ب: ضعفهای استراتژیکی

گرچه صدام او سیما آنطور که شاید وسایند کیفیتها و انگیزه قوی رزمندگان که بسیاری از آنها از ابتدای جنگ بطور اوطلبانه و حرفه ای در جنبه هستند و زندگی در جنبه سه راروش زندگی خود می دانند، منعکس نمی کند لیکن آنچه که در رسانه های خبری از میزان استقبال مردم از جنگ نشان داده می شود بیش از آن چیزی است که در واقع وجود دارد. گرچه این روش تبلیغ خود نوعی روحیه سازی و بالا بردن توان مقاومت مردم می باشد لیکن گاهی امر را بر خود مسئولین هم مشتبه می کند. این ضعف در آنچه که مردم در مقابل دوربین تلویزیون می گویند و میزان اعزام ها و کمکهای

فریاد برائت ما فریاد دفاع از ملت و حیثیات و بنوامیس، فریاد دفاع از منابع و ثروتها و سرمایه ها، فریاد درد مندانه ملت های است که خنجر کفر و نفاق قلب آنان را دریده است

امام خمینی

بقیه در صفحه ۲۸



## آیا مجازبه استفاده از سلاح شیمیایی هستیم

### نامه‌ای به برادر کمال خراسانی



چندی پیش رونوشت نامه‌ای از سوی یک برادر به دستمان رسید. در صدر نامه جمله: "رونوشت جهت مطالعه یا چاپ" نوشته شده بود. ما نیز به لحاظ اهمیت مطالب مندرج در نامه، اقدام به چاپ آن نمودیم. با این آرزو که شاهسوی برخورد های مسئولانه استدلالی با نقطه نظرهای مسئولین باشیم

بسم الله الرحمن الرحيم  
برادر کمال خراسانی مسئول ستاد تبلیغاتی جنگ سلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

ضمن آرزوی سعادت و توفیق روز افزون برای شما و سایر مسئولین جمهوری اسلامی امید است در انجام تکالیف الهی و انقلابی خود موفق و مؤید باشید. انشاء الله...

شما در یکی از مصاحبه‌های اخیرتان اظهار نمودید که در صورت تداوم استفاده رژیم عراق از سلاحهای شیمیایی جمهوری اسلامی نیز ناچاراً دست به مقابله به مثل زده و از سلاحهای شیمیایی استفاده خواهد کرد. در این رابطه مطالبی به ذهن میرسد که با شما نیز در میان می‌گذاریم. امید آن داریم که با این مطالب برخوردی فعال و دلسوزانه نمایید. انشاء الله...

بنابه دلایلی که ذیلاً بطور اختصار بیان میشود، تعالیم عالیله اسلام مجاز به استفاده از چنین سلاحهایی را نمیدهد: ۱- یکی از ویژگیهای سلاحهای شیمیایی این است که در منطقه‌ای که مورد استفاده قرار میگیرد، تمامی موجودات زنده را از بین برده به اصطلاح ترو ختک و بیگناه و باگناه را با هم از بین میبرد. فاجعه شهر حلبچه و آن کشتار دسته جمعی شاهد زنده این مدعاست همانطور که مستحضرید بیگناه کشتی از نظر دین‌مبین اسلام حرام و گناه می‌باشد. در همین رابطه امام خمینی در تاریخ ۶۲/۸/۱۷ فرمودند:

" مبادا بواسطه بمباران شهرهای شام کشتن عزیزان شام عصبانی شوید و جبران کنید. اینطور انتقام از او نیست انتقامتان را از صدام بگیرید و از حذب بعث، توجه کنید مبادا یک گلوله بطرف شهرهای آنها بیندازید، همانطور که بهیبه ما مظلوم است. صبر هم مظلوم است، مندلی هم مظلوم است، همه اینها مظلومند، اینها تحت ستم هستند ما باید حیات انسانی را تا آخر حفظ کنیم، حیات انسانی را باید تا مرز شهادت و فوت حفظ نماییم و هیچوقت عصبانی نشویم از اینکه او دارد اینکار را میکند پس خوب است یکی از شهرهای او را بزنیم. الان بسیاری از شهرهای آنها زیر نظر ماست و رزمندگان میتوانند آنها را بمباران کنند. ابادا" همچو کاری نکردند و نباید هم بکنند برای اینکه

مردم شهرها گناهی ندارند ما در جنگ باید جلوی او را بگیریم و در جنگ صدمات خود را به او وارد کنیم و او را محکوم کنیم و معدوم کنیم. شما برای خدا جهاد میکنید آنها برای شیطان جهاد میکنند. آنها تابع شیطان هستند و شما تابع خدا هستید این فاصله میان این دو امر است توجه کنید این بعادت من به آن قدرتمندانی که در جبهه ها ایستاده‌اند و الان مستأصل کرده‌اند صدام و صدامیان را عرض میکنم که مبادا این قدرت اسباب این شود که انتقامی برخلاف این موازین الهی گرفته شود شما تا بحال بنا بر این بوده‌اید انشاء الله... از حالا به بعد هم این باشد که شهرهای عراق را که ما عزیز میدانیم مثل شهرهای خودمان و بعضی هایش بسیار بالاتر باید توجه کنید که اهالی شهرهای ما مبتلا به شرم صدام هستند آنها بیشتر مبتلا هستند.

۲- یکی دیگر از ویژگیهای این سلاحها این است که بدون مرز بندی و در نظر گرفتن مراتب افراد آنها را از بین میبرد. از آنجائیکه ارتش عراق باقت یکدستی ندارد و در بین آنها همانطور که افراد جنایتکار بعضی وجود دارد سربازان و افرادی نیز وجود دارند که به زور به جبهه ها آورده شده‌اند که هیچ تمایلی به جنگیدن با جمهوری اسلامی ندارند این افراد در صورت اسارت و کار روی آنها به نیروهای مبارزی بر علیه صدام تبدیل میشوند. این شیوه باعث حساسی در درون ارتش عراق میشود. حال آنکه بکارگیری سلاحهای شیمیایی هیچ طبقه‌ای را به نفع جمهوری اسلامی رشد نمی‌دهیم و برعکس افراد متزلزل را نیز به طحرف افراد وجر بانهای معاند سوق می‌دهیم

۳- به نقل از افراد مطلع و متخصص سلاحهای شیمیایی اثرات سوئی روی نسل می‌گذارد. به این ترتیب در صورت استفاده از این سلاحهای مانیز در ظلمی که به افرادیکه در آینده متولد خواهند شد و هیچ نقشی نیز در این جنایات صدام ندارند شریک خواهیم شد. آیا در صورت پیش آمدن چنین چنین وضعی در پیشگاه خداوند مسئول نیستیم؟

۴- تأثیر دیگری که اینگونه سلاحها که باعث کشتار دسته جمعی آنهاست بطور فجعی میگردند دارند این است که استفاده دراز مدت از آنها باعث از بین رفتن رحم

و شفقت در بین استفاده کنندگان آن گشته بطوریکه انجام جنایت برای آنها حالت عادی پیدا میکند. وقتی جنازه‌های متلاشی شده کودکان و زنان و مردان عراقی در رسانه های همگانی منعکس شود، مقابله مردم ما با این مسئله از دو حال خارج نیست یا میگویند جمهوری اسلامی دست به جنایت زده و ضد جمهوری اسلامی وضد جنگ میشوند یا اینکه قسی القلب شده و میگویند حقشان

در مورد سلاحهای شیمیایی نیز بنظر میرسد بهترین شیوه برای جلوگیری از استفاده وسیع دشمن از این سلاحها این باشد که عملیات ممانعتی و محدود و با تعداد نفرات کم اما بطور مستمر و در سرتا سر جبهه ها انجام شود.

است و اشکالی ندارد در صورت ضرورت توجه ماست اگر اقت اخلاقی در مردم ما پیدا شود انقلاب از درون می‌پوسد تصور کنید که مردم انقلابی داشته باشیم که بگویند اشکالی ندارد. منافق و محارب را زیر شکنجه تکه و پاره کرده یا زنان و کودکان عراقی را با موشک تکه تکه کرده و با بمب شیمیایی به فجیع ترین وضعی کشت ..... آیا در صورت انقلاب چه محتوایی خواهد داشت؟

۵- فعلاً تمامی رسانه های خبری ما بر روی اخبار و گزارشهای مصور اثرات و تلفات هوایی و موشکی مادر شهرهای عراق بسته است. و رزمندگان ما بعینه نمیدانند که موشک جمهوری اسلامی چه بر سر مردم بیگناه عراق می‌آورد چرا که مسئولین ما به آنها میگویند که این موشکها سویی مراکز اقتصادی و نظامی عراق پرتاب میشود شما فکر میکنید اگر اخبار اثرات بمبارانهای شیمیایی و موشک باران ما بر شهرهای عراقی پخش شود، رزمندگان ما نسبت به ادامه جنگ چه نظری خواهند داشت آیا باز هم انگیزه در جبهه ماندن و جنگیدن را خواهند داشت.

۶- یکی از دلایلی که بعد از گذشت ۹ سال از انقلاب و ۸ سال از جنگ حرکت قابل ملاحظه‌ای در مردم عراق علیه صدام

و نفع جمهوری اسلامی بوجود نیامده است، ترکشهایی است که از انقلاب نه آنهار رسیده است. ترکشهایی مثل بمب و موشک و خمیازه‌ها و اسیرکشی (که در مواردی بوده است) و اخباری که از مسائل درونی جمهوری اسلامی توسط گروههای محارب در عراق پخش شده است (نارسانیهایی که ماهم وجود آنها را تأیید میکنیم و آنها... منتظری و امام نیز بارها بوجود این مسائل اعتراض کرده‌اند... ولی مردم لبنان و فلسطین اشغالی که ترکش نارسانیهایی ما به آنها نخورده است نفع ما و ما انگیزه مدینه فاضله جمهوری اسلامی قیام کرده و شهید میدهند. اگر ما دست به مقابله بمثل شیمیایی بزنیم و اخبارش در درون کشورهای عربی و اسلامی پخش شود آیا مردم این کشورها همانگونه که الان فکر میکنند فکر خواهند کرد؟

۷- در صورت تبدیل جنگ به جنگ شیمیایی مردم از جنگ منزجر شده و برای خاتمه دادن به آن به سازمان ملل و بین المللی از قبیل سازمان ملل و... متوسل میشوند و این سازمانها در نظر مردم مشروعیت پیدا نموده و به این اعتبار فشارشان روی ما برای برقراری آتش بس و قبول صلح تعمیلی زیاد میشود.

۸- از آثار نامطلوب استفاده از این سلاحها این است که یک تعادل وحشتی در دو طرف جنگ ایجاد می نماید به این معنی که هر دو طرف از ترس استفاده طرف مقابل از سلاحهای شیمیایی حرکتی در جبهه ها نمی نمایند که در این صورت یک حالت رکود و سکونی برجسته ها حاکم میشود. که این وضع بطور خزنده به آتش بس و صلح تعمیلی میانجامد.

۹- تجربه چند ساله مقابله بمثل نشان میدهد که این عمل جلوی شرارت های عراق را نگرفته و تقریباً بی اثر بوده است حال آنکه بنظر میرسد سلاح مظلومیت با زدارنده ترین سلاح است. اگر ما از خود صبر و خویشتن داری نشان دهیم و بجای عمل مقابله بمثل مسئله پناهگاه سازی و پدافند شیمیایی در شهرها را جدی گرفته و در جبهه ها نیز با انجام عملیات محدود و بی امان به ارتش عراق ضربه بزنیم جلوی توطئه های دشمن را گرفته و باعث مظلومیت مادرین مردم جهان و فشار افکار عمومی روی صدام و قطع این شرارتها میگردد.

در مورد سلاحهای شیمیایی نیز بنظر میرسد بهترین شیوه برای جلوگیری از استفاده وسیع دشمن از این سلاحها این باشد که عملیات ممانعتی و محدود و با تعداد نفرات کم اما بطور مستمر و در سرتا سر جبهه ها انجام شود که در آن صورت بعلت اینکه نیروهای مادر دل نیروهای عراقی عمل میکنند در صورت استفاده از سلاحهای شیمیایی بیشترین آسیب متوجه نیروهای خودش میشود.

با آرزوی سلامتی و طول عمر برای حضرت امام و آیت... منتظری و پیروزی رزمندگان اسلام و به امید تحقق شیوه‌های مکتبی در تمامی مسائل روزمره و ریزمره ما و با آرزوی موفقیت روز افزون برای تمامی مسئولان و خدمتگزاران جمهوری اسلامی

آیت الله منتظر

فرماندگانی که متصدی امر جنگ هستند تجربه‌های گذشته درس بگیرند و نیروها را زنده با سرعت تجهیز نمود و دشمن را تقویت نماند





مشور . البته بحث پیرامون پیامها و نامه‌های متبادله امام به مدت دو ماه در رسانه‌های گروهی ادامه داشت ولی با شروع موشک باران متوقف شد . بنظر میرسد علت اصلی موشک باران جدید تهران و شهرستانها ، جلوگیری از تعمیق و تثبیت محتوای ایدئولوژیک این پیامها باشد . امید داریم حتی در زیرموشک باران هم این سیر متوقف نشده و پیگیری این پیامها ادامه داشته باشد . در ریشه‌یابی علت این امر به نتایج رسیدیم و ملاحظه کردیم موانعی در کار است که ما اجمالاً به ذکر این موانع و رفع آن می‌پردازیم :

۱ - عده‌ای از خط امامها میگویند از آنجا که پیامهای امام را باید بارهنمودها و ایدئولوژی خود امام تفسیر کرد لذا اینکار جرأت میخواهد و به همین دلیل است که کسی در تیررس آن نرفته و دست به آن نمیزند . در جواب این عده باید گفت ایدئولوژی امام در کتاب تفسیر الحمد و دعای سحر و ... و پیامها و صحبتهاشان وجود دارد و به شرط تلاش و کوشش در دسترس همگان میباشد . ۲ - عده‌ای از خط امامها میگویند ایدئولوژی امام " عرفانی " بوده و به در عبادت فردی انسان میخورد و نمیتوان از آن در جهت مملکت داری و کارهای اجتماعی استفاده کرد و عبارت بهتر معتقدند ایدئولوژی عرفانی امام متکی به " فطرت " بوده و قابل " نظام شدن " و " پیاده شدن " نمیشد و مشکلات نظام جمهوری اسلامی را نمیتواند حل کند .

در جواب این عده باید گفت امام معتقدند " فطرت بازاری نمیخورد " و فطرت انسان ، عدل طلب و انسجام طلب است و این فطرت ، نظام واحد و قانون واحدی را طلب می‌نماید و در همین راستاست که به سیاست جوشیده از متن دیانت می‌اندیشند مثلاً یکی از همین شیوه‌های استخراج از متن دیانت این است که برای نجات انسانها بایستی از طریق تشکیلهای اسلامی در جهت ظهور امام زمان ( عج ) گام برداشت که همان ترمیم و تشکیل حکومت اسلامی ایشان است . در مقابل این تز عده‌ای از فقها و مراجع بوده‌اند که معتقدند تا ظهور امام زمان ( عج ) نمیتوان حکومت تشکیل داد .

کلید دستیابی به کلیه روشهای تشکیلاتی و سیاسی و مملکت داری نیازمند شدن به یک قانون واحد منسجم می‌باشد که منشاء آن فطرت است که در این راستا بایستی کارزبانی انجام شود و کم‌کاری هزار ساله را حیران کرد .

۳ - عده‌ای از خط امامها معتقدند : ایدئولوژی امام " عرفانی " بوده لذا " غیر منطقی " می‌باشد . اینها از آنجا که منطق یونانی - غربی ارسطو را تنها روش تعقل و استدلال میدانند بنابراین چنین نتیجه میگیرند که صحبتهای امام را نمیتوان در مدرسه و دانشگاهها و حوزه‌های علمیه آموزش داد . در صورتیکه در ریشه عرفانی امام ، برهان و استدلال نفی نشده است . بلکه ایشان معتقدند عرفان ، خود یک نظام استدلال توحیدی دارد . این نظام استدلالی مستقل از روشهای موجود است و امام در این زمینه با بارها به دعای عرفه و دعای کمیل و مناجات شعبانیه استناد کرده‌اند و عرفان ائمه اطهار را هم با عرفان مصطلح و رایج فرق میگذارند .

۴ - عده‌ای از خط امامها معتقدند : ایدئولوژی امام به در شرایط سخت میخورد و به شرایط عادی و طبیعی اینها معتقدند تا آنجا که بتوانیم باید از قوانین و فرمولهای طبیعی استفاده کنیم و اگر این قوانین نتوانست ما را یاری نماید ، در شرایط سخت به ما ورا طبیعه تکیه کنیم .

اینجاست که ایدئولوژی امام مناسب بوده و به در میخورد باید توجه داشت که این ایدئولوژی اصیل الهی است که موجب پیدایش ابتلاعات میگردد و شرایط سخت را بوجود میآورد والا اگر رعایایمان اختلاقی بنیادی با ظالمان نداشته باشیم بر ما فشار نمی‌آورد . بطور مثال اگر اصول انقلابان اصیل نبود هیچگاه آمریکا فیماز طریق صدام به ایران حمله نظامی نمیکردند .

۵ - عده‌ای معتقدند امام همه مسائل مبتلابه را در رساله علیه خود یعنی تحریر الوسیله نوشته‌اند ، با رجوع به آن نیازی به پیامها و صحبتهای ایشان نداریم . برخی از فقها معتقدند تا صحبتهای سیاسی و پیامهای امام در حوزه‌ها تدریس نشود و اجماع علمای آن تعلق نگیرد نمیتوان بعنوان چیزهای مشروع و معقول از آن نام برد و در اختیار طلاب قرار داد . در حالیکه آیت الله صانعی که به نقطه نظرهای فقهی امام آگاهند در مراسم تودیع از مقام دادستانی کل کشور مطالمین بدین مضمون گفتند : " مجموعه صحبتها و پیامهای امام سه برابر فقه جواهری ارزش دارد " .

ب - ضرورت فتاوی اخیر امام

۱ - پر کردن خلا " ایدئولوژیک

بنظر میرسد از آنجایی که اعضای مهمترین تشکل پس از انقلاب ، یعنی حزب جمهوری اسلامی از جامعه روحانیت بودند تضاد های درون روحانیت یعنی اختلافات بینشی بین آنها به درون حزب جمهوری اسلامی سرایت نمود و باز از آنجا که سران حزب ، از یکطرف مسئولین نظام جمهوری اسلامی بودند و از طرف دیگر به اعتراف خود ، توان حل این اختلافات بینشی را نداشتند ، لذا این تضادها به درون انقلاب کشیده شد و از آنجا که به درون کانونهای انقلابی منطقه نظیر لبنان و فلسطین منتقل گشت و کلاً بن بست می‌رسد بوجود آورد ، به آیت الله امامی کاشانی نیز در خطبه نماز جمعه به آن اشاره‌ای کردند که ولی فقیه گره گشایی نموده و مملکت را از بن بست ۹ ساله درآورد ، به همین لحاظ تحول ایدئولوژیک بسیار عمیقی لازم بود .

برای روشن شدن مطلب ، بدلیل خلا " ایدئولوژیک در حزب جمهوری بود که حزب منحل گشت و بخشی از آن به بنیاد رسالت پیوستند و جناحی در مقابل آن ، و جناحی در مدار مسئولین مملکتی باقی ماندند .

توضیح اینکه آقای خامنه‌ای در مصاحبه‌ای گفتند . در این چند ساله بدلیل مسئولیتهای اجرایی وقت نداشتیم کار ایدئولوژیک کنیم و میلان کار ایدئولوژیک حزب ، صفر است . اینجاست که برای حفظ سلامت انقلاب و نظام جمهوری اسلامی و کانونهای انقلابی منطقه تحول ایدئولوژیک چشمگیری لازم است بنظر میرسد محتوای پیامها و فتاوی اخیر امام برای پر کردن چنین خلائی بود .

امید داریم جامعه روحانیت ایران بخصوص تشکیلات جدید روحانیون مبارز نیز به تجربیات حزب جمهوری اسلامی توجه کافی میدول نمایند و صرفاً مانند حزب جمهوری اسلامی در فاز تشکیلاتی باقی نمانند و به وحدت ایدئولوژیک و گام‌سازی اهمیت بیشتری بدهند .

۲ - جانشینی آیت الله منتظری

از آنجا که برخی از فقها ، نظرات فقهی آیت الله منتظری را قبول نداشته‌ و برای جانشینی ایشان تعیینی ندارند لذا این فتاوا چنین مشکلی را حل کرده و موجب میشود که مواضع فقهی آیت الله منتظری تأیید و تثبیت گردد . بخصوص که نظرات ایشان در باره خود کشایی مملکت و اقتصاد حالت انزوا بسر میرسد .

۳ - یاس از اسلام فقهی و فقه امام

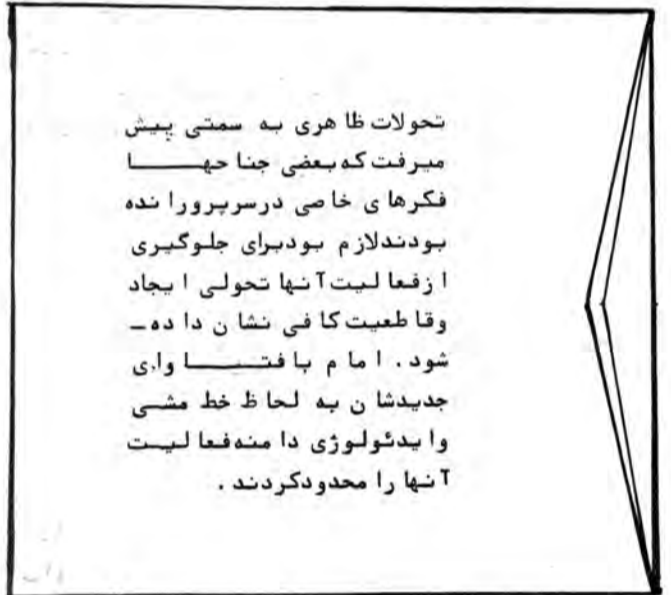
باتوجه مشکلات حل نشده انقلاب ، بخصوص در طی جنگ ، برخی از مسئولین به این باور رسیدند که فقه امام امتیازی نسبت به رساله‌های موجود و آموزشهای رایج حوزه-

ها نداشته و قادر به حل مشکلات نمی‌باشد و پیروان خط امام از راه‌حلهای اسلامی مایوس شده و به راه‌حلهای بشری شرقی و غربی روی آوردند . مثلاً در هفته قانون در دانشگاه تهران گفته شد نزد بکترین چیز به اسلام ، دموکراسی غربی است و یاد ر شعبه‌ای از انجمنهای اسلامی دانشگاهها ( شهرستانها ) مطرح شد بود که در بین هیچیک از مسئولین مائتوری منسجم ضد امپریالیستی وجود ندارد و اولین تئوری مدون ضد امپریالیستی که نزدیک به اسلام است نظریه مارکسیسم لنینیسم می‌باشد .

بیاد آوریم که در ملاقات نمایندگان مجلس با امام آقای هاشمی از امام خواستند که موضع صریح و فعالی در حل تضاد - های بگیرند . فتاوی جدید امام ، امید پیروان خط امام را به " اسلام فقهی و فقه محمدی در روایتی با اسلام امریکایی " زنده نمود .

۴ - نیازه تصویب لوایح مترقی

یکی از مشکلات و موانع بر سر راه نظام جمهوری اسلامی این بود که قریب صد لایحه به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید ولی به علت اختلافات بینشی ، شورای نگهبان قانون اساسی آنها را تأیید نکرد و به صورت قانون در نیامدند لذا لازم بود که تحول ایدئولوژیک بسیار عمیقی بوجود آید تا این اختلافات بینشی حل و این مشکل رفع گردد . بخصوص در شرایط فعلی که در آمد نفت کاهش شدیدی پیدا نموده و تکیه به مردم به جای تکیه به درآمد نفت مطرح میگردد ، از نظر نظام جمهوری اسلامی نیازه اصلاحات داخلی و تقویت روابط انسانی نیز هر روز مبرم‌تر و واضح‌تر میشود . در کتر مصدق



تحولات ظاهری به سمتی پیش میرفت که بعضی جناحها فکری خاص در سر پرورانده بودند لازم بود برای جلوگیری از فعالیت آنها تحولی ایجاد و قاطعیت کافی نشان داده شود . امام بافتن واری جدیدشان به لحاظ خط مشی و ایدئولوژی داشته‌اند فعالیت آنها را محدود کردند .

نیز که در شرایط اقتصاد بد و نفت بسر میرسد از مجلس تقاضای اختیارات نام نمود تا از این طریق بنفع مردم محروم قوانینی وضع نماید . تجربه اختیارات در کتر مصدق تبصره‌ای بود به دموکراسی غربی ، یعنی وقتی ملت آمال و آرزوهای خود را در حرکت یک رهبر می‌بیند به آن رهبر اختیارات تام میدهد تا با موانع اداری و قانونی و نیروهای بازدارنده برخورد قاطعی داشته‌باشد .

۵ - نیازه تصمیم‌گیری قاطع در مورد ادامه و یا پایان جنگ

همانطور که میدانیم زمان بندی جنگ یا صلح و اعلام آن ، توسط رهبرانقلاب و فرماندهی کل قوا انجام میگردد رهبرانقلاب چه برای ادامه جنگ و چه برای پایان آن نیاز به اختیارات تامی دارد تا جبهه داخلی را منسجم نگاه داشته و دشمن نتواند صلحی را تحمیل نماید که عواقب آن به جنگ داخلی و هرز رفتن نیروها منجر میشود . وقتی فرماندهی کل ، از قدرت کامل برای ادامه و یا پایان جنگ برخوردار باشد در صحنه بین المللی نیز از قدرت مانور کافی برخوردار خواهد بود بنظر میرسد تحولات ایدئولوژیک برای نیل به منظور فوق لازم و ضروری باشد .

۶ - برگزاری انتخابات درست

توطئه‌های اجانب و دستهای مرموز رآستانه انتخابات به اوج خود میرسد تا از طریق قانون بتوانند بر مملکت حاکم

امام خمینی: هر کس از شرق غلبه هر چه میخواهد بگوید، ما راه خودمان را می‌رویم و امید داریم که این راه را به آخر برسانیم.



# فقه امام خمینی

## سرمقاله

گردند و با انتخابات راجد و شرجی و جلوی تجربه دموکراسی را بگیرند. ما خود شاهد توطئه‌های زیادی بودیم که سال‌ها می‌آمد رهبران انقلاب با قاطعیت به مقابله با این توطئه‌ها برخیزند تا انتخابات بصورت صحیحی انجام پذیرد در شرایط فعلی شخص یا ارگان دیگری، یارای چنین برخوردی ندارند.

تشکیلات رجوی با ترور رهبران انقلاب و جناح‌های دیگر تکمیل آن با تصرف و تکلیف نیروهای مخلص سعی کردند میدان را برای فعالیت دست‌های مرموز خالی نموده و مردم را از صحنه خارج نمایند. لذا ضروری بود تا تحولی انجام شود و انتخابات به شکلی اصولی برگزار گردد.

در کشوری مانند ایران که سال‌ها زیر سلطه ابرقدرت‌ها بوده و دست‌های مرموز از شبکه‌های سی‌سی در آن برخوردارند لازم است با اختیارات کامل توطئه‌های آنها متوقف و سرآب شود.

### ۷ - مقاله باگودتای خزنده

در ظاهر امر منظر میرسد که ایران در آستانه یک کودتای خزنده قرار داشت که برخی از عوامل آن ذکر میشود:

- مصاحبه ریگان، که هدف از جریان مک فارلین را تغییر دولت موسوی دانست. که اعتراضی بود آشکاره دخالت در ایران و تعقیب یک کودتای (رجوع شود به راه‌مجاهد شماره ۶۷)
- کشف شبکه حاسوسی دکتر بقایی و شناسایی و دستگیری عده‌ای در این رابطه.
- معرفی کردن انقلاب دوم و دانشجویان خط امام بعنوان خاکریز دوم.
- تدارک برای دستگیری عده‌های بارجیب ارتباط با سید مهدی هاشمی و برخورد خطی با آن پرونده.
- برجیب التقات و کونیزم به نیروهای خط امام.
- تحولات ظاهری به سمت پیش میرفت که بعضی جناح‌ها فکرهای خاص در سرپروراندن بودند. لازم بود برای جلوگیری از فعالیت آنها تحولی ایجاد و قاطعیت کافی نشان داده شود. امام با فتاوی حدیثی‌شان به لحاظ خط مشی وایدولوژی دامن فعالیت آنها را محدود کردند.

### ۸ - شتاب دادن به گان‌های انقلابی منطقه

از آنجا که اکثر گروه‌ها و نهادهای اسلامی منطقه بخصوص در جنوب لبنان و فلسطین خواهان تشکیل حکومت اسلامی هستند لازم بود در این راستا تحول ایدئولوژیک چشمگیر انجام شود تا اصلی‌ترین نیاز گان‌های انقلابی منطقه را برآورده کند تا به حرکت خود شتاب بیشتری بدهند. تشکیل حکومت امام و این مطلب که احکام حکومتی حکم اولیه هستند از نیازهای اساسی این مرحله از انقلاب و صدور انقلاب است.

تحقیقات یک گروه از استادان اسرائیلی نشان داد که مردم جنوب لبنان ابتدا حرکت خود را از ضدیت با اشغال اسرائیل شروع کرده و به مرحله ضد صهیونیستی و سپس ضد امپریالیستی ارتقا یافت و آنگاه "خواهان حکومت اسلامی" شدند که مراحل قبل را هم در برداشت. اخیراً تحلیل‌گران امریکایی کسانی را بنیادگرای اسلامی میدانند که خواهان حکومت اسلامی یعنی پیاده کردن تک‌تک آیات قرآن در صحنه عمل می‌باشند.

### ۹ - تحول ایدئولوژیک

در آستانه دهمین سال انقلاب هنوز این سؤال مطرح

بود که آیا دولت میتواند مالک باشد؟ آیا درآمد نفت میتواند در بودجه دولت منظور شود؟ آیا دولت حق دارد اسلحه وارد کند؟ یا حتی اسلحه هم باید از طریق بخش خصوصی وارد شود؟ اینها، وسدها نظیر اینها مسائل اساسی بودند که لا ینحل ماند نبود و لازم بود تحول چشمگیر ایدئولوژیک انجام و به همه آنها پاسخ داده شود. گرچه امام کتاب ولایت فقیه خود را در سال ۶۶ نوشتند ولی هنوز جرجشی رسمی از فقه فردی به فقه اجتماعی - حکومتی انجام نشده بود. هنوز جرجشی از احکام فرعی به احکام اولیه حکومتی انجام نشده بود گرچه نظرات فقهی امام از درون پیام‌ها و صحبت‌هایشان آشکار بود و در راه مجاهد نیز همزمان منعکس میشد ولی هنوز جنبه رسمی پیدا نکرد بود. آموزشی‌های جاری حوزه‌های علمیه عمدتاً "تفقه فی العلومند" یا "تفقه فی الاحکام" و میبایست جرجشی به سمت "تفقه فی الدین" و "تفقه فی الاصول" بوجود می‌آمد. یکی از مشکلات ایدئولوژیک انقلاب در این است که از یکطرف امام معتقدند کتاب‌های ارسطویی بوی از آنچه که در قرآن کریم دنبال میشود نمیدهد ولی از طرف دیگر فقه‌های معرونی هستند که نقش زیادی در سیاست مملکتی هم داشته ولی معتقدند اصول فقه را بطور لاینفکی با منطق ارسطو وارد و اگر خدش‌های سه منطق یونانی - غربی ارسطو وارد آید اصول فقه هم زیر سؤال می‌رود. آیا وقت آن نرسیده بود که برای این اختلافات بینشی راه حلی پیدا شود؟ و در مقابل شرق و غرب گام‌های اساسی در جهت استقلال مکتبی برداشته شود؟ اینک امام گفتند احکام حکومتی از احکام اولیه هستند و واقع‌نیز تاریخ نسل مجاهد و مسلمان و جوان ایران است که قلبشان برای تشکیل حکومت اسلامی می‌تپد.

مطلب دیگری که مورد اختلاف صاحب نظران مسلمان ایران است که آیا منشأ حکومت و قدرت خداست یا مردم؟ اگر گفته شود منشأ قدرت و حکومت خداست فوراً به یاد حکومت خدا بر مردم کلیسا (تئوکراسی) و تفتیش عقاید و شکنجه و... می‌افتند. اگر منشأ حکومت را مردم بگیریم فوراً به یاد دموکراسیهای غربی می‌افتیم. آنچه در پیام حج امام و پیام‌های اخیر مشهود است این است که خداوند اراده کرده است که تاریخ جهت داشته باشد و این جهت نیز حاکمیت مستضعفین است و لذا اگر منشأ حکومت را خدا بدانیم چنین اعتقادی نه تنها فانی حکومت مستضعفین نیست بلکه آنرا شتاب خواهد داد.

برخی صاحب نظران هم راه حل میانه‌ای انتخاب می‌کنند که تلفیقی از معیارهای الهی و مردمی است. آیت الله خاتم در تفسیر پیام‌های اخیر امام گفتند: امام ولایت فقیه را در راستای اصل امامت قبول دارند و آنرا اصل دانستند. لذا احکام حتی احکام واجب در رابطه با اصول می‌توانند در پیام‌ها پیدا نمایند و تعطیل بردار هستند. برخی میگویند امام احکام قطعیه اسلام مانند نماز و روزه و حج را میخواهند تعطیل کنند. باین توجیه و توجه به محتوای احکام در ضمن اصول گرای از یکطرف با فرصت طلبی از طرف دیگر فرق قائل شد. یک وقتی است

در کشوری مانند ایران که سالها زیر سلطه ابرقدرتها بوده و دست‌های مرموز از شبکه‌های وسیعی در آن برخوردارند لازم است با اختیارات کامل توطئه‌های آنها نقش بر آب شود.

در رابطه با اصول حکم تعطیل میگردد و یک وقت دیگر در رابطه با منافع فردی و اجتماعی، اولی روح یابی احکام و توجه به محتوا و دوم فرصت طلبی است.

### ج - محتوای ایدئولوژیک و ویژگیهای فتاوی اخیر امام

### ۱ - ولایت فقیه اصل است نه حکم

یک ویژگی این فتاوی این بود که نشان دهد ولایت فقیه اصل است نه حکم. اگر ولایت فقیه حکم باشد قابل تعطیل خواهد بود چرا که حتی احکام واجب نیز قابل تعطیلند لذا اصل نظام جمهوری اسلامی تعطیل بردار میشود و ممکن است ولی فقیه بعدی ولایت فقیه را جزو احکام محسوب کرده و آنرا تعطیل نماید و ثبات نظام بشکل تئوریک زیر سؤال می‌رود. در حالیکه امام ولایت فقیه و تشکیل نظام را اصل دانسته و به آن پایداری و ثبات بخشیدند.

### ۲ - منشأ قدرت و حکومت نه مردم و نه عوام بلکه خداست

گفتیم در رابطه با منشأ قدرت و حکومت بین صاحب نظران اختلاف است. عده‌ای منشأ قدرت و حکومت را خدا و عده دیگر مردم میدانند. تعریف مشخصی هم از مردم و حاکمیت آنها وجود ندارد مثلاً "روحانیت عوام زده ملاکشر عوام است و روشننگران ملاکشان مردم و تعریف مرزبندی شده‌ای بین عوام و مردم وجود ندارد. این است که در رانتهای خط بهم می‌رسند ولی امام از ولایت خدا به ولایت نبی اکرم (ص) رسیده و به دنبال آن به ولایت معصوم و از این طریق به ولایت فقیه می‌رسند که طبعاً حکم چنین ولی فقیهی مطلقه، یعنی قطعیه و قابل اجرام باشد. ملاحظه کردیم که هم قاطبه روشننگران غیرمکتبی تبیین درستی نسبت به فتاوی اخیرند داشته و هر دو جناح به دام سطحی نگری و قشریگرایی افتادند و علیرغم نیتشان هم موضع شدند.

### ۳ - ولایت مطلقه یا دیکتاتوری؟

عده‌ای مایلند امام را به دام یک دوطبقی گازی انداخته تا امام جانب یک قطب را بگیرند مثلاً "قطب کار با سرمایه

ملاحظه کردیم که هم قاطبه روشننگران وهم روحانیت غیرمکتبی تبیین درستی نسبت به فتاوی اخیرند داشته و هر دو جناح به دام سطحی نگری و قشریگرایی افتادند و علیرغم نیتشان هم موضع شدند.

قطب سوسیالیسم و یا سرمایه‌داری، قطب دموکراسی یا دیکتاتوری، قطب فقه سنتی و فقه پوپا، قطب شرق یا غرب و... ولی امام با هوشیاری اسلامی خود، از ضد اسلام و ولایت تمامه نبی اکرم (ص) شروع میکنند و خود را به دام مکتب و اشکال حکومتی موجود بشری نمی‌اندازند. البته روش متدولوژی از خدا به خلق رسیدن، روشی است درست و نیاز اصل مجاهدین ولی از آنجا که پیرامون آن کار نشده از نارساییهای زیادی برخوردار است که بایستی جبران نموده و مرز آن را با تئوکراسی و انگیزاسیون والگوهای کلیسایی مشخص کرد.

آمریکا از اسلام راستین می‌ترسید و از قیام منتهی به حکومت عدل واهمه داشت



مردم و بویژه علمای راستین " تشیع علوی " و " تسنن محمدی " است و نقشه، نقشه تفرقه افکنی در پشت جبهه است و بهترین وسیله برای اینکه از خطر صهیونیسم غافل مانند. این است که مردم سنی بترسند که خطر اسلام، تشیع است و مردم شیعی را بترسانند که خطر اسلام، تسنن است! و برای دشمن چه موفقیتی بهتر از این که نقشه‌های طرح کنند که دو سر بازی که در جبهه مقابل، داخل یک سنگر کمین کرده‌اند و حمله می‌کنند، ناگهان بحان هم بیفتند. (۴)

" باید توضیح بدهم که پس از جنگهای شش روزه سال ۱۹۶۷ و اشغال بیت المقدس و خطر صهیونیسم و طرح مسأله فلسطین و شعار وحدت صفوف در برابر استعمار (که بارها گفته‌ام و این گفته شعار ما شده است که وحدت بین تشیع و تسنن نه، وحدت شیعه و سنی، آری!) با اینکه حسینیه ارشاد، از آغاز تاکنون، اسلام " اسلام حسن " بوده است و... ناگهان طی برنامه‌های یکواخت و همزمان با اسهامانی دیکته شده، در چند محفل رسمی و مجلس عمومی تهران و شهرستانها تحت عنوان

شعار مقدس " ولایت " و مبارزه با خطر " وحدت "، موسسه ارشاد بطور اعم و من منظور اخص، مخالف " ولایت " و مکر " اهل بیت رسالت " و سنی و حتی وهابی به مردم معرفی شدیم. حساب کردیم، دیدیم این برنامه، درست، بعد از هجوم صهیونیسم آغاز شد و دقیقا " ماه بعد از آنکه، در ارشاد طی سخنرانی‌هایی تحت نظر هئاتی از شخصهای معترض تشیع علوی شماره حساب ناکی برای کمک به فلسطین اعلام شد و سپس از جانب عده‌ای از شخصهای معترض تشیع صفوی اعلام‌های صادر شد. " (۵)

### حساب اسرائیل فاشیت از قوم یهود جداست.

" من همیشه از کینه‌نوری معصانه و وحشیانه مسیحی‌ها نسبت به یهود نفرت داشتم. به اسهام ترک احتمالی چند یهودی در قتل مسیح، یک برادر را برای همیشه قاتل مسیح سمردن و تمام سلسله‌ها را در طول تاریخ مورد شکنجه و آزار غیر انسانی قرار دادن و دو هزار سال تمام به قتل عام وحشیانه یهودیان مشغول بودن و بر اساس این اسهام، کینه صد یهود را در دل کودکان مسیحی کاشن و نهضت فاسیستی صد نژدی " آنتی سمیسم " را بوجود آورن، این فکر به همان اندازه البته و ددمنشانه است که مثلا " ما ایرانی‌ها بخاطر آنکه " اس ملجم " با " شمر دی‌الحوسن " عرب بوده‌اند، کینه برادری صد عرب را حرشی از ایمان مذهبی و عقیده شیعی خود بشمار آوریم. " (۶)

" ما با یهود دشمنی نمی‌ورزیم. بلکه با اسرائیل دشمنیم آن هم نه بخاطر دینش، بلکه بخاطر اینکه " فاسیست " است و پایگاه استعمار و امپریالیسم " (۷)

### پاورقی

- ۱ - مجموعه آثار ۷ صفحه ۷۱
- ۲ - مجموعه آثار ۹ صفحه ۲۴۶
- ۳ - مجموعه آثار ۷ صفحه ۲۷۹
- ۴ - مجموعه آثار ۹ صفحه ۲۴۴
- ۵ - مجموعه آثار ۹ صفحه ۵۲ و ۵۳
- ۶ - مجموعه آثار ۴ صفحه ۲۸۶
- ۷ - مجموعه آثار ۷ صفحه ۲۷۷
- ۸ - بزرگداشت شریعتی در بیروت صفحات ۱۵ - ۱۰ - ۹



۲۹ خرداد مصادف با سالروز شهادت دکتر علی شریعتی، یکی از چهره‌های شناخته شده و موثر انقلاب اسلامی است.

مرحوم شریعتی پس از سالها تحمل رنج و مرارت برای " یادآوری یادآوران " خود به آنان پیوست و در کنار مرقد " یادآور صحرای کربلا "، زینب کبری در زمین غنود اش " سرزنشگر عالمان بی عمل ".

بذرهای عشق به " اسلام ابراهیمی " و " تشیع علوی که او با کارزینی " خود در جانیهای تشنه جوانان کاشت در رزمگاههای " میدان زاله "، " ۱۳ آبان " و " مقاومت خونین شهر " بیارفتست و بیباکانه " شعر " و " عرفات " مسعی بین صفا و مروه و خیابانهای مکه، آنچنان که او آرزو داشت، زیر پای " رامیان جمرات " و " حمله برندگان به شیطان زمان " به لرزه درآمد.

امسال، سالگرد شهادت او، با قیام قیامگران مسلمان فلسطینی علیه غاصبان صهیونیست همراه شده است. بخش‌هایی از نقطه نظرهای او پیرامون مسأله فلسطین زینت بخش بزرگداشت سالروز شهادت او است.

" ما باید اعلام کنیم که این جنگ زرگری که امروز در دنیای اسلام تشدید شده است، جنگ " تشیع علوی " و " تسنن محمدی " نیست، جنگ " تشیع صفوی " است با " تسنن اموی " که انعکاسی بوده است از جنگ صفویه با عثمانی‌ها و استخدام مذهب در سیاست دو دولت متخاصم، ثانیاً " این جنگ که نازکی



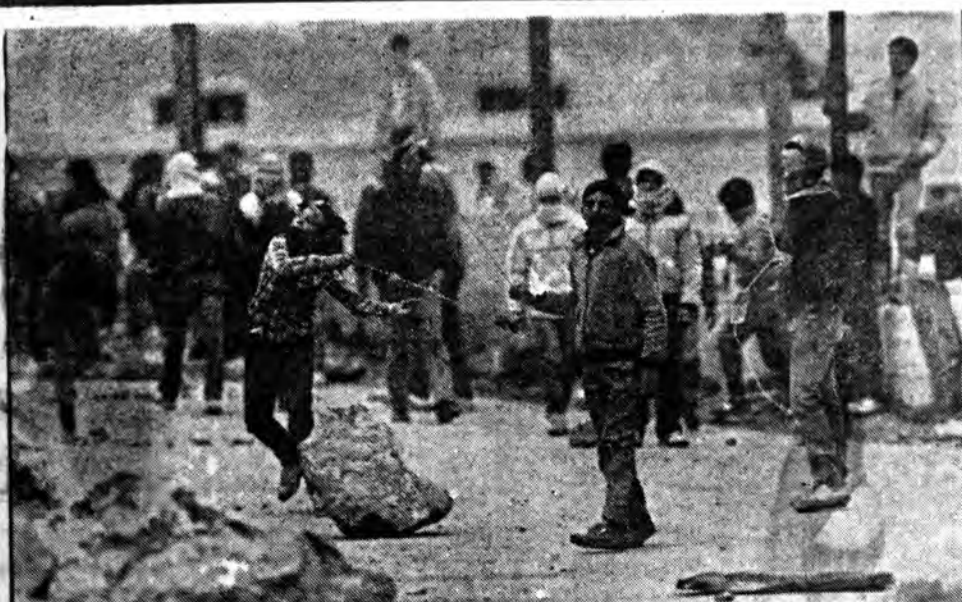
در سراسر کشورهای اسلامی احیاء شده است و با برنامه‌های منظم و بودجه و حساب و کتاب دقیق و تاکتیک دقیق اجرا میشود، بعد از جنگ اسلام و صهیونیسم است و طرح اتحاد و هماهنگی و تقاضای مسلمانان در برابر خطر مشترک خارجی در اندیشه همه

عجیب‌تر از اینها، امر به معروف و نهی از منکر آن ده، بیست هزار نفر مکه و پدینه است. اینها اسامان " الامیرین بالمعروف و الناهین عن المنکر " است که از دم مسلحتند و خیلی هم حساس و بیدار و سختگیر در عهد مسئولیت، در قبرستان خانواده، بیعصر، اگر یک مسلمان، بایش را از خط مریزی جلو گذاشت و بطرف قبرستان ابوطالب و عبدالعطلب یک قدم پیشروی کرد، منکری در اسلام ایجاد کرده که خوش به گردنش است! اما تجاوز اسرائیل را به تمامی فلسطین و آواره کردن دسته جمعی یک ملت بزرگ برایش اساسا " جز " منکرات به حساب نمی‌آید و شرعا از موارد امر به معروف و نهی از منکر شمرده نمی‌شود. " (۱)

### عمده کردن غضب فدک جهت غفلت از غضب فلسطین

" جنگ شیعه و سنی فعلی، جنگ تشیع صفوی - تسنن اموی است، برای اغفال از جنگ اسلام - استعمار، جنگ مسلمان - صهیونیست، همبستگی دو جنگ و همزمانی این دو جبهه به هر کسی که از دنیا خبر دارد روشن است. طرح تحریک آمیز و غیر عادی " غضب فدک " به شکل یک حادثه " زنده " فعلی! برای غفلت از " غضب فلسطین " است. " (۲)

در موقعی که مسئله وحدت مسلمانان مطرح شد تا بیت المقدس غضب شده پس گرفته شود، در سبزواری شیعه‌نماها مردم را علیه " سنی‌ها " تحریک کردند که فدک را باید پس گرفت " (۳)



" و بوی علی ای سیر، مرد خدا و مردم رب النوع عشق و شمشیر! ... تو سنی را بر یک زن یهودی (که در ذمه حکومت می‌زیست) و اکنون، مسلمانان را در ذمه یهود ببین، و ببین که بر آن چه می‌گذرد!



اسرائیلی‌ها هنگام ساهنایان عراقی خود ابلیهانه به کانونهای حریت یورش آوردند، اما اصابت گلوله آزادی به قلب چرکین خصم کمترین پاسخی است به این همه شرارت و جنایت، گلوله‌های رعد آسا که از مگواکه سلاح آزاده دلیر مردان ایران و فلسطین شلیک خواهد شد.



# تحلیلی از شهادت مظلومانه شهید خلیل الوزير ابو جهاد

کنیم با گسترش و رشد قیامهای فلسطینی، مهمترین خطر، که این قیامها را تهدید میکند، تضادهای درونی نیروهای فلسطینی است.

## نقش دستهای مرموز

بد نیست بدانیم که خط امپریالیسم از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی این بوده است که بین سازمان آزادیبخش فلسطین و انقلاب اسلامی برهبری امام خمینی پیوندی برقرار نشود و این توطئه را از طریق عوامل نفوذی خود در طرف پیش میبرد است. در این رابطه فردی با نام محسن سلیم که با ساواک و شاه نیز سازمان سیا و موساد در ارتباط بوده و در سازمان امل نقش فعالی

وقتی در برابر واقعیتی چون ترور اولاف یالمه که ما موریتش تعدیل انقلاب ایران و میانجگری در جنگ بود، همه مسئولین به طور رسمی موضع میگیرند. یا در مورد ترور سید مهدی حکیم اینهمه تلیغیات صورت میگیرد که هیچکدام قابل مقایسه با ابو جهاد نیستند. آیا ما حق ابو جهاد و انقلاب فلسطین را ادا کرده ایم؟

حتی در مراسم تشییع جنازه برزنف به طور رسمی مسئولین شرکت میکنند، آیا ابو جهاد و انقلاب ایران از برزنف نزدیکتر نیست؟ حتی اگر مسئله سازمان آزادیبخش مطرح شود و منتفانان بنگریم، ما با اغلب کشور-

در مود جمهوری اسلامی چنین خیالی در سر میپرورانند که با ترور رهبران موثر انقلاب وقتی نارسانها بروز میکند مردم با این ضعفها و نارسائنها درگیر شده و به مبارزه با انقلاب اسلامی برخیزند و آنگاه زمینها قیام رو به رشد فلسطینیها را دچار حاکمیت و فراق هم شود. بایستی توجه داشت که عامل اصلی این نارسائنها چیست و از کجا نظر میرسد برخی از اهداف این ترور تشدید شده است.

نا جوانمردانه بقرار زیر باشد:  
**الف-** در انتقام از قیام فلسطینیها - زیادی روی اسرائیل است که بیک دولت زئیرال شعرون و اسحاق شامیر و دیگر مسئولین اسرائیلی این ترور را تأیید و اظهار خوشنودی کرده و آنها بهترین راه مقابله با قیامهای فلسطینی را انتقام از رهبران دست اندر کار فلسطینی و نابودی آنها دانستند. اسرائیل که در برابر قیام توده های و گسترده فلسطینیها دچار سردرگمی شده است، اکنون به کسانی که در گذشته زمینه سازی و مقدمات این قیامها را فراهم نموده و راه مبارزه را گشوده اند کینه ای تر شده و از آنها انتقام میگیرد.

اسرائیل که در برابر قیام توده های و گسترده فلسطینیها دچار سردرگمی شده است، اکنون به کسانی که در گذشته زمینه سازی و مقدمات این قیامها را فراهم نموده و راه مبارزه را گشوده اند کینه ای تر شده و از آنها انتقام میگیرد.

داشته طرحی ریخته و بیضوب بسیار ساند که باید پس از پیروزی انقلاب اسلامی محور اساسی عرفات و سپس محور خمینی - عرفات بهم خورده و تضادهای این نیروها تشدید شود. این مطلب در جلد ۳۸ اسنادلانه جاسوسی آمده و مقاله ای در راه مجاهد ۳۶ در این رابطه به چاپ رسیده است.

های عربی و غربی رابطه سیاسی و اقتصادی داریم. همه آنها قطعنامه ۲۴۲ سازمان ملل را پذیرفته اند. حتی سوریه و لبنان با این قطعنامه موجودیت اسرائیل را به رسمیت شناخته اند. در حالیکه سازمان آزادیبخش علیرغم همه نرمشهای سیاسی و دیپلماتیک هنوز زیر فشار راست که قطعنامه را پذیرد.

ب- طرح فونیکس به موجب این توطئه با کشتن رهبران یک انقلاب آن را کم کیفیت مینمایند. باین ترتیب میکوشند انقلاب با سازمان انقلابی را از درون پوک و بی هویت کنند تا به تعدیل و سازش کشیده شود. ساواک در مورد سازمان مجاهدین همین طرح را پیاده کرده رهبران با کیفیت را اعدام کرد. سپس افراد کم کیفیت و افکار انحرافی زمینه پیدا کرده و حاکم شدند و کار به برادر گشی کشید. در مورد تشکیلات حزب جمهوری اسلامی و نظام جمهوری اسلامی نیز تروریسم همین شیوه را دنبال کرد. شخصیت های جا افتاده و با کیفیت همچون شهید مطهری، شهید بهشتی، شهید رجایی، شهید محمد منتظری و شهید هاشمی نژاد را از میان برداشتند. دیدیم که حزب پس از آن نتوانست انجام خود را حفظ کند. خطوط چپ و راست و درگیری های داخلی حزب را به انحلال کشاند.



جوانان فلسطینی در اردوگاه عتبات شمال بیت المقدس با سنگ پهنرد سربازان اسرائیل میروند

شکی نیست. در علاقه و عشق مردم ما به فلسطینی نیز همه یقین دارند. از بدو شروع قیامهای اخیر در سر زمینهای اشغال شده نیز مسئولین جمهوری اسلامی از آنها حمایت کرده اند. با همه این اوصاف انتظار میرفت در قبال توطئه ترور ابو جهاد مسئولین واکنشی مناسب نشان دهند. بخصوص که به لحاظ مواضع بین المللی اعلام شده نیز تروریسم را محکوم نموده اند و رایین ترور اسرائیل مستقیماً دست داشته است. گرچه

آیت الله منتظری تلگراف تسلیتی برای خانواده ابو جهاد ارسال داشتند، ولی در رسانه های عمومی انعکاس نیافت. حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی نیز در مجلس شورای اسلامی در این رابطه موضع گیری کردند، اما شاه انقلاب اسلامی بیش از اینها اقتضا میکرد.



با توجه به علاقه ای که مردم فلسطین نسبت به ابو جهاد نشان دادند و به گفته روزنامه اطلاعات، وی در سازماندهی قیامهای فلسطینی نقش عمده داشته است. جا دارد که در برخورد با تجدیدنظر شده و به تأثیری که شیوه برخورد های مادر مردم فلسطین دارد توجه کنیم. بخصوص توجه

وقتی صهیونیستها زمینه های تعدیل و کم کیفیتی انقلاب فلسطین و سازمانهای فلسطینی را فراهم میکنند ما نباید به تیز حمله خود را متوجه نارسائنها و ضعفهای این سازمانها نمائیم که در پی این ترورها شدت میابد، بلکه بیش از پیش در انجام و اتحاد نیروها علیه اسرائیل اهتمام ورزیم. رجوی



ضرورت مقاله :

تکیه بر رشد انسان مومن در طول نسل در فاع مقدس ارزشی است که نمیتوان از آن سازه گذاشت. از طرفی در طول این مدت نسل تجرباتی که در رسیدن عمل بدست آمده به همه نشان داده است که استفاد از سلاح و ابزار مناسب در جنگ در پیروزی یا شکست يك حرکت نقش مهمی دارد. بنابراین لازم است تا رابطه انسان و ابزار پایه عبارتی تقدم اصالت انسان حقیقت طلب برابر پیچیده بروشنی بیان گردد تا با استفاده از ابزار مناسب در هر مرحله از جنگ پیروزی های بعدی و عمق بیشتر ارزشهای انقلاب را تضمین کنیم.

دیدگاهی در بین رزمندگان وجود دارد بدینصورت که : تاثیر حاصل از زدن يك هلیکوپتر بوسیله موشک استیگر راکت است بیشتر از انفجار آن بوسیله موشک آری جی و تاو میدانند. همچنین معتقدند بکارگیری سلاح پیشرفته شوق و دلگرمی که در بین مستضعفین و ترس و دلهره ای را که در دشمن ایجاد میکند بمراتب بیشتر از بکارگیری سلاحهای ساده تر میباشد. با اندکی تعمق این پرسش ایجاد میشود که آیا سیر تکمیل رزمی به سمت رجحان تکنولوژی و سلاح پیشرفته بر انسان بینهایت طلب و خدا جو نخواهد بود ؟

انقلابات بزرگ مردمی نیز در ابتدای رشد و گسترش خویش حامل پیامی نوین برای انسان عدالت طلب و آرمانخواه بودند و به روح بلند انسان استقلال طلب بیشتر از هر چیز ارجح میگذاشتند و به سلاح پیچیده و توانمندی دشمن تکیه نداشتند و سعی نمی نمودند. تاریخ نهضت های اجتماعی اروپا سرشار از اعتقاد عمیق به اراده انسان عدالت خواه است. اروپا درین آرزوهای تحقیق نیافته سالهای ۱۸۷۱-۱۸۷۲ (کمون پاریس) مسلک های فکری سیاسی گوناگونی را تجربه نمود در میان تحولات سیاسی اجتماعی که در اروپا بوقوع پیوست انقلاب اکتبر سال ۱۹۱۷ در شوروی از جایگاهی مهم برخوردار است.

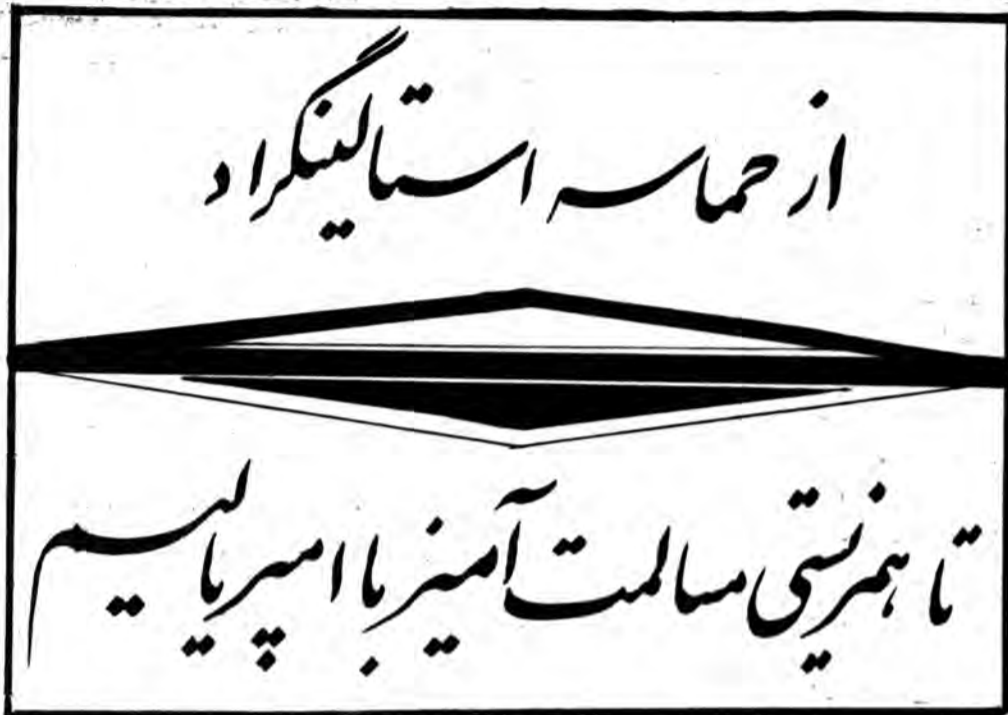
سوسیالیسمی که بر پایه رنسانس انقلاب فرانسه در اروپا جان گرفت با تئوریهای کارل مارکس راه خود را بسوی نظام ایدئولوژیکی مارکسیسم گشود. پیروزی انقلاب در یک کشور آسیایی با ساخت اقتصادی اجتماعی خاص خود که در زمره عقب مانده ترین نظام سیاسی اروپا قرار داشت به هدف گیری اجتماعی ایدئولوژی مارکسیسم اهمیت ویژه ای بخشید گرچه انقلاب شوروی که متکی به ایدئولوژی اصالت ابزار است با انقلاب اسلامی ایران که مسلح به ایدئولوژی اصالت انسان خدا جو میباشد تفاوتی بنیادی دارد اما برررسی جناح های فکری در انقلاب شوروی میتواند سودمند باشد. پنجه انگلی با ضد انقلاب داخلی و تعقیب سه ساله گارد های سفید اختلاف حاد ایدئولوژیک در سمت گیری توسعه اقتصادی، تحمل فشار مهیب و طاقت فرسای فاشیسم هیتلری و گرایشهای مختلف فکری سیاسی که در شیوه مداخلات امپریالیستی و تجاوز خارجی بروز نمود. همباعت اصول ویرانه رنگ شدن اصول انقلاب و اهداف عدالتخواهانه انقلاب ضد تزاری روسیه گردید با توجه به ضرورت تعمیق در جنگ تحمیلی و نیاز به تجربیات و شیوه های اصولی بر آن شدیم که در این زمینه تجربیات انقلاب اکتبر را بررسی کنیم چرا که بدون شناخت تاریخ و پیچیدگیهای راه نمیتوان به تحلیل واقعبینانه از مسائل دست یافت مطلب حاضر گامی است در شناخت راهی که انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ شوروی

در جنگ علیه مداخلات امپریالیستی و فاع تهاجم هیتلری پیمود.

جریانهای فکری در انقلاب شوروی (سوسیالیسم در مقابل ناسیونالیسم)

در بررسی انقلاب شوروی شاهد جریانهای فکری سیاسی مختلفی هستیم و به تفاد های

مبارزه هم بی توجه بود. با وجود این مسائل دست اندرکاران حزب سعی در تغییر ارزشهای حاکم به جامعه و برخورد ناسیونالیسم و تفکرات خاص داشتند. اما مشکلات فراوان انقلاب و اختلافات درون حزبی عرصه را بر آنها روز به روز تنگ تر می نمود. در واقع این تفاد ها از ابته در



# از حماسه استالینگراد

# تا همبستی مسالمت آمیز با امپریالیسم

انقلاب شوروی وجود داشت و هر چند وقت یکبار به نحوی خود را نشان میداد اما جنگ در واقع آئینه تمام نمای این تفاد ها در انقلاب شوروی بود.

آنچه مورد بررسی ماست راهی است که انقلاب شوروی از حماسه دفاع استالینگراد (دفاع انسانی بسیج شده در مقابل تکنولوژی و سلاحهای مرگ آور هیتلری) تا قرار در مسالمت پیمود.

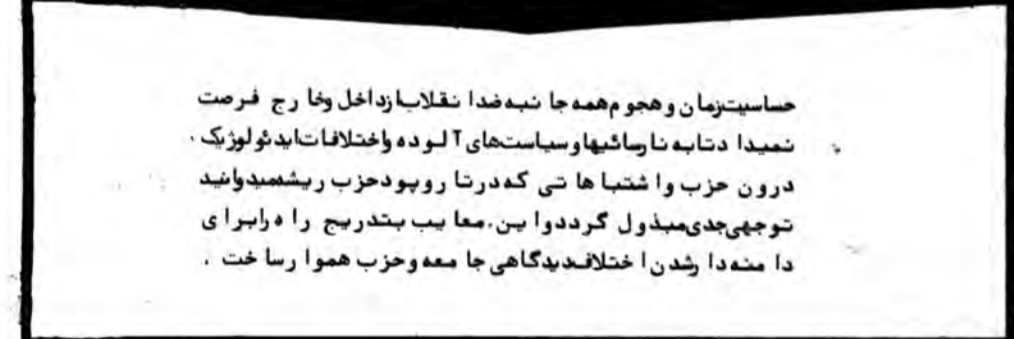
اصالت ایدئولوژی در مقابل اصالت تکنیک و تخصصی

حضور وسیع و همه جانبه ارتش و خمیوسی نظامیگری بحامانده از نظام تزار خطری نبود که از دید سران انقلاب پنهان بماند و ضد انقلاب خارجی نیز به فاصله نگری حزب و ارتش هشیار بود و برای بهره برداری از این تفاد لحظه شماری میکرد. ارتش که بنابه روح نظام مستبد تزاری فرد پرست، توسعه طلب و پیرو ناسیونالیسم افراطی و تقدس بیشتر از حد مرزهای جغرافیایی بود نسبت به روند تحولات و مبارزات طبقاتی حساسیت نشان میداد با

بیشماری برخوردار میکنیم. ما در این نوشته به بررسی تمام این اختلافات و تفاد ها و میراثی ایدئولوژیک آنها میپردازیم بلکه آنچه مقصود ماست بررسی یکی از تفاد های مهم انقلاب شوروی است و در جناح با ویژگیهای مشخص در این تفاد میبایست مورد بررسی قرار گیرند.

اول : جریان تفکر نظامی با ویژگیهای مشخص آن

دوم : جریان حزب کمونیست را عتاید خاص خود این دو جریان کاملاً از یکدیگر جدا نبوده بلکه هر یک در دیگری دارای پایگاه و طرفدارانی برای خود بود مثلاً جناحی از حزب طرفدار عقاید نظامی بود و بیاجناحهای از ارتش انسانهای ایدئولوژیک و وابسته به حزب بودند. بطور خلاصه ویژگیهای این دو جریان را اینگونه میتوان بیان کرد : تفکر نظامی دارای ویژگی ملی گرایی و ناسیونالیسم در مقابل شعارهای ایدئولوژیک و سوسیالیستی بود که حزب مطرح میکرد. ارتش معتقد به



حساسیت زمان و هجوم همه جا نبه فدا انقلابی داخل و خارج فرصت نمیداد تا به نارساییها و سیاستهای آلوده و اختلافات ایدئولوژیک درون حزب و اشتباهاتی که در بنا رو بود حزب ریشمید و باید توجهی جدی مبذول گردد و این معایب بتدریج راه را برای دامنده شدن اختلاف دیدگاهی که با مع و حزب هموار ساخت.

توجه به این مطلب، جنگ داخلی و مداخله قدرتهای امپریالیستی گامی بود در جهت حفظ مناسبات درونی ارتش. قدرتهای مداخله خارجی و اقشار مرنه و باقیمانده تزاری می دانستند که تحمیل جنگ وسیع داخلی نیروهای انقلاب را ناچار خواهد ساخت تا در جهت قلع و قمع ضد انقلاب داخلی به نقش ارتش بهای زیادی تری دهند و در روند اصلاحات اجتماعی وقفه پیدا آورند و چشم پوشیهای را اعمال نمایند.

"بتلهایم" در باره تشکیل ارتش سرخ میگویند : "ارتش سرخ که تشکیل شد ابزاری بسیار موثر در مبارزه علیه گارد های سفید و

تکیه بر ابزار، تخصص، درجه و... بود و میل داشت که رهبری در دست متخصصین باشد اما جریان حزب بیشتر از جریان نظامی به توده ها بهاداره و در واقع معتقد به توده بازاری" یا حفظ مواضع به هر قیمت" در مقابل تکیه به سلاح پیچیده بود و معتقد بود که رهبری باید در دست افراد ایدئولوژیک باشد و به همین جهت به فرماندهی کمیصرها (نمایندگان حزب) در ارتش اعتقاد داشت. ابتدا بدلیل اینکه از نظریه ایدئولوژیک هر دو جناح به اصالت ابزار معتقد بودند هیچ يك از آنها نمیتوانستند با امپریالیسم مبارزه بنیادی داشته باشند اما نباید به مراتب این

نیروهای امپریالیستی بود و این اساساً بعلت قهرمانی و روحیه فدا کاری و از خود گذشتگی کارگران و دهقانان مدافع انقلاب بود و لسی دستگاهی نبود که به انقلابی ساختن روابط ایدئولوژیک کمک کند و پرا تیکهای پرولتری را نشو و نما دهد، برعکس پرا تیکهای بورژوازی و حتی نفوذ الی در آن عملاً حفظ شدند.

نیروهای انقلاب برای حفظ ارتش ناکزیر به خواست و توقعات ارتش گردن نهادند بدین ترتیب در رید و تولد ارتش سرخ و نخستین سالهای رشد انقلاب روابط طبقاتی اختلاف فاحش در درآمد ها و سر خورداری از مواهب اقتصادی اجتماعی متفاوت در درون ارتش صحنه گذارده شد.

ارتش سرخ با اینکه حجم وسیعی از انتشار مبارز انقلابی و ادولبان روستایی و زحمت کشان شهری را در خود جای داده بود تحت تاثیر آموزشهای نظامی رایج در ارتش بسیار زود ترازد تصور همان روابط یعنی حمایت سلسله مراتب در جهای، شیوه کلاسیک طی مدارج ترقی و فرمول بندی برخورداری از امتیازات شغلی را در خود احیا نمود.

بتلهایم در این باره چنین اظهار نظر میدارد : "سلام نظامی، فرمولهای بخصوص گفتگو با ارشد هامجد را" در ارتش معمول شد افسران از مزایای گوناگونی بویژه در زمینه مسکن برخوردار شدند و مدارس افسری مناسبات سلسله مراتبی و ایدئولوژیکی، خاص ارتشهای بورژوازی برابر با تولید می نمودند. رهبران حزبی هر چند بتقدیر ایدئولوژی در ربا سازی بنیادین روابط درونی ارتش اهمیت میدادند اما ضرورت پیشبرد مبارزه علیه گارد های سفید آنها را ناگزیر به تمکین بر خسی ناهنجاریها ساختن و فاصله گونی بین اقشار وسیع غیر حزبی با ایدئوسی سوسیالیستی حزب باعث شد که کارهای حزبی با اقشار انقلابی و بگرو ظلم ستیز از موضع عبور برخورد کنند و به نیروهای درون حزب بیشتر از سایر اقشار بیرون حزب بها دهند.

حساسیت زمان و هجوم همه جا نبه فدا انقلابی داخل و خارج فرصت نمیداد تا به نارساییها و سیاستهای آلوده و اختلافات ایدئولوژیک درون حزب و اشتباهاتی که در بنا رو بود حزب ریشمید و باید توجهی جدی مبذول گردد و این معایب بتدریج راه را برای دامنده شدن اختلاف دیدگاهی که با مع و حزب هموار ساخت. گذشت زمان اختلافات میان حزب و ارتش را عمیق تر ساخت و اختلافات درون حزبی در برخورد با مسایل اجتماعی و اهمیت نقش ارتش تشدید شد و کار بحاسی رسید که جناحی در ضرورت بکارگیری متخصصین در گزارش به کنفرانس حزب کمونیست اعلام میدارد : "تکسینها، مهندسین، اطباء، استادان و افسران سابق مانند ماشینیهای بیجان سرمایه ای ملی در خود دارند که باید از آن بهره برداری کنیم اگر می خواهیم مسائل اساسی را که پسا آن مواجهیم حل نمائیم."



# ریشه‌یابی اجمالی از مواضع رسالت

انگیزه نگارش:

امام خمینی طی سخنانی که بهمناسبت هفته دولت بیان فرمودند مواضع روزنامه رسالت را که به تضعیف دولت می انجامید، مورد انتقاد قرار دادند. هر چند مسئولان روزنامه دریافتند که روی سخن امام با ایشان است و انتباه خودشان را پذیرفتند، لیکن تا بحال ریشه‌یابی مواضع گذشته را در روزنامه ندیده‌اند. لذا امکان تکرار آن وجود دارد. حال که نیاز به یک بازنگری از جانب مسئولان روزنامه مطرح شده است، مواضع سؤال برانگیز این روزنامه را ذکر می‌کنیم تا بلکه مورد توجه قرار گیرد و ریشه‌یابی شود.

لازم به ذکر است که بدنبال فرمایشات امام از جانب شخصیت‌های مختلف برخوردارهایی با روزنامه رسالت شد که تقریباً هیچکدام در جهت ریشه‌یابی و اصلاح اشتباهات نبوده است. امیدواریم این مقاله یک گام در سوزانده در این جهت تلقی بشود. در این مقاله فقط به ریشه‌یابی اجمالی اکتفا می‌شود و ریشه‌یابی عمیق را در نامه سرگشاده به جامعه مد رسین در زمستان ۶۲ مطرح کرده ایم و آن ارجاع می‌دهیم.

برخورد کج دار و موریز با دکتر بقایی

الف) تحلیل موضع گیری واحد روزنامه رسالت با دکتر بقایی علیه دکتر مصدق:

پس از افشای وابستگی دکتر بقایی به آمریکا و انگلیس طی اعترافات که نمود و بدنبال فوت وی، روزنامه رسالت با توجه به جوی که علیه بقایی ایجاد شده بود اقدام به درج مقاله‌ای درباره شخصیت وی بنام "مظفر بقایی، مظهری از تفکر استعماری تجددگرایی" نمود که قسمتهایی از آن را ذیلاً می‌آوریم. به امید اینکه مواضع این روزنامه در رابطه با خط مشی دکتر بقایی مورد تعمق بیشتری قرار گیرد.

روزنامه رسالت - دوشنبه ۳۰ آذر - ۶۶ مقاله "مظفر بقایی مظهری از تفکر استعماری تجددگرایی"

"بقایی تا قبل از بروز کودتای ۲۸ مرداد، تحریکات گوناگونی از خود نشان داد که در هر صورت شمایی خاص را منعکس نمی‌کرد لیکن بعد از کودتا و بازگشت محمدرضای معدوم به ایران با سخنان و حرکات متعددی فعل و انفعالات سیاسی خود را با جتربیری از حکومت پهلوی سامان داد. در تحلیل فوق عمده‌ترین نقش توطئه آمیز بقایی در سقوط دولت مرحوم مصدق و توطئه‌هایی که علیه نهضت ملت ایران در ملی کردن صنعت نفت داشت نا دیده نگاشته شده است حال اینکه دکتر بقایی بیشترین تحریکات و توطئه‌ها را در دوران حکومت ۲۸ ماهه مرحوم مصدق داشته است چنانچه آقای با داد میچیان در مصاحبه‌ای با روزنامه رسالت بتاریخ ۷ دی ۶۶ می‌گوید: "او

ب) عدم مبارزه با جریان‌های وابسته‌ای چون مظفر بقایی.

سالها پیش اسناد ارتباط دکتر بقایی با سفارت آمریکا در جلد ۲۳ اسناد لانه جاسوسی بجا برسد و علیرغم توصیه برخی از برادران به مسئولین روزنامه رسالت درباره ضرورت برخورد با جریان وابسته بقایی از طرف این روزنامه حتی در یک مورد مبارزه و افشاکری علیه دکتر بقایی صورت نگرفت در مقاله "مظفر بقایی مظهری از تفکر استعماری تجددگرایی" با استناد به وصیتنامه سیاسی دکتر بقایی، تخطئه روحانیت و مردود شمردن احکام اسلام و حمایت از عناصر آمریکایی و مخالفت با قانون اساسی و... از شیوه‌های بقایی شمرده شده است. از مسئولین روزنامه رسالت که خود را مدعی دفاع از حریم روحانیت و احکام اسلام و... می‌شمارند انتظار می‌رفت تا از موضع دفاع از حریم روحانیت و احکام اسلام و قانون اساسی با چنین عناصر مرموزی مبارزه می‌کردند و در برابر توطئه‌های دکتر بقایی قبل از فوت وی و در زمانیکه حضور فعال در صحنه سیاسی جامعه داشت سکوت اختیار نمی‌کردند این سکوت در حالی بود که عمده حرکت این روزنامه در تضعیف دولت خط امام خلاصه می‌شد و مبارزه روزنامه رسالت با جریان‌های داخلی و نیروهای خط امام بیش از مبارزه با جریان‌های وابسته‌ای چون دکتر بقایی بود.

ج) همدردی نشان دادن دکتر بقایی و سید مهدی هاشمی

روزنامه رسالت در تاریخ ۱۳۶۶/۱۰/۵ طی مصاحبه‌ای با آقای با داد میچیان، سید مهدی هاشمی را یک جریان منحرف و خطرناک ولی دکتر بقایی را یک چهره کثیف دانسته است. با چنین تعبیری، سید مهدی هاشمی یک جریان توطئه‌گرو بقایی یک فرد (نه یک جریان) فاسد معرفی خواهد شد که طبعاً "خطر جریانی از فرد بیشتر است در صورتی که دکتر بقایی عنصری وابسته به آمریکا و انگلیس بود و مقایسه آن با سید مهدی هاشمی که جریانی غیر وابسته است صحیح نمی‌باشد حتی در کیفیت خواست سید مهدی اتهام وابستگی به کشورهای بیگانه وجود ندارد.

غیر قابل نفوذ دانستن روحانیت  
الغای نوعی ساده اندیشی در این  
صنف است که این ساده اندیشی  
زمینه نفوذ دستهای مرموز را  
تقویت خواهد نمود.

عدالت اقتضا می‌کند که با جرم هر فرد در حد خودش برخورد شود همدردی نشان دادن بقایی و سید مهدی هاشمی و تنزل دادن خطر جریانی وابسته دکتر بقایی در حد یک فرد فاسد در حالی است که تحلیل‌های بقایی از تاریخ سیاسی ایران بالاخص نهضت ملی شدن نفت بصورت یک جریان در ایران حضور را در چنانچه آقای با داد میچیان در مصاحبه فوق بتاریخ ۶۶/۱۰/۷ گفته‌اند: "او (بقایی) اهل نماز و روزه نبود بهمین علت در بیسن قشر مذهبی هیچگونه پایگاه و موقعیتی

بقایی) بعد از جریان نهضت ملی شدن نفت با دکتر مصدق مخالفت کرد و برای این کار چون بتنهائی نمیتوانست اقدام می‌کند لذا خود را در پناه مردم و آیت الله - کاشانی قرار داد.

بنظر میرسد ریشه این اغماض و نادیده گرفتن توطئه‌های بقایی علیه نهضت ملی بخاطر تحلیل واحد روزنامه رسالت با دکتر بقایی در مورد نهضت ملی شدن نفت باشد چنانچه حملاتی که تاکنون از جانب این روزنامه علیه نهضت ملی و مرحوم مصدق صورت گرفته است خارج از انتقادات دکتر بقایی نبوده است این انتقادات در محورها زیر خلاصه می‌شود:

- ۱ - قضیه اختیارات تام
- ۲ - انتصابات مرحوم مصدق در رابطه با وزرای کابینه اش.
- ۳ - انحلال مجلس هفدهم
- ۴ - قانون امنیت اجتماعی
- ۵ - شعار انحرافی محاکمه قوام
- ۶ - نزدیکی به آمریکا و تحریف مواضع مصدق

برای توضیح بیشتر در مورد این - سخنی تحلیلی رجوع شود به "ریشه‌یابی اجمالی مواضع رسالت" مندرج در راه مجاهد شماره ۴۱ و ۴۴ و ۴۵ و نامه سرگشاده به آیت الله آذری قمی درباره تحریف تاریخ ایران مندرج در راه مجاهد شماره ۴۱. بهتر بود روزنامه رسالت بجای چنین برخورد کج دار و موریزی با توطئه‌های دکتر بقایی اقدام به ریشه‌یابی سخنی تحلیلی خود با یک عنصر آمریکایی - انگلیسی علیه نهضت ملی و مرحوم مصدق مینمود.

نداشت حریم گروه معدودی که او را از نظر مذهبی قبول نداشتند اما از نظر سیاسی با او همراهی میکردند. غالب آنجاست که این تنها گروه هم که ایشان به آن اشاره نموده اند از همفکران روزنامه رسالت از آب در آمدند.

هدف از مالیات دادن  
سودجویی است یا کمک  
اقتصادی به جهاد فساد  
امپریالیستی

آقای با داد میچیان در مصاحبه‌ای با روزنامه رسالت بتاریخ ۶۶/۱۱/۷ بدین مضمون گفتند که: "اگر دولت به مردم تفهیم کند که اگر از صد تومان بیست تومان مالیات بدهند در آن هشتاد تومان دیگر بدست خواهند آورد مردم در این امنیت اقتصادی با جان و دل مالیات خواهند داد."

برای درک جایگاه تعریفی که از مالیات توسط آقای با داد میچیان ارائه شده است نیاز به درک فلسفه مالیات در یک نظام انقلابی و یک نظام سرمایه‌داری داریم. در کشورهای سرمایه‌داری غرب بدلیل اینکه "سودجویی" افراد را ملاک توسعه اقتصادی قرار میدهند، بنا بر این "سودجویی" امری اخلاقی و اصولی تلقی میشود. در این نظام ملاک مالیات دادن هم "سودجویی" است بعبه سارتی سرمایه‌دار ۲۰٪ مالیات میدهد تا دولت ۸۰٪ باقیمانده سرمایه‌اش را از لحاظ سودآوری تضمین نماید. بعبارت دیگر ۲۰٪ از سرمایه صرف ایجاد امنیت اقتصادی جهت چپاول بیشتر میشود حال اینکه در جمهوری اسلامی فلسفه مالیات دادن، کمک کردن به حفظ استقلال از بیگانگان و عدم روابد دولت به قرضه‌های امپریالیستی است.

کشوریکه در حال مبارزه با استعمار جهانی بوده و از یک اقتصاد دولتی - خودکفا برخوردار نیست، جهت حفظ استقلال کشور و عدم عدول از مصالح انقلاب، نیاز به پشتوانه‌های انسانی و اقتصادی دارد در شرایطی که جوانان مملکت در راه استقلال کشور خون میدهند، استقلال و سلامت اقتضا می‌کند که سرمایه‌داران داخلی نیز مقداری از سرمایه‌شان را در این جهاد مقدس در قالب دادن مالیات به دولت جمهوری اسلامی انفاق نمایند. البته شبکه‌های مرموز سعی دارند تا با شیوه‌های ناسالم اقتصادی، تورم و بحران اقتصادی را دامین زده و از این طریق دولت جمهوری اسلامی را مجبور به عدول از اصول انقلاب و اسلام و روابد به قرضه‌های سارت با امپریالیستی نمایند.

امیدواریم آقای با داد میچیان به این توطئه ضدملی و ضد اسلامی توجه نمایند و در تحلیل مالیات حکم اولیه را استقلال کشور قرار دهند نه تضمین سودجویی سرمایه‌داران. چنانچه در گذشته بازاریبهای مبارزی چون حاج شمشیری داشتیم که جهت کمک به دولت مردمی مرحوم مصدق در مبارزه با استعمار اقدام به خرید قرضه ملی نمودند. بنظر ما اساس رکود اقتصادی در وابستگی به قدرتهای

اصل برای ما باید آبرو و حیثیت اسلام و تحقق ارزشهای اسلامی و انقلاب باشد



### سخن امام راهبهای متصفین

راه مجاهد

امام بارها در سخنرانیها خود روی ادعیه ائمه علیه السلام تاکید بسیار زیادی داشته اند بخصوص - دعای شعبانیه . بنظر میرسد اصل مواجبه یا خدا که ائمه دائما در این حال بوده اند در دعاها آنان منعکس شده است و اینکه در این دعاها ائمه تعقیبای خود را نیز در مقابل خدا گفته اند چون میدانند در برابر چه عظمی ایستاده اند ما در مقالات قبلی خود تحت عنوان فقه امام خمینی - بطور مفصل روی نظر امام در مورد ادعیه و اینکه امام راه ورود به قرآن را دعایمندان مطالبی آوریم ( بخصوص سرفقه امام خمینی در راه مجاهد شماره ۴۶ ) اینکه ائمه ما دائما در برابر خدا ایستاده بودند برای ماری است که هر کاری را با ملاک خدا و صفاتش آغاز کنیم و باز درستی و نادرستی هر کاری را با ملاک خدا و صفاتش محک بزنیم . از خدا شروع کنیم و خدا هم ختم کنیم . امام در جای دیگری نیز اشاره کرده اند که اساس احکام مواجبه با خداست . وارد کردن خدا در احکام و آنچه به شکل مینایی و سیستماتیکتر تحولی است انقلابی در روال جاری فقه . معمولا روال جاری اینطور است که میگویند مسئله خدا ایجاب مسئله اخلاقی یا جهان بینی است و طبیعتی به قواعد و اصول فقهی ندارد . در آموزشهای جاری مسئله خدا که مطرح میشود اثبات وجود خداست و نه تحقق امر خدا . از آنجا که از اثبات اثبات خدا نمیتوان به صفات خدا رسید این خدایی که اثبات شده معمولا کنار گرفته و بدون مینا بودن خدا وارد منطق و قواعد فقهی میشوند .

دعای عرفه و مناجات شعبانیه جدا محتاج به شرح است

راه مجاهد

..... مناجات شعبانیه از مناجاتهای است که اکثرا نفر انسان دلسوخته و عارف دلسوخته . نه این عارفهای لغزایی بخوانند این را شرح کند و شرح کند از برای دیگران بسیار ارزشمند است و محتاج به شرح است . چنانچه همه ادعیه ائمه علیه السلام . . . و اینکه کسی میسود و این ادعیه ائمه علیه السلام را ترجمه میکند . این ادعیه خیلی محتاج به شرح است و اثرات خاص عارفی و عارف صحیح دلسوخته پیدا بشود که اینها را برای مردم شرح بکنند همه چیز در اینها هست .

راه مجاهد

امام در اینجا بعنوان هدیه نوروز به روحانیون و عارفان دلسوخته و اندیشمندان و صاحب نظران و نویسندگان تکلیف نموده اند که هر روی مناجات شعبانیه و دعای عرفه و سایر ادعیه ائمه شرح بنویسند و اگرچه قبلا هم بارها تاکید کرده اند که دعای عرفه و مناجات شعبانیه محتاج به شرح است ولی این بار تاکید کرده اند . در همین سخنرانی ه بار تاکید کردند که شرح نوشته شود . روی شرح دعای کیل تا حدی کار شده است ولی مناجات شعبانیه و دعای عرفه و . . . کاری نشده است

تنها استاد محمد تقی جعفری کزیده هایسی از دعای عرفه را شرح مختصری داده اند .

هدف همه انبیا و ائمه اقامه معروف و واژگونی منکر است

..... سید الشهدا \* سلام . . . علیه که همه عمرش را و همه زندگیش را برای رفع منکر و جلوگیری از حکومت ظلم و جلوگیری از فاسدی که حکومتها در دنیا ایجاد کرده اند . تمام عمرش تمام زندگیش را صرف این کرد که این حکومت بحکومت جبر بسته بشود و ازین برود و معروف در کار باشد

راه مجاهد

امام معنای انقلاب را حالی به حالی شدن و پیدا کردن حال نو میداند و اینکه در انقلاب همه معیارها و مواضع چه در درون و چه در بیرون باید تغییر کند و نه اینکه روابط و حال قبل باز سازی شود .

ماه شعبان ماه قیام است

بنظر میرسد امام اسلام آمریکا را دشمن اصلی تلقی کرده و وجوه مختلف آنرا معرفی میکنند . مبارزه ای که ما مبارزه علیه سرمایه داری داریم و مبارزه با امپریالیسم است و نه اینکه ما صرفا " ضد سرمایه داری " باشیم و این یک فرمول را هنمای عمل است . بدینصورت که عده ای ضد سرمایه داری هستند ولی با تشکیلات امپریالیسم و دستهای مرموز آن کاری ندارند این عده بیشتر یک جریان ویدیده روشنفکری هستند .

منکرات ازین برود حضرت صاحب سلام . . . علیه و ارواحنا فداهم که تشریف می آورند برای همین معنی است . تمام انبیا که قیام کرده اند در عالم طبیعت وقتی زندگی اینها را می بینیم از اولی تا آخر بوده است بنابراین معنی بوده و این باید سر مشق بشود از برای مسلمانان کسانیکه واقعا مسلمان هستند و واقعا علاقتند به اهل بیت عصمت و پیغمبر اسلام هستند از هر مذهبی که هستند علاقتند به آن مذهبشان هستند باید ببینند صاحب مذهب چه کرده است . موسی بن عمران چه کرد در زندگیش چه کرد حضرت ابراهیم در زندگیش چه کرد ؟ تمام اینها قیام کردند در مقابل جبر و مقابل ظلم . همه قیامشان این معنی بود . ما سر مشق باید بگیریم از اینها و ما باید قیام کنیم در مقابل ظلم .

راه مجاهد

این سخنان امام توجه به شیوه عملی زندگی پیامبر و ائمه و صاحبان سایر مذاهب است . اینکه بینیم آنها در طول زندگیشان چگونه رفتار کردند و نه اینکه صرفا در یک لحظه چه گفته ای داشتند در حالی که سانسافته آنچه که تحت عنوان حدیث روایت از پیامبران و ائمه نقل میشود تاکید روی یک عمل و یا گفتار آنها در یک مقطع خاص است که شرایط قبل و بعد از آن عمل یا گفتار آنها مشخص نیست در حالیکه اغلب مردم یک سیر پیوسته و مدل طلبانه ضد ظلمی را از زندگی ائمه میدانند که میتوانند الگوی همگان گردند مثلا سیر زندگی و اعمالی را که امام حسین ( ع ) انجام داده اند برای همه مشخص است و این سیر است که میتواند بهترین راهنمای عمل برای ما باشد .

جوهره انقلاب تحول در قلوب است

..... مسلمانان باید در مقابل جورها در مقابل ظلم ها در مقابل منکرات قیام کنند همانطوری که ملت شریف ایران بحد . . . قیام کرد و میشود گفت که این انقلاب که در این دعای شریف واقع شده است یا مقلب القلوب در جوانهای ما واقع شده

است . اینها الان برگشته اند از حالی به حال دیگری و حال نوی پیدا کرده اند .

راه مجاهد

تاکنون دو تفسیر مهمی که از واقعه کربلا و هدف امام حسین ( ع ) شده است این بوده که عده ای معتقدند امام علم داشتند به اینکه شهید میشوند و رفتند کوفه تا به شهادت برسند یعنی در واقع هدف امام شهادت در راه خدا بوده است عده دیگری معتقدند هدف امام تشکیل حکومت در کوفه بوده است و برای تحقق آن به طرف کوفه حرکت کردند بنظر میرسد امام معتقدند امام حسین ( ع ) تکلیفی الهی داشتند و آن ایجاد حکومت اسلامی ( امر به معروف ) و برچیدن حکومت جبر ( نهی از منکر ) بوده است و قیام همه انبیا و ائمه چه بصورت سلحشانه و یا غیر سلحشانه برای این هدف بوده است که حکومت عدل خدایی تشکیل دهند و بتوانند قوانین خدا را جاری سازند حال اگر در این راه به شهادت هم رسیدند به فوض غبطی نائل گشته اند .

عدل آمریکایی چیست ؟

..... مسلمانان مبتلا به این معنی هستند که این دولتهای بزرگ این قدرتهای بزرگ و این کسانیکه فرمانبر آنها هستند الان با مسلمین بسا مردم با مستضعفین حتی با آنها کسانیکه مال خودشان است چه می کنند تمام اینها ظاهرا می گویند که ما اقامه عدل میخواهیم بکنیم اما چه عدلی ، عدل آمریکایی ، عدل آمریکایی یعنی چه یعنی هر کس ضایع به من شد آن یک چیزی است که ما را قبول داریم هر کس منافع مملکت را به ما داد ما او را قبول داریم از آنطرف شوری هم همین است همه این قدرتهای بزرگ اینطوری هستند و ما باید در مقابل تمامی اینها بایستیم همین طوری که جوانهای ما بحد . . . الان در جبهه ها این پیروزیهای بزرگ را به دست آورند باید تا آخر این مطلب باشد .

راه مجاهد

همه میخواهند اقامه عدل کنند و حتی شیطان بزرگ نیز شعارش ایجاد عدل است منتهمی عدلی که ائمه میخواهند خضوع و خشوع در مقابل قدرت خدا بود و نه هیچ قدرت دیگر ولی عدل - آمریکایی عدلی است که همه ملتها و دولتها در مقابل قدرت پوشالی آمریکا خضوع و خشوع داشته باشند .

هدف امام حسین قیام به معروف ( تشکیل حکومت اسلامی ) بود

..... باید همانطوری که سید الشهدا \* سلام . . . علیه تمام حیثیت خودش ، جان خودش را و آنچه هایش را و همه چیز را در صورتی که میدانست قضیه اینطور میشود . کسی که فرمایشات ایشان را از وقتی که از مدینه بیرون آمدند و به مکه آمدند و از مکه آمدند بیرون حرفهای ایشان را میشوند همه را می بینند که ایشان متوجه بوده است که چه دارد می کند . این جوهر نبود که آمد میبند ، حکومت هم میخواست بگیرد . اصلا برای این معنی آمده بود و این حرفی است و آنهایی که خیال می کنند که حضرت سید الشهدا \* برای حکومت نیامده خیر برای حکومت آمده برای اینکه باید حکومت دست مثل سید الشهدا \* باشد مثل کسانی که شیعه سید الشهدا \* هستند باشد اصل قیام انبیا از اول تا آخر این بوده است در طبیعت قیام سلحشانه یا غیر سلحشانه در مقابل همکسانی که به جبر داشتند مردم را ازین میبردند باشد و ما هم

ما باید برای آمریکا غلبه کنیم و او را در تمام منطقه شکست دهیم ( امام خمینی )

آنها بی که خیال می کنند حضرت سید الشهدا \* برای حکومت نیامده ، خیر ، برای حکومت آمده برای اینکه با بد حکومت دست مثل سید الشهدا \* باشد

پیام امام خمینی درباره انتخابات مجلس سوم

مقدمه

امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی در آستانه انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی



# سخن امام ...

پیام مهمی خطاب به ملت ایران فرستادند در این پیام امام خواستار حضور گسترده مردم ایران در انتخابات شدند و تاکید کردند که مردم نمایندگان یا برهنگان برونسج دیدگان را به مجلس بفرستند و اسلام امریکایی را طرد کنند. متن کامل این پیام در کیهان ۱۱/۱/۶۷ آمده است.

راز دوام و بقا \* واستحکام قیام الهی

..... بحمد ... هرچه از عمر بایرکت انقلاب شکوهمند اسلامی مامیکرد مردم سلمان و معتمد

راه مجاهد:

در این سخنان امام نشان میدهند که مبارزه با امپریالیسم در وجه رفاه هم هست یعنی رفاه و بوی دودی یکی از وجوه امپریالیسم است.

کشورمان به اهمیت حضور و نقش تعیین کننده خود در تمامی صحنه های انقلاب آشناتر میشوند راز دوام و بقا و استحکام قیام الهی خود را بهتر کشف می نمایند!

راه مجاهد

امام سه واژه دوام و بقا \* و استحکام را در ردیف هم بکار بردند بنظر میرسد دوام انقلاب به این معنی است که انقلاب تمام شده نیست و ایستی - استمرار داشته باشد و استمرار انقلاب هم به این معنی نیست که صرفاً یک نهضت اسلامی بماند بلکه ایستی به بقای انقلاب و حفظ نظام مناسب با این نهضت هم توجه داشت. استحکام انقلاب نیز به معنای اصولی بودن است یعنی که در ضمن استمرار انقلاب و حفظ نظام از جاده اصول نیز خارج نشود.

اینجا بحث هر شرایطی در انتخابات شرکت میکند

برخی از مقلدین امام که به زیارت امام رضا (ع) مشرف شده بودند پس از شنیدن این پیام به تهران آمدند تا در روز انتخابات شرکت فعال داشته باشند استدلالشان نیز این بود که امام گفته اند تحت هر شرایطی من در انتخابات شرکت خواهم کرد. بنظر میرسد از دیدگاه امام رای دادن و شرکت در انتخابات مراد با حفظ نظام و انقلاب و از واجب و اجبات است و حتی تقویت اصل امامت نیز میباشد و هیچ شرایطی نباید نمیتواند مانع از اجرای یک اصل اسلامی باشد. این اصل از واجب هم بالاتر است چرا که احکام واجب در بعضی شرایط تعطیل بردار هستند ولی اصل برقراری حکومت اسلامی بالاتر از وجوب و احکام است. بنظر میرسد با این گفته

امام در مورد انتخابات قاعده "ملا بطریق" را رد میکند چرا که بر طبق این قاعده اگر کسی تحت شرایطی نتوانست در انتخابات شرکت کند این وظیفه از عهده اوساقت است. امام صریحاً گفتند تحت هر شرایطی اینکار را انجام خواهند داد لذا هیچ عذر صیانه ای برای عدم شرکت در انتخابات نمیتواند مورد قبول واقع

امام خمینی در شرایطی که دنیای تجاوز کار مایل بود تجربه دموکراسی را در ایران به شکست بکشاند گفتند تحت هر شرایطی در انتخابات شرکت خواهم کرد \* و این فتوای خود تجربه دموکراسی آنهم زیر فشار ربه جریان انداختند.

اگر دموکراسیهای دیگری غیر از این دموکراسی می بود زیر این فشارها از هم می پاشید و به بن بست کشیده میشد. بعد از انقلاب مشروطیت نیز قدرتها ی بزرگ با اشغال ایران تجربه دموکراسی در کادر اسلام انقلابی را متوقف کردند. علیرغم کسانیکه معتقدند ولایت همه جانبه یک نوع دیکتاتوری مذهبی است دیدیم عینیت و صداق دموکراسی در پیام امام در مورد انتخابات تجلی یافت و ملاحظه کردیم که اعمال ولایتی بود علیه دیکتاتوری ابرقدرتها علیه مومنان باران صدام و علیه نیروهای بازدارنده در داخل.

مردم درایت ورند سیاسی دارند

"..... همانطور که بارها گفته ام مردم در انتخابات آزادند و احتیاج به قیم ندارند و هیچ فرد و یا گروه و دسته ای حق تحمیل فرد و یا افرادی ربه مردم ندارند. جامعه اسلامی ایران که با درایت ورند سیاسی خود جمهوری اسلامی و ارزشهای والای آن و حاکمیت توانین خدا را پذیرفته اند و به این بیعت و پیمان بزرگ وفا دار مانده اند مسلم قدرت تشخیص و انتخاب کاندیدای اصلاح را دارند. البته مشورت در کارها از دستورات اسلامی است."

راه مجاهد

نکته مهم و قابل توجهی که امام بدان اشاره میکنند رشد سیاسی مردم است و اینکه آنان احتیاجی به قیم ندارند چرا که کسانیکه درایت ورند سیاسی دارند چیزی به آنها تحمیل نمیشود. آیت... منتظری نیز بارها در سخنرانیهای خود این نکته را تذکر داده اند که مردم عوام نیستند و حق تشخیص دارند پس همین تحلیل است که آیت... منتظری معتقدند زندانیان سیاسی آزاد شوند (آنهاست که خطرناک نیستند) چرا که مردم بانی نمی خورند و افکار انحرافی نمیتواند آنها را بسازد.

مردم به سوابق و روحیات و خصوصیات دینی و سیاسی نامزد های انتخاباتی توجه نمایند

"..... افراد و گروه های روحانیون در حد تذکرات قبلی در حوزه خود میتوانند کاندیدا معرفی نمایند ولی هیچکس نباید توقع داشته باشد که دیگران اظهار نظر و اظهار وجود نکنند در هر حال مردم با بصیرت و درایت و تحقیق کاندیداها را شناسایی کرده و به سوابق و روحیات و خصوصیات دینی و سیاسی نامزدهای انتخاباتی توجه نمایند."

راه مجاهد

تذکری در اینجا لازم است و آن اینکه شناسایی کاندیداها زمان میخواهد و گذاشتن یک یا دو هفته فرجه برای چنین کار مهمی کافی نیست و امر شناسایی نمیتواند با دقت لازم انجام گیرد.

مرزبندی اسلام محمدی و اسلام امریکایی

"..... مردم شجاع ایران با دقت تمام به نایندگانی رای دهند که متعبد به اسلام و وفادار مردم باشند و در خدمت به آنان احساس مسئولیت کنند و طعم تلخ فقر را چشیده باشند و در قول و فعل مدافع اسلام یا برهنگان زمین، اسلام مستضعفین، اسلام رنج دیدگان تاریخ، اسلام عارفان مبارزه جو، اسلام پاک طینتان عارف و دریک کلمه مدافع اسلام ناب محمدی صلی... علیه و آله و سلم باشند. و افرادی را که طرفدار اسلام سرمایه داری، اسلام مستکبرین، اسلام مرفهین می درد، اسلام راحت طلبان، اسلام فرصت طلبان و دریک کلمه اسلام امریکایی هستند طرد نموده و مردم معرفی نمایند."

راه مجاهد

بنظر میرسد امام اسلام امریکایی را دشمن اصلی تلقی کرده (اسلام امریکایی اسلامی است که امریکا به آن چشم امید دارد) و وجوه مختلف آن را معرفی می کنند. مبارزه ای که امام بر علیه سرمایه داری دارند به همراه مبارزه با امپریالیسم است و نه اینکه امام صرفاً ضد سرمایه داری باشند و این یک فرمول راهمندی عمل است. بدین صورت که عده ای ضد سرمایه داری هستند ولی با تشکیلات امپریالیسم و دستهای مرموز آن کاری ندارند. این عده بیشتریت جریان وید. ده روشنفکری هستند در حالیکه حرکت اصلی این است که لبه تیز حمله را متوجه امپریالیسم و تشکیلات و ارگانهای آن کنیم. مثلاً در دوران انقلاب نوک تیز حمله متوجه

راه مجاهد:

نفسا نیاتی نظیر فرصت طلبی و نفاق و ورزیدن خود از وجوه شیطنتهای امریکایی است. استکبار رنیز از ویژگیهای امپریالیسم است. استکبار یک پدیده غیر اقتصادی است. ممکن است فردی به لحاظ اقتصادی مرفه نباشد ولی برتری طلب و مستکبر باشد. در هر یک از ما ممکن است وجهی از وجوه امپریالیسم باشد مثلاً "نفاق، فرصت طلبی، رفاه و بوی دودی، وابستگی و

دربار مساوات و دستهای مرموز که پرورش دهند سرمایه داری و سرمایه دار بودند بود که طبعاً در دل این حرکت با سرمایه داری نیز مبارزه میشد. در دوره شاه عده ای خط مشی فرهنگی و حرکتی لغظی و تند ضد سرمایه داری داشتند اما اسمی از شاه و دربار نمیدرند ساوان نیز زمینه گسترش آنها را فراهم میکرد.

در این سخنان، امام نشان میدهند که مبارزه با امپریالیسم در وجه رفاه هم هست یعنی رفاه و بوی دودی یکی از وجوه امپریالیسم است. نفسانیات، نظیر فرصت طلبی و نفاق ورزیدن خود از وجوه شیطنتهای امریکایی است. استکبار نیز از ویژگیهای امپریالیسم است. استکبار یک پدیده غیر اقتصادی است ممکن است فردی به لحاظ اقتصادی مرفه نباشد ولی برتری طلب و مستکبر باشد. در هر یک از ما ممکن است وجهی از وجوه امپریالیسم باشد مثلاً نفاق، فرصت طلبی، رفاه و بوی دودی، وابستگی و رفاه و اولین بار است که امام همه وجوه اسلام امریکایی و صادیق و تشکیلاتی که این وجوه در آنها جریان دارد را مطرح میکند. در اینجا تصریح کرده اند که امپریالیسم را صرفاً در وجه اقتصادی نباید دید در واقع امام به سه وجه زر و زر و تزویر اشاره نموده اند. یکی ممکن است مرفه نباشد ولی فکر سرمایه داری داشته باشد یکی ممکن است فکر سرمایه داری نداشته باشد ولی رفاه داشته باشد رفاه بی درد که آنهم پایگاه امپریالیسم است.

یکی ممکن است سرمایه دار و مرفه نباشد ولی نفاق افکن و بایوتوری طلب برهبری طلب باشد بنظر میرسد امام به سه شکل مهم اشاره کرده اند.

۱- جریان عاقبت طلب ۲- جریان رجوعی ۳- روحانیت غیر مکتبی این هشدار به کسانی است که امریکا را اهل کتاب میدانند و معتقدند که امریکا به اقتصاد قرآنی عمل کرده است ولی ما که مسلمانیم اینکار را نکرده ایم. و اشاره به فرصت طلبی است که تمیل از انقلاب مبارزه ای نداشتند ولی بعداً خواهان پستهای کلیسیا شدند و هر کس را با یک مارک و برچسب از میدان خارج کردند. مهم این است که اسلام امریکایی را صرفاً در وجه اقتصادی نبینیم بلکه به استکبار و برتری طلبی آن توجه نماییم (البته نه برتری واقعی و غلو). بنظر میرسد اینکه امام به ۱۳ نوع اسلام اشاره میکنند بر داشتهای مختلفی است که از اسلام میشود برداشت نفاق گونه از اسلام برداشت عاقبت طلبانه از اسلام و ... در حالیکه اسلام یکی است و آن اسلام ناب محمدی است که برداشتهای متفاوتی از آن میشود.

منظور این نیست که اسلام روحانورفنگ هر صنف و طبقه ای است با عبارتی اول جامعه را طبقه اتی کنیم بعد اسلام هر یک را در نظر بگیریم. در حالیکه همه انسانها نیازمند انجام طلبی و رشد و تکامل هستند منتهی ممکن است هر گروهی برداشتی از اسلام داشته باشد. پارهنگان به یک اسلام میروند عارفان مبارزه جو به یک اسلام در حالیکه امام تصریح کرده اند که اینها اسلام ناب محمدی است. تجار هم به علت تجارتشان ممکن است به یک نوع اسلام برسند. البته امام در پیام خود بین این اسلامها مرزبندی کرده اند و دو نوع اسلام محمدی

راه مجاهد:

نفسا نیاتی نظیر فرصت طلبی و نفاق و ورزیدن خود از وجوه شیطنتهای امریکایی است. استکبار رنیز از ویژگیهای امپریالیسم است. استکبار یک پدیده غیر اقتصادی است. ممکن است فردی به لحاظ اقتصادی مرفه نباشد ولی برتری طلب و مستکبر باشد. در هر یک از ما ممکن است وجهی از وجوه امپریالیسم باشد مثلاً "نفاق، فرصت طلبی، رفاه و بوی دودی، وابستگی و

دربار مساوات و دستهای مرموز که پرورش دهند سرمایه داری و سرمایه دار بودند بود که طبعاً در دل این حرکت با سرمایه داری نیز مبارزه میشد. در دوره شاه عده ای خط مشی فرهنگی و حرکتی لغظی و تند ضد سرمایه داری داشتند اما اسمی از شاه و دربار نمیدرند ساوان نیز زمینه گسترش آنها را فراهم میکرد.

در این سخنان، امام نشان میدهند که مبارزه با امپریالیسم در وجه رفاه هم هست یعنی رفاه و بوی دودی یکی از وجوه امپریالیسم است. نفسانیات، نظیر فرصت طلبی و نفاق ورزیدن خود از وجوه شیطنتهای امریکایی است. استکبار نیز از ویژگیهای امپریالیسم است. استکبار یک پدیده غیر اقتصادی است ممکن است فردی به لحاظ اقتصادی مرفه نباشد ولی برتری طلب و مستکبر باشد. در هر یک از ما ممکن است وجهی از وجوه امپریالیسم باشد مثلاً نفاق، فرصت طلبی، رفاه و بوی دودی، وابستگی و رفاه و اولین بار است که امام همه وجوه اسلام امریکایی و صادیق و تشکیلاتی که این وجوه در آنها جریان دارد را مطرح میکند. در اینجا تصریح کرده اند که امپریالیسم را صرفاً در وجه اقتصادی نباید دید در واقع امام به سه وجه زر و زر و تزویر اشاره نموده اند. یکی ممکن است مرفه نباشد ولی فکر سرمایه داری داشته باشد یکی ممکن است فکر سرمایه داری نداشته باشد ولی رفاه داشته باشد رفاه بی درد که آنهم پایگاه امپریالیسم است.





# احسان ارشدولورثک، ولایت فقیه

نظراتی چند پیرامون فتاوی امام در مورد  
ولایت مطلقه فقیه

**ولایت فقیه در امور شخصی**  
فقیه نه تنها در امور عامه بلکه در  
امور زندگی شخصی هم ولایت دارد.

**ولایت مطلق فقیه**  
اینقدر سعه دارد ولایت فقیه یعنی  
" مطلق " است به قید " اطلاق " .  
حتی در اشتباهات هم از  
حکومت باید تبعیت کرد

آیا حکومت در موضوعات و مقدمات  
اشتباه کرد یا متابعت اولایم است چون  
معروف است که لازم نیست آری برای استی در  
باب حکومت چگونه است؟ اگر چنین باشد  
این حکومت ولی امر نیست حکومت من است

**وجوب عقلی، تاریخی،  
تجربی ولایت فقیه برای  
ملت**

عقل به تاریخ و تجربه ثابت کرده  
است که داشتن ولی برای ملت واجب  
است اگر شما یک کشوری پیدا کردید که ولی  
نداشته باشد. طبیعی است این چیز  
محالات باشد.

**مصلحت اندیشی نباید  
مغایب با اساس اسلام باشد**

آیت الله امامی کا شانی، کیهان  
۶۶/۱۰/۲۲  
البته گاهی ممکن است مواردی مبهم  
باشد و مجلس به عنوان مصلحت اندیشی  
تصویب می کند وقتی به شورای نگهبان  
می آید تشخیص دهد مصلحت اندیشی نیست و با  
اساس اسلام یا یکی از اصول قطعی مقایسه  
است آنوقت آنرا رد می کند.

**در مقابل ولی فقیه  
مجتهدین هم حق اعمال  
نظردارند**

وقتی در مملکت اسلامی و در جا معنی  
اسلامی یک نفر بعنوان ولی امر شناخته شد  
مجتهدان مع شرایط دیگری نمی توانند  
نظرش را اعمال کنند.

**نظرات مختلف پیرامون  
حدود اختیارات ولی فقیه به  
نقل از آیت الله مانهی**  
رسالت ۶۶/۱۰/۲۷

اصل ولایت برای رسول الله (ص) و ائمه  
(ع) بوده و بحث در این است که برای

به برکت فتاوی امام پیرامون  
ولایت مطلقه فقیه، جو سالمی بوجود  
آمد و بسیاری از ما حین نظران و اندیشندان  
توانستند پیرامون ولایت مطلقه فقیه و  
حدود اختیارات آن، طی سخنرانی ها و  
خطبه ها و مقالاتی نظرات خود را ابراز  
نمایند. و تا حدودی هم موجب روشن شدن  
بحث گردیدند.

در طی اظهار نظرها گفته میشد " مصلحت  
بر شرع تقدم پیدا میکند " و اختیارات  
ولی فقیه را همچون اختیارات پیامبر (ص)  
واشبه (ع) تام میدانستند، " این  
مباحث نیاز به توضیح دارد و سئوالاتی  
را ایجاد کرده است.

با توجه به اهمیت موضوع ما اقدام به  
جمع آوری نظرات مطرح شده نمودیم. تا  
اولاً: " آشنایی با نظرات بدست آید. و  
ثانیاً: " زمینه پاسخگویی به ابهامات  
و سئوالاتی نظیر این که: " ملاک مصلحت  
چیست؟ " " اساس و اصول قطعی اسلام  
کدامند؟ " بوجود آید و بنظر میرسد ضروری  
است که ما حین نظران دلسوز جهت تسد و م  
و تبیین نظرات خود در وقت و وقت کافی مصروف  
نمایند.

**ولایت کلی پیامبر اکرم**

آیت الله منتظری، رسالت ۶۶/۱۰/۱۹  
در قرآن صریحاً " در مورد ولایت کلی  
پیامبر اکرم (ص) فرموده: " النبوی  
اولی بالمؤمنین من انفسهم " و پیامبر  
اکرم این مقام را بعد از خودشان به ائمه  
اطهار تفویض نمودند و ائمه معصومین به  
فقیهای واجد شرایط و شرایط آن از کتاب  
و سنت استنباط شده است و اگر ولی فقیه  
که از طرف ائمه معصومین دارای مقام  
ولایت است حکمی و دستوری داد بر همه افراد  
واقفاً رحتی یا بر مجتهدین حکمش نافذ  
است.

**ولایت فقیه را وحی برای  
ما آورده است**

آیت الله مانهی، رسالت ۶۶/۱۰/۳۰  
همچنانکه وجوب نماز و دفاع و جهاد  
حکم الله است و وحی برای ما آورده است  
ولایت فقیه و معصومین را نیز وحی برای  
ما آورده است چه مستقیم وجه غیر مستقیم.

فقیه هم هست یانه و آیا همه اختیاراتی  
که برای امام معصوم هست ( از نظر  
قرارداد و جعل آنچه خدا برای او قرار داده  
است ) همه آن اختیارات در شرع برای  
فقیه جامع شرایط هم هست .

**نظر امام خمینی:**  
اعتقاد امام این است و بیش از ده هزار  
کلمه در مورد این بحث نوشته است که آنچه  
برای معصومین بود، همه آنها برای فقیه  
ثابت است . . . . .

اگر ولایت را در چهار رجب اجرا احکام  
بگیریم و نهی از منکر و امر به معروف را به  
گردن امام بگذاریم آنوقت ولایت رسول -  
الله و ولایت ائمه (ع) بی محتوا می باشد .

**نظر آیت الله تراقی:**  
آیت الله العظمی آقا شیخ احمد تراقی  
صاحب مستند، کتاب فقهی بسیار زیبا و  
پر بار، روایاتی را نقل می کند می گوید  
همان ولایت که بر انفس و اموال با رعایت  
مصلحت امت و اسلام برای رسول الله (ص)  
بوده و همانی که برای امام معصوم بوده  
است بسیاری از اصحاب تصریح به اجماع  
کردند و می گوید مسئله ظاهراً " اجماعی  
است و از عبارات فقیهای زیادی بر می آید  
که مسئله راهمه گفته اند و از مسلمات  
است و این اصلاً جای حرف و بحث ندارد .

**نظر صاحب جواهر:**

صاحب جواهری سال بحثی را در مورد  
ولایت کرده است در کتاب امر به معروف و  
نهی از منکر و است صاحب جواهری که سی  
سال در تمام مسائل اسلامی اجتهاد کرد و  
حدود یک میلیون مسئله را احتیاد کرده  
است . فضلی عزیز . محملین بزرگوار  
روحا نیون عزیز متذکرین بزرگوار و اهل  
نماز و روزه این عبارت صاحب جواهر است  
که میگوید: فقیه میتواند اقامه حدود  
کنند زیرا نیابت برای فقیه در زیادی از  
مواضع ثابت است . بروجهی که روشن  
میشود که فرقی بین همه مناسب امام  
نیست ( یعنی تمام مناسبی که برای امام  
بوده برای فقیه هم هست ) .

صاحب جواهر میگوید: اگر کسی در عموم  
ولایت شک کند مره فقه اصلاً " نفهمیده  
است و اصلاً " به رموز کلمات ائمه هم آشنا  
نشده است .

**اگر حالا هم مشکلات حل  
نشودا شکل در اندیشه  
ماست**

حجت الاسلام غلامحسین نادی نمایند  
مجلس شورای اسلامی، رسالت ۶۶/۱۰/۲۶  
نظرات حضرت امام مسئولیت ما را  
بعنوان قوه مقننه سنگین تر نموده و هشدار  
می دهد که دیگر مانعی بر سر راه نیست و اگر  
با زقضا یا مشکلات همچنان باقی باشد، باید  
در اندیشه و فهم خویش تجدید نظر کنیم .

آیت الله جنتی، رسالت ۶۶/۱۰/۲۰  
این یک موضوع موقتی است، ما داد می که  
مصلحت اسلام در تعطیل جماعت، تعطیل  
چراغانی، تعطیل عزاداری و حتی تعطیل  
مراسم عاشورا است باید بشود که با این عمل  
و با این اعتصاب به دنیا اعلام کنید که این  
حکومتی که بر دم را می کشد و برای بیگانه

نوکی می کند این اسلامی نیست .  
**حکومت از احکام وضعیه  
اولیه است**

آیت الله راستی، رسالت ۶۶/۱۰/۲۸  
اصل مقام ولایت و حکومت در اسلام  
از احکام وضعیه اولیه نیست . بلکه اهم  
و اعظم آنهاست .

**اعمال ولایت گاهی اولیه،  
گاهی ثانویه و گاهی حکم  
حکومتی است**

اعمال این مقام در موارد خاصه مختلف  
است . گاهی طبق حکم اولی و گاهی طبق  
ثانوی و گاهی هیچکدام بلکه حکمی است  
حکومتی و سلطانی .

**نبود مقام امامت در ولایت  
بمنزله نبود تمام احکام  
است**

مقام امامت و ولایت که خود به معنای  
اداره شئون است در دین و دنیا یا به تعبیری  
دلالیت عامه در امور دین و دنیا ایست  
مقامی است بس منبع، که نبود آن بمنزله  
نبود تمام احکام و از بین رفتن وی شمر  
شدن همه آنهاست، چنانچه آیه " یا ایها  
الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک وان  
لم تفعل ما بلغت رسالتک " شاهد بر  
آنست .

**ولایت فقیه است  
اجماعی است**

اصل نبوت ولایت تشریحی و حکومت بر  
اداره شئون و مسلمین برای فقیه است از  
اجماعیات است چنانچه با مختصر مراجعه و  
دقتی در ابواب فقه ارتباط و پیوستگی  
کثیری از مسائل شرعی و احکام دینی به  
به حکومت و وجود حکم اسلامی هیچگونه جای  
تردیدی باقی نمی گذارد .

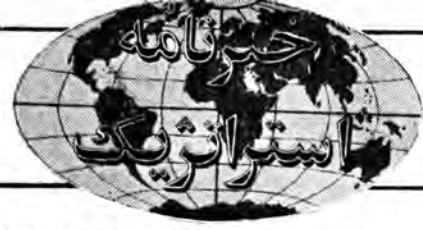
**ولی فقیه اختیارات امام  
معصوم را دارد**

حجت الاسلام شیخ محمد یزدی، رسالت ۶۶/۱۱/۳  
در زمان حاضر که امام مصداق باصطلاح  
رهبر امت اسلامی هستند آنچه که برای امام  
معصوم در زمینه اختیارات در مدیریت  
وجود دارد این اختیارات برای امام نیز  
هست مگر آن مسائلی که در فتوای خودشان  
استثناء شده است .

**تقدم مصلحت امت اسلامی  
بر احکام فرعی**  
رسالت ۶۶/۱۱/۵

در جایی که مصالح امت اسلامی با احکام  
فرعی تبادلی پیدا کرد طبیعی است که حاکم  
میتواند تا وقتی که آن مصلحت وجود دارد  
آن حکم فرعی را تحت الشعاع این مصلحت  
قرار دهد و بگوید که برای رعایت این  
مصلحت، آن حکم فرعی نباشد .





# اخبار ایدئولوژیک ولایت فقیه

هیچ مقامی نمی تواند  
حکم خدا را احکام کند

اما اگر حکومت اسلامی بگوید که میخواهم این حکم فرعی را از اسلام بردارم و از این به بعد چنین حکم فرعی در اسلام نباشد این کار را نه تنها فقیه بلکه امام معصوم نیز نمیتواند انجام دهد یعنی هیچ مقامی نمی تواند حکم خدا را احکام بکند.

مجاری تشخیص مصلحت به  
ترتیب دولت، مجلس و  
شورای نگهبان است.

رسالت ۶۶/۱۱/۷

معنای مصلحت این نیست که هر فردی، شخصا "مصلحت را تشخیص دهد زیرا حکومت اسلامی باید مصلحت را تشخیص دهد و حکومت اسلام نیز مصلحت را از طریق این مجاری تشخیص میدهد. یعنی دولت میگوید که من مصلحت را این میدانم لذا لایحه ای تنظیم و به مجلس بیاورد، مجلس بررسی کند و اگر مصلحت آن را تأیید و تصویب کرده شورای نگهبان میبرد و شورای نگهبان هم کنترل کند که خلاف شرع نباشد و اگر بر آن صحه گذاشت این مصلحت قابل عمل است.

نقد موقتی مصلحت به  
شرع

در مواردی شورای نگهبان می گوید، اگرنا مین مصلحت فقط از این راه است ما هیچ حرفی نداریم ولی اگر این مصلحت را از چند راه دیگر که خلاف شرعی در آنها نیست میتوان عمل کرد ولی شما بگوئید که حتما "از این راه میخواستیم برویم و خلاف شرعی در این راه با شما میگوئیم خلاف شرع است و نمی پذیریم ولی اگر مصلحتی است که هیچ راه دیگری ندارد و انتخاب این راه هم یک حکم فرعی را برای مدتی پایمال کند ما حرفی نداریم، تشخیص به عهده شاست و اصلا ما مربوط نیست که بگوئیم تا کی و چگونه.

مصلحت نمی تواند بطور دائم  
بر شرع مقدم باشد

تا وقتی که این مسئله و این مشکل هست این خلاف شرع را مرتکب بشویم و این خلاف شرع جایز باشد در اینجا ما (شورای نگهبان) می گوئیم که مانعی ندارد اما اگر بخوانید بگوئید که یک قانون بگذارد که بطور دائم وثابت این کار انجام میشود (یعنی برای همیشه این خلاف شرع باشد) این را نمی توان قبول کرد.

مقدم مصلحت بر احکام  
بخاطر عزت مسلمین است

آیت الله خزعلی . رسالت ۶۶/۱۱/۲۵  
حکومت از احکام اولیه است و احکام می تواند چنانچه مصلحت ایجاب می کند بعضی احکام را تعطیل کند صرفا " بخاطر عزت احکام و حفظ مسلمین است زیرا دین برای عزت و امنیت مردم آمده است و حکومت باید منافع و مصالح مردم را رعایت کند و پشتوانه مردم باشد.

مالکیت از اصول مسلم  
اسلام است

اصل مالکیت در اسلام از اصول مسلم است و تاریخی که مالک، اموال خود را از راه غیر مشروع و یا از طریق ظلم به حقوق دیگران به دست نیاورده باشد مالکیت او محترم است و در حکومت اسلامی جلوی هر نوع مالکیت غیر شرعی گرفته میشود اما این جلوگیری به منزله نظامهای کمونیستی نیست.

اختیارات حکومتی ولسی  
فقیه قابل تنفیذ است

آیت الله موسوی اردبیلی. رسالت ۶۶/۱۱/۱۷  
ممکن است ولی فقیه اختیاراتی داشته باشد و قابل تنفیذ نباشد مانند مصابا مات، ولایت که به معنای دیگری امت و یا نبوت. اما اختیارات ولایت به معنای حکومت قابل تنفیذ است و چنانچه اختیارات حکومت قابل تنفیذ نباشد مهممل میشود. مثل این است که به من بگوئید ایران را اداره کن اما حق ندارم اختیارات خودت را به کسی بدهی.

فتاوی اخیر امام  
جدید نیست

آیت الله مهدوی کنی. رسالت ۶۶/۱۰/۲۱  
به نظر من پاسخ حضرت امام به نامه آقای خامنه ای نظر جدید حضرت امام نبوده یعنی اگر کسانی نظریات امام در کتاب حکومت اسلامی، ولایت فقیه ایشان آشنا باشند می بینند این پاسخی که امام فرمودند همین همان نظریاتی است که امام در آن کتاب نوشتند اما چون بعضی ها یادشان رفته بود و یا آن کتاب را مطالعه نکرده بودند فکر کردند که امام چیز تازه ای را گفتند در آن کتاب امام میفرماید که ممکن است ولی امر بعضی از احکام را - موقتا " جلوی را بگیرد.

به اعتقاد امام در آن کتاب ولایت امر فوق فتوی دادن است چون یک وقت ما میگوئیم فقیه فتوی میدهد و خودش هم طبق همان فتاوی که داد، عمل می کند این دیگر اعمال ولایت نمی خواهد.

ولی فقیه احکام را تنها  
بطور موقت تعطیل می کند

اما در حکومت اسلامی علاوه بر احرا می توانیم معمولی یک حواله بدهی پیش آید که نیاز به یک سری دستورهای فوق العاده ای است آنجا است که بحث اعمال ولایت پیش می آید و همانطور که امام فرمودند میتوان حج را برای مدتی متوقف کرد و یا مثلا " مناره و مناره را فرمودند می شود متوقف

کرد که جزء فقه اسلام است. اما ولی امر میتواند جلوی او را بگیرد ولی مسلم است که نظریات حضرت امام مبنی بر این نیست که ولی امر می آید و میگوید مزارعه و مناره در اسلام اصلا " منسوخ است و یا حاج دیگر نباید برای همیشه رقت و یا اصلا " ما حرج در اسلام نداریم یک چنین چیزی را بیغیبر هم نمیتواند بگوید تا چه رسد به یک فقیه. نظر حضرت امام پیرامون اهمیت حکومت اسلامی بود که چون سخنان ایشان جنبه عام داشت ممکن است برخی بد تعبیر کنند.

ولایت فقیه بدیهی  
وضوح است

مقاله فقه سنتی و کارشناسی اسلامی  
رسالت ۶۶/۱۱/۱۰  
ولایت فقیه از موضوعاتی است که تصور آنها موجب تصدیق میشود و چندان به برهان احتیاج ندارد به این معنی که هر کس عقاید و احکام اسلامی را حتی اجمالا " دریافته باشد چون به ولایت فقیه برسد و آنرا به تصور آورد بدین رنگ تصدیق خواهد کرد و آنرا ضروری و بدیهی خواهد شناخت.

احکام کلی استنباط شده  
فقیه جهت اجرا نیا زیاده  
کارشناسی دارد

حال باید دید که پس از تشکیل حکومت و در راه " سر قرار گرفتن فقیه، کیفیت کار به چه صورت خواهد بود آنچه مسلم است اینست که احکام الهی استنباط شده توسط فقیه از کتاب و سنت حاکم بر فعالیتها یا معمه خواهد بود و چون ولایت بر جا معه بدست فقیه خاصی باشد استنباطات او معیار عمل بوده و نظر گذشتگان و آیندگان و غیره برای نظام حجت نیست اما کار به همین جا ختم نمیشود زیرا احکام استنباط شده دستورالعملهایی کلی است که بر موضوعات کلی بار شده است، در حالی که عمل با مصادیق جزئی سروکار دارد که یافتن اینکه این موضوع جزئی مصادیق کدام حکم کلی الهی است خود مسئله دیگری است. اصولا " تعیین مصادیق در موضوعات تخصصی احتیاج به کارشناسی دارد که این نوع کارشناسی امری سوا از فقه است و باید گفت که کارشناسی جهت اجرای احکام استنباط شده توسط فقیه است.

تصرفات والی باید از روی  
برنامه ریزی باشد صرفا  
از روی اضطرار

تصرفات والی محدود به شرایط اضطرار نمیشود و نمی توان پذیرفت که دائما " والی منتظر باشد تا جا معه دچار اضطرار شده و سپس برای خروج از آن دستورالعمل صادر نماید که در این حالت موضعگیری او و جامعه اش کاملا " انفعالی بوده و در حقیقت شرایط ساز آن والی جامعه می باشد. بلکه همانگونه که قبلا " گذشت والی مسئول جامعه بوده و جهت رشد آن می بایست تعیین هدف کرده، برای رسیدن به آن هدف برنامه ریزی نموده و حرکت جامعه را مبتنی بر آن برنامه جهت بدهد.

تصرفات حاکم محدود به  
مصلحت نظام و مردم است

آیت الله خزعلی . رسالت ۶۶/۱۱/۲۱  
این طور نیست که دست حاکم در جامعه برای هر چیزی با زیاد مگر مصلحت نظام و مردم باشد آنگاه دست حاکم با زاست بنا به مصلحت جامعه کالا بی را تحریم کند و از ورود آن جلوگیری کند تا قوه مردم به کار افتد و مصرفی با رنیا بد و ا ل ا حلال خدا تا ابد حلال و حرام خدا تا ابد حرام است.

اختیارات ولی فقیه محدود  
به ضرورت عبر و حرج نیست  
و بسط پیدا می کند

مرحوم آیت الله ربانی املشی در سمینار ولایت فقیه در سال ۶۳ در دانشگاه تهران رسالت ۶۶/۱۲/۳  
بعضی تصور می کنند که اختیارات ولی فقیه فقط در مقام ضرورت، عسرو حرج است و در آن مواقع است که ولی فقیه میتواند دخالت کند ولی من از روز اول این عقیده را نداشتم و ظاهرا " امام نیز برای ولی فقیه بسط پیدا می کنند، لذا ولی فقیه هم همه آن اختیارات را دارا است.

ولایت حکم اولیه است

آیت الله جوادی آملی بحث ولایت است از دیدگاه قرآن کریم . رسالت ۶۶/۱۱/۱۲  
ولایت مانند سایر احکام، حکم اولی خدا است ( نه حکم ثانوی) یعنی همانطور که خدای سبحان روی عناوین، حکمی داد (مثل وجوب نماز، روزه و حج) برای اشخاصی نیز سمت سرپرستی قرار داد البته گاهی این سمت، عام است ( نظیر ولایت جد و وصی ) و گاهی این سمت، خاص است ( نظیر نبوت شخص معین و امامت شخص معلوم و معین ... )

امام بوسیله این فتوا  
به نظریه نزیه جواب داد

حجت الاسلام فلسفی . صدای جمهوری اسلامی  
این سخنوری و سخنرانی فتوای امام چندان شگفت داشت. یک اثر بزرگ به سخن نزیه بود. نزیه از طرفیان همان گروه ملی-گراها . این آقای نزیه هنوز از انقلاب اسلامی ایران، شش ماه نگذشته بود. در خرداد ماه ۵۸ یک مطلبی را در روزنامه نوشت، برخلاف شعار نیرومندان اسلام و برخلاف آنچه واقعیت بود. عبارتش این بود " حتی اگر ما فکر کنیم تمام مسائل سیاسی و اقتصادی و قضایی را میتوانیم در قالب اسلامی برهیم، آیات عظام هم میدانند این امر در شرایط حاضر نه مقدور است نه ممکن است نه مفید ". این عین عبارت نزیه است در روزنامه کیهان .

این فتوای اخیر امام اول نزیه را جواب داد. یعنی گفت خیال میکردی که فقیه که از نظر مقام فقاهت در مقابل مقررات اجتماعی که یک امر بنوی است، در مملکت... بسته است. نه فقیه به اتکا ولایتی که ذاتا اقدس الهی در اختیار نبی معظم خود قرار داد آن اختیارات زنده است - زمینه اجرای می خواهد. زمینه اجرای اش در ایران مردم مسلمان، زنده و حی و با اراده هستند.....

حکومت الله از احکام اولیه است و مقدم بر تمام احکام فرعی حتی نماز و روزه و حج است  
۱۳۶۶ دی ۱۶ امام خمینی





# اخبار ایدئولوژیک ولایت فقه

امام بوسیله این فتاویه  
کسانیکه اقتضای کمونیستی  
را قبول دارند ضربه زد

.... نتیجه دوم اینکه - روی کلمه "اقتصاد دخیلی تکیه میکردند - من یادم میآید در دوران طاغوت یک مردی بود اهل روزه و نماز، اهل فقه، این میآید گاهی رازهای دلش را به من میگفت. می گفت فلانی مسلمانم، متدینم - نماز میخوانم، روزه میگیرم. اما به تومی گویم به نظر من اقتصاد کمونیستها بهتر میتواند اقتصاد مردم را عادلانه اداره کند، تا اقتصاد اسلام، آن وقت این فکر بود. الان هم آن نزیه را که گفتم مثل همین است....

امام بوسیله این فتاویه  
خروش و شجف ضربه زد

.... نتیجه سوم بیان امام و فتاوی اخیر امام. من در همان دوره طاغوت شنیدم که خروش و شجف (یکی از اعظم کمونیستها) گفته بود: "ایران یک میوه کالی است که باید تدریجا" برسد. وقتی رسید این میوه صاف می افتد در دامن ما". حال این فتاوی امام چه کرد؟ امام با این فتاوی قلم دست نگرفت روی کاغذ بنویسد. دستش را دراز کرد آن شاخه ای را که خروش و شجف فکر کرده بود گرفت کجش کرد. گفت ایین میوه همواره در دامن اسلام بوده و اگر رسیده ترهم بشود در دامن رسول اکرم (ص) خواهد افتاد.

امام بوسیله این فتاویه  
گروهکهای متمایل به  
کمونیست ضربه زد

و اما نتیجه دیگر، گروهکهای متمایل به کمونیست قبل از فتاوی امام امیدوار بودند که بتوانند نفعی ببرند. از نظر اقتصادی ایران فلج شود و آنها بیایند میدان. اما بعد از فتاوی عجیب و انقلابی امام، فهمیدند که اسلامی که در دوران شیخ طوسی و علامه حلی بحث میشد اسلام منهای قدرت حکومت است. اما اسلامی که الان مورد بحث است، اسلامی است که روحانیت مراکز سانس را اداره کرده و اداره میگرداند. آن گروهکها هم ما یوس شدند.

امام بوسیله این فتاویه  
نظریه نه غربی بلکه شرقی  
ضربه زد

و اما آخرین اثری را که من عرض کنم از این فتوا، اینکه میگویم نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی یکوقت نه شرقی نه غربی از نظر وابستگی است، نه به روسها متکی است نه به کاخ سفید آمریکا. بلکه به اسلام متکی است. اما اینکه نه شرقی

نه غربی از نظر فرهنگی خیلی هافک میکردند که ایران در انقلاب نه غربی ولی شرقی. چه فکری بود؟ می گفتند ایران نمی خواهد از فرهنگ سیاسی و اجتماعی آمریکا استفاده کند، اما ضرورتش ایجاب می کند که از فرهنگ کمونیستی استفاده کند. در باب تعدیل سرمایه و تقسیم کردن ذخایر مملکت عادلانه بین همه مردم. اما وقتی فتاوی امام آمد این تزیه شکست گراشید و از بین رفت.

شروطی که دولت می تواند بگذارد باید  
در چهارچوب احکام اسلامی باشد

حجت الاسلام خامنه ای ( در نماز جمعه )  
کبهان ۶۶/۱۰/۱۲

... دولت می تواند با کار فرما شرط کند که در صورتی می توانی از خدمات استفاده کنی که این کارها را انجام دهی، چه کارهایی؟ کارهایی که برخلاف مقررات پذیرفته شده و احکام پذیرفته شده اسلامی؟ امام می فرماید: نه این حاشایمانی است که افراد مغرض این شایعات را ایجاد می کنند... امام که فرمودند دولت می تواند شرطی را بر دوش کار فرما بگذارد این هر شرطی نیست آن شرطی است که در چهارچوب احکام پذیرفته شده اسلامی است و نه فراتر از آن... بعضی اینطور استنباط کرده اند از فرمایشات شما که قوانین "مضاره ۳ جاره" و "مساقات" و احکام شرعی و خطابی... پذیرفته شده مسلم را بشود نقض کرد و - دولت می تواند برخلاف احکام اسلامی شرطی بگذارد. امام میفرماید نه، این شایعه است یعنی چنین چیزی اصلاً در حوزه سؤال و جواب وجود ندارد.

آیت ا... منتظری ۶۶/۱۰/۱۹

... چه بسا در جایی و شرایطی خاص احساس نیاز به اعمال ولایت فقیه می شود که باید بشود و این حقی است که در اسلام تشریح شده...

حکم ولی فقیه حکم الله است

حجت الاسلام خامنه ای ( در نماز جمعه )  
کبهان ۶۶/۱۱/۳

... فقیه در دوران فیهت همان مقام حاکمیت را داراست این ریشه و بنای فکری حکومت اسلامی ولایت فقیه است و معنای ساده تر کار ولی فقیه عبارتست از اداره جامعه بر مبنای اسلام ولی فقیه مصلحتی را برای جامعه تشخیص میدهد آن میشود حکم الله. اصول حکومت از احکام اولیه و مثل احکام اولیه واجب الاتباع است.

حکومت از احکام اولیه است و احکام حاکم اسلامی، حکم اولی است، یعنی حکم ثانوی به معنای اینکه تابع ضرورتها باشد، نیست ( البته در مواردی میتواند حکم به حکم ثانوی کند و حکم ثانوی هم حکم شرعی است ) اما آنچه را که ولی فقیه در

جامعه اسلامی به عنوان قانون وضع می کند با اجرا می کند، احکام اولی فقیه، احکام اولی است مثل احکام الله است.

منشأ تمام مشروعیتهای  
ولایت فقیه است

در جامعه اسلامی تمام دستگاها مشروعیتهای اعتبارشان به خاطر اعتبارشان به ولایت فقیه است. قانون اساسی مشروعیتهای اعتبارشان بخاطر قبول ولایت فقیه است که او همان امام اسلامی است. ولی فقیه اختیاراتی به شخص یا نهایی یا دستگاها می دهد در مواردی داده آن شخص یا آن ارگان میتواند از آن استفاده کند.

این فتاوی باید برای مردم توضیح  
داده شود

حجت الاسلام رفسنجانی ( در نماز جمعه )  
کبهان ۶۶/۱۰/۲۶

... اگر فتاوی حضرت امام برای شاگردان ایشان تازگی ندارد، ولی برای مردم معمولی و به غیر از علمای وارد به فقه و مسایل فقهی تازگی دارد و باید این مسائل را با زبان ساده با مردم در میان گذاشت.

حفظ نظام نیز از واجبات و تکالیف  
فقهی است

حجت الاسلام رفسنجانی ( در خطبه نماز  
جمعه ) کبهان ۶۶/۱۲/۸

حفظ نظام اسلامی نیز از واجبات و تکالیف فقهی و شرعی است حفظ این نظام در مواردی ممکن است چند واجب دیگر را که اهمیت کثرتی دارد نادیده بگیرد و از این جهت است واجبات دیگری چون رفا و امنیت. این اشتباه است فکر کنیم هر کس با مطالعه رساله علیه میتواند با اهمیت بودن یا نبودن احکام فقهی را تشخیص دهد، در صورتی که این کار فقط توسط ولی فقیه زمان با دارا بودن شرایط یاد شده عملی است.

بنا بر نظر امام موارد مضایر شرع را  
تسویب می کنیم

حجت الاسلام والمصلین امامی گاشانی  
کبهان ۶۶/۱۰/۲۴

در هر مورد جزئی که شورای نگهبان می دهد مصوبه مجلس باید جهت از جهات شرع - مغایر است اجازه تصویب آن را نمی داد ولی بنا نظرات اخیر امام اجازه می دهد و این نظرات برای شورا جهت شرعی است... در برخی موارد که برخی مصوبات رد شده اگر مجلس شورای اسلامی مجدداً به عنوان مصلحت جامعه آنرا بررسی کند و به شورای نگهبان بدهد آن وقت تجدید نظر خواهد شد...

نظریه امر بالاتر از نظر شرعی  
مجتهدین است

... اگر ایشان ( حضرت امام ) حکمی بدهند به خاطر ولایت امر بودن ایشان حتی مجتهدین دیگری که یکی هم شورای نگهبان است، اگر نظری داشته باشند نمی توانند به

نظر شرعی خود عمل کند، نظریه امر بالاتر است.  
عقیده فقهی من برایین است فرض هم اگر کسی منصوب از طرف امام باشد و عقیده فقهی اش این نباشد، امام ولی امر است او باید عقیده اش این باشد و باید طبق نظر ولی امر عمل کند.

شورای نگهبان خود را تابع احکام  
حکومت می داند

آیت الله صامی کبهان ۶۶/۱۰/۲۴

شورای نگهبان آنچه را که حضرت عالی به عنوان ولایت فقیه و حکم حکومتی فرموده است کاملاً قبول دارد و در آن هیچ شکی نداشته و خود را تابع احکام حکومت می داند. ولایت فقه و حکم حکومتی از احکام اولیه است.

آیت الله جنتی کبهان ۶۶/۱۰/۲۰

... این حکومت در حد و مسائلی اسلام از نظر فقهی اعتبار دارد که برای حفظ اسلام و مسلمین و تا جائیکه مصلحتها اقتضا می کند همکاری را انجام دهد.

آیت الله جنتی کبهان ۶۶/۱۰/۲۶

گردانندگان امور مسلمین در این ۲۰-  
۱۳ قرن حکومت را از مسائل دیگر جدا  
کرده اند

... در هرگزین کتاب فقهی ما جواهر، شش جلد به مباحث طهارت، احکام آنها، نجاسات و... و با ۸ جلد درباره نماز نوشته شده است اما مباحث راجع به ولایت در این گونه کتابها چند ورق بیشتر نمی باشد. در زمان غیبت امام معصوم این ولایت باید باشد چون یک دینی اگر میخواهد تا قیامت باقی بماند باید خود به خود همه احکامش قابل اجرا باشد حکومت میخواهد، نمی شود اسلام باشد و حکومت نباشد و این اشتباهی که در عمل گردانندگان امور مسلمین در این ۱۰ تا ۱۳ قرن کردند این بود که حکومت را از مسائل دیگر جدا کردند.

جدا کردن دین از حکومت حاصل  
تمام بدبختیهاست

و این فلسفه جدایی دین از حکومت که عداً اجرا شده سبب بدبختیها، ضعفها و زبونیهای جامعه اسلامی شد... یکی از اختیارات ولی فقیه اختیارات قانون گذاری متناسب با شرایط زمان، مکان و مصلحت همه جانبه جامعه اسلامی است.

از اختیارات ولی فقیه تصرف در شئون  
مردم و ولوعلم و غیره مصلحت مردم

از اختیارات دیگرش، تصرف در شئون مردم است. در آنجا که به صلاح جامعه باشد، ولو بطریق میل مردم... آنجا هم که ولی فقیه حکومت می کند با اتکال به اسلام - شناسی و عدالتش، وقت می کند، مطالعه، آنجایی که لازم باشد مشورت می کند و مصلحت را تشخیص میدهد. و بعد از تشخیص دادن

هدف باید حفظ شعارها و ارزشهای اصلی اسلام و انقلاب باشد...  
ایده... منظره





# اخبار ایدئولوژیک ولایت فقیه

امر می کند مردم چه خواهند چه نخواهند باید اجرا کنند. این جاد مکر اس غرب نیست که آراء مردم اجرا بشود. **ولایت فقیه همان اختیارات رسول اکرم را داراست**

حجت الاسلام موسوی جزایری ( امام جمعه اهواز ) کیهان ۶۶/۱۰/۲۷  
ولایت فقیه همان ولایت مطلقه ای است که پیامبر اسلام داشته ... و در اینجا سن ولایت به ولی فقیه منتقل میشود ... ولی فقیه در اسامی امور قرار دارد آنچه که میگوید واجب الاطاعه هم بر مقلدین و هم بر غیر مقلدین است.

حجت الاسلام سید علی اصغر دستغیب کیهان ۶۶/۱۱/۵

منظور از ولایت مطلقه فقیه آنستکه جمیع اختیاراتی که رسول اکرم (ص) و هر یک از ائمه اطهار (ع) از لحاظ صد و احکام حکومتی بنا بر مصلحت امت اسلامی داشته اند فقیه جامع الشرایط نیز داراست. نسبت به اثرات فتاوی اخذ در یک کلام حل جمیع مشکلاتی است که مسائل اجرایی با آن مواجه بوده است.

آیت الله شهید دستغیب از لحاظ ولایت وحدت اختیارات آن همان شائسی را برای امام قائل بودند که نسبت به حضرت رسول اکرم (ص) محرز و مسلم بود.

### نظرات امام حرفهای جدیدی نیست

حجت الاسلام فلسفی (در سمینار سراسری ائمه جمعه کشور) کیهان ۶۶/۱۰/۲۹

نظرات امام در زمینه حکومت اسلامی و ولایت فقیه نظری جدید نیست. امام در نجف این مبحث را تدریس کرده اند و در کتاب ولایت فقیه جهات اجرای فلسفی و فقهی آن را روشن ساخته اند.

### توسعه اقتصادی نباید روح اسلام را به خطر اندازد

امام درین حال امام ایجاد رفاه عمومی و تقسیم انفال را به هر صورت ممکن تجویز نمی کند. توسعه اقتصادی و رفاه عمومی نباید به گونه ای عملی شود که روح اسلام و شریعت به خطر افتد.

### احکام حکومتی از احکام اولیه است

حجت الاسلام باریک بن ( امام جمعه قزوین ) کیهان ۶۶/۱۰/۲۹

ساله ولایت فقیه همانطور که امام فرمودند از ولایت مطلقه است که به رسول خدا و امامان معصوم واگذار شده است. صحبتی در این باره نیست بلکه ساله در این است که در زمان غیبت کبری جامعه اسلامی اگر بخواهد حکومت و اداره کشور را بدست بگیرد، چگونه باید باشد و حاکم اسلامی تا آنجا که

### اختیارات دارد؟

#### ولایت افضل از نماز، روزه، حج و زکات است

هیچ فرقی بین نماز و ولایت نیست. که بگوئیم حکومت از احکام ثانویه است. در میان احکام اولیه هم ولایت افضل از نماز و روزه و حج و زکات است و در حدیث دیگری ساله ولایت را خیلی مهم میدانند. میفرمایند اگر کسی شهباز را به عبادت بایستد و روزها را روزه بگیرد و تمام اموال خود را در راه خدا صدقه بدهد و تمام سالها به حج برود ولی ولایت ولی خدا را قبول نداشته باشد ارزش ندارد. باید مطیع ولایت فقیه باشیم و وقتی که مطیع ولایت فقیه شدیم عزت و هفت و شرف و استقلال و همه چیز در اوست و دشمنان اسلام همین را می خواهند از بین ببرند.

#### اختیارات حکومت و دولت اسلامی مقدم بر تمام احکام فرعیه است

محمد رشیدیان نماینده مردم آبهان کیهان ۶۶/۱۰/۲۳

اختیارات حکومت و دولت اسلامی مقدم بر تمام احکام فرعیه حتی نماز و روزه و حج است و اختیارات حکومت در چهارچوب احکام اولیه نمی گنجد بلکه حکومت شعبه ای از ولایت مطلقه رسول الله (ص) است. اگر چنین باشد هیچکس و هیچ حکومتی نمیتواند در چهارچوب احکام فرعیه ملحوظ شود.

#### حاکم اسلامی لازم الاطاعه است

آیت الله شیروازی ( امام جمعه مشهد ) کیهان ۶۶/۱۰/۲۷

امام امت حکومت اسلامی و حاکم اسلامی را لازم الاطاعه می داند و هر حکمی که صادر نمایند باید همه تعمیم و پیروی کنند. لذا این حاکم هر حکمی صادر کرد به منزله حکم ولی فقیه و قائم مقام امام است.

#### ولایت مطلقه يك اصل بدیهی است

حجت الاسلام حائری شیروازی ( امام جمعه شیراز ) کیهان ۶۶/۱۰/۲۷

بدون ولایت مطلقه هیچ حکومتی بوجود نمی آید و نمیتواند اداره حیات بدهد. و هر چه را به مصلحت حکومتش بداند همان تصمیم را میگیرد. و فرقی با حکومت های دیگر این است که احکام دیگر ولایت مطلقه شیطانی دارند و مصلحتشان هم مصلحت شیطانی است.

#### اگر ولی فقیه يك لحظه استبداد بخرج بدهد از ولایت هتدا می افتد

امام يك بار فرمود اگر ولی فقیه يك لحظه استبداد بخرج بدهد از ولایت عند الله می افتد. اینقدر ساله ولایت دقیق است که بوی دیکتاتوری و استبداد و خودییت نباید بدهد.

#### ولی فقیه میتواند اجرای اموری از شرع را موقتا مصلحت نداند

حجت الاسلام ناصری یزدی ( امام جمعه

شهرکرد ) کیهان ۶۶/۱۰/۲۳

اختیارات حکومت از ناحیه شرع مقدس به ولی فقیه داده شده و اینها به مصلحت امور مسلمین و جامعه اسلامی نظرات و مسائل را از استنباط کلیات در رابطه با مسائل جزئی بیان میکنند که در بعضی موارد نیز ممکن است اجرای اموری از شرع مقدس را بنا به اقتضای جامعه مسلمین موقتا مصلحت نداند.

#### حکومت از اصول دین است

آیت الله حاتم ( عضو فتر استفتای حضرت امام ) کیهان ۶۶/۱۰/۲۴

امام بسیاری از علما نظر مبارکشان اینست که این ولایت برای فقها هم هست لکن نکته ای در جوابهای امام بسیار دقیق است اینست که حکومت از اصول دین است نه از فروع دین. اینطور برداشت کرده ام که این ولایت مطلقه شعبه ای از ولایت مطلقه الهی است و این همان امامت است که شیعه آن را از اصول دین میدانند.

#### سخنان اخیر امام ( اعمال ولایت فقیه ) نیست بلکه تمام احکام اولیه اسلام است

آیت الله بنی فضل ( از مدرسین حوزه علمیه قم ) کیهان ۶۶/۱۰/۲۲

حضرت امام به دولت مطالبی را بیان داشتند و اختیاراتی را برای آن مقرر نمودند و اگر دولت این اختیارات را نداشت خدا میداند در جامعه مسلمین نسبت به اصول اساسی اسلام چه ضربه هائی وارد میشود. تقویت و حفظ اساسی اسلام منوط به دادن اختیارات به دولت اسلامی است و این اعمال ولایت فقیه نیست اینها تمام احکام اولیه است. اگر حفظ اسلام بود فاع از آن متوقف به گرفتن اموال مردم باشد این حق برای دولت محفوظ است.

#### فرامین ولی فقیه در چهارچوب احکام شرعیه نیست

آیت الله ایزدی ( امام جمعه نجف آباد ) کیهان ۶۶/۱۰/۲۳

همچنانکه امام فرمودند حکومت از اهم احکام الهی است و هر چه احکام الهیه مقدم دارد که در زمان نبی اکرم (ص) قائم مختص آن بعد از آن حضرت قائم به اوصیاء آنحضرت و در زمان و مکانی که اوصیاء و نواب آنها دسترسی نیست با ولی فقیه است. اگر ما چنین برداشت کنیم که فرامین ولی فقیه در چهارچوب احکام شرعیه باشد این مشکلات امروز ما را حل نمی نماید و مسائل نیز به همان نحو سابق خواهد بود.

#### احکام ولی فقیه منطبق بر یکی از نوامیس شرعیه می باشند

این چنین نیست که اگر ولی فقیه تشخیص داد که مسجدی را خواب کنیم او را محسود و در آن چهارچوب تعارضی بلکه ریاست عامه او خود اصلی از قوانین دینی است و احکام او نیز جز احکام شرع است و آنچه که ولی امر اجازه میدهد بعد از بررسی و توجه به عمق آن منطبق بر یکی از نوامیس شرعیه میباشد و هرگز دستور او خارج از نوامیس شرعیه نخواهد بود.

### ۳ احکام حکومتی از احکام اولیه است

آیت الله طاهری ۶۶/۱۱/۴  
امام در تحریر می گویند: احکام حکومتی از احکام اولیه اسلام است. نه احکام ثانویه که چند نفر که فقه خوانده اند بنشینند و قوانین را رد کنند و بگویند این با اسلام سازگار نیست.

### ولایت مطلقه فقیه بر نفسها و جانها

سید علی عوضی زاده ( نماینده شیروان ) کیهان ۶۶/۱۱/۱

امت غیر وفرو فرزند ان اصیل انقلاب کسسه زبردست امام بزرگوارشان تربیت یافته و پیام امام در رابطه با حکومت و ولایت مطلقه الهی را شنیده و پذیرفته اند نه به عنوان شعار بلکه به عنوان ولایت مطلقه فقیه بر نفسها و جانهایشان قبول کرده اند.

### اختیارات حکومت در چهارچوب ضوابط شرعیه نیست

حجت الاسلام نورمفیدی ( امام جمعه گرگان ) کیهان ۶۶/۱۰/۲۰

خیلی از کارها شبیه در این جامعه مسا انجام میگیرد برخلاف ضوابط و مقررات اولیه شرعیه است مثلا جلوگیری از مواد مخدر

... اگر ولی فقیه که از طرف ائمه معصومین دارای مقام ولایت است حکم دستوری داد بر همه افراد و اقتدار حقیقی سایر مجتهدین حکم شایسته است. ( آیت الله منتظری )

... اگر بنا باشد حکومت اسلامی اختیاراتش فقط در چهارچوب ضوابط شرعیه باشد پس چرا شما جلوی مواد مخدر را گرفته اید.

### حکومت حل کننده تزاخه بین حق قدرت و جامعه است

بیشترین قسمت آن ( اختیارات حکومت ) در تزاخه بین حق فرد و حق جامعه و مصلحت جامعه است.

### فقیه اختیارات ائمه معصومین را دارد

آیت الله مشکینی کیهان ۶۶/۱۰/۲۸

ولایت يك ولایت علی است که باید ثابت شود وحدت و دشمنی نیاز جامعه است. ما معین نمی دانیم که همان ولایت است اختیارات ائمه معصومین برای فقهای واجد شرایط باشد. ولایت امام از احکام اولیه و از اهم احکام است.

### احکام فقه حکم ثانویه است

ولی فقیه اهم و مهم را ملاحظه می کند، اضرار را ملاحظه می کند و حکم می دهد. احکامی که از فقه صادر میشود راجع به احکام ثانویه بحساب می آید. همانطور که ضرر بقیه در صفحه ۱۸



# اخبار جنگ اسلام و کفر



## سه نظریه در مورد حضور آمریکا در خلیج

مقاله ای تحت عنوان "حضور آمریکا در خلیج فارس قابل تحمّل نیست". کیهان ۶۶/۱۱/۸

۱ - عده ای حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس را به لحاظ ژئواستراتژیکی ضروری خنثی است پس لزومی نمی بینند غیر از اسکورت نفت کشتیها و صادرات دیگری برای این نیروها قائل شوند و میگویند هرگاه جنگ نفت کشتیها فروکش کرد هزینه سنگین مالی موجب خروج آمریکا آنها از منطقه خواهد شد.

۲ - عده ای دیگر حضور آمریکا در منطقه خلیج فارس موضوع جدی وجدی نیست آمریکا آنها را قبل هم در خلیج فارس حضور داشته اند هفده، هیجده سال پیش که انگلستان مجبور شد جنوب خلیج فارس را تخلیه نماید، آمریکا با برپایی چند پایگاه و استقرار عده ای نیرو و تعدادی ناو جنگی جای خالی زاپهر کرد. و در ماههای اخیر تنها به تقویت پایگاههای خود دست زده و امری مقطعی و کوتاه مدت است نه تحولی استراتژیک و طولانی مدت.

۳ - عقیده ثالث نیز وجود دارد که می گوید آمریکا در منطقه بر مبنای استراتژی جدیدی عمل می کند و حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس نقطه عطفی برای تحقق این استراتژی و کنترل روند تحولات سیاسی منطقه بحساب می آید. آمریکایی ها علیه رژیم تجارب تلخ و پشیمان، و برخلاف دکترینی که توصیه میکرد اقدامات آمریکا در بیرون مرزهاش غیر نظامی باشد تنها راه موثر و سریع برای کنترل امور جاری منطقه را در حضور نظامی خود یافته اند و اسکورت چند کشتی حامل نفت هم تنها سناریوی جهت پوشانیدن اغراض اصلی بوده است.

دو نظریه اول توجه حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس احتیاجی به انگیزه های پیچیده ندارد و خطری بیش از آنچه تاکنون

پیش آمده بوجود نخواهد آمد. حقیقت این است که جهت گیری کلیه فعالیتها بر نامه های ناشی از استراتژی جدید آمریکا ضد انقلاب اسلامی و علیه نظام جمهوری اسلامی میباشد. و نفس حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس که حیات خلوت و معبارتی فضای تنفسی ایران است بشدت مخاطره آمیز است گرچه بنا بر شواهد موجود هم اکنون همکاری نظامی و اطلاعاتی میان همین نیروها و رژیم بعث عراق وجود دارد. استراتژی جدید آمریکا برای مینا تنظیم شده است که ایران تنها قدرت تصمیم گیرنده خلیج فارس نباشد.

"آمریکا برای خروج نیروهایش از خلیج فارس سه مساله مهم را مد نظر میگیرد"

- ۱ - انقلاب اسلامی درون مرزهای ایران باقی بماند.
  - ۲ - خلیج فارس و تنگه هرمز اهمیت استراتژیک جهانی خود را در تمامین انرژی نفت و بهر گالا از دست ندهد و به صادرات بازرگانی زمینی جایگزین در بمانی شود.
  - ۳ - روسها نتوانند جای پای محکمی در آبهای گرم خلیج فارس بیابند.
- آمریکا تنها به تنها عقب نخواهند نشست که در فکر استقرار پایگاههای بزرگ ترو و عظیتری در جنوب خلیج فارس هستند. آمریکا تا بر اثر فشارهای سیاسی روانی، بگونه ای روز افزون مجبور نشود منطقه را ترک نم کند.

### کیهان ۶۶/۱۰/۲۷

مدتی است که آمریکا به خلیج فارس آمده و کشور و انقلاب ما را تحت شعاع قرار داده و از مسائل نظامی ما اطلاعات به عراق میدهد و در جنگ ایران و عراق دخالت میکند حال عده ای در چنین موقعیتی در کشور اعلام میکنند، این نقطه عطفی است و می گویند که آمریکا از قبل هم در خلیج فارس بوده و تا زمانی که علیه ما اقدامی نمی کند ما هم نباید کاری انجام بدیم این همان چیزی است که با روحیه ضد آمریکائی کسه همیشه حاکم در جامعه ما بوده سازگار نیست و در تفکر سیاسی که به عنوان سیاست خارجی ما باشد هماهنگی نیست.

### گسترش پایگاههای آمریکا در خلیج

نشریه آمریکائی کریشن سائس ما  
نشر کیهان ۶۶/۱۰/۳۰

۱ - آمریکا ساخت شبکه ای وسیع از بنادر، باند های پرواز و انبار مهمات در خلیج فارس را پس از ۶ سال فعالیت بی سروصدا به پایان رساند. این شبکه یک میلیارد دلاری آمریکا را قادر به حمایت از نیروهایش در یک درگیری گسترده احتمالی در خلیج فارس خواهد ساخت.

یک مقام آمریکایی میگوید: چند ماهی است که هواپیماها به طبیعت تجسمی دارند نیز از این فرودگاهها انجام میشود.

مجموعه دریائی هوائی آمریکا در عمان بهترین بخش این شبکه است و کشورهای سومالی - کنیا - بحرین و مغرب و پرتغال نیز تاسیساتی در اختیار وزارت دفاع آمریکا قرار دادند.

به گفته ژنرال پاتی رئیس لجستیک فرماندهی مرکزی در خلیج فارس: در ماههای آینده دسترسی آمریکا به تاسیسات موجود در منطقه آسانتر میشود زیرا افزایش قدرت ایران کشورهای محافظه کار منطقه را به همکاری بیشتر با آمریکا متقاعد خواهد ساخت.

## شرح عملیات ظفر ۵

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی  
کیهان ۶۶/۱۰/۲۶



عملیات ظفر ۵ یکی از حساس ترین نقطه های خاک عراق و درهق ۲۰۰ کیلو متری این کشور بود رزید یکی مهمترین منابع حیاتی عراق آغاز شده است. آنجا که لوله های نفت عراق و همچنین جاده حیاتی عراق از نزدیکی آن عبور می کند. عملیات

"آیاتا زمانی که آمریکا علیه ما اقدامی نمکند ما هم نباید کاری انجام بدیم!"  
یکی از دانشجویان پیرو خط امام (و عضو دفتر تحکیم وحدت) در گرد همائی دانشجویان و اساتید دانشگاه فردوسی مشهد.

بگونه ای خیره کننده، ضعف و بی انضباطی ارتش عراق را نشان داده و رزمندگان ما در آنجا نیروی زیادی بکار نگرفتند. ولی یک شهر ۲۰ هزار نفری را خیلی آسان تصرف کردند و آن چیزهایی را که میخواستند از شهرها برداشتند و جاده ها و ارتفاعات را گرفتند. در این عملیات هزاران تن از نیروهای جاش و ارتش با اصطلاح خلایق عراق بهلاکت رسیدند و نیروهای اسلام غنائم زیادی گرفتند و نشان دادند که عراق در این نقطه چقدر آسیب پذیر است. عراق هم اکنون در دهوک که آخرین استان شمال عراق است تا فاو، در معرض تهاجم نیروهای ما است.

### سخنگوی حزب دمکرات کردستان عراق

کیهان ۶۶/۱۰/۲۴

جهت گیری کلیه فعالیتها و برنامه های ناشی از استراتژی جدید آمریکا ضد انقلاب اسلامی و علیه نظام جمهوری اسلامی می باشد. استراتژی جدید آمریکا بر این مینا تنظیم شده است که ایران تنها قدرت تصمیم گیرنده خلیج فارس نباشد.

انچه دشمن را ترضی به شرارت میکند احتمال بروز سستی در ماست اگر چنان چه برای از خود نشان دهیم که روشن باشد که ما تا افسر استفاده ایم همه چیز تمام میشود.

اظهار داشت که گروه او به همه شرکت های خارجی حمل و نقل که از جاده ترانزیتی ترکیه عراق عبور میکنند اخطار کرد که این جاده یک هدف مشروع نظامی به شمار می آید و از عبور و مرور رجا ده مذکور خودداری کنند.

### "اعلام تجاوز نخستین گام"

آیت الله منتظری کیهان ۶۶/۱۲/۱۱

کسانی که از مصلح با صدام را میخواهند اگر ابتدا تجاوز را اعلام و اورا محکوم من کردند، مشکل اول صلح حل می شد زیرا در این صورت دنیا خود میداند که با تجاوز چه باید کرد.

حجت الاسلام خامنه ای. کیهان ۶۶/۱۲/۱۱

نخستین گام در هر گونه راه حل سیاسی برای جنگ تحمیلی اعلام رژیم عراق بعنوان تجاوز است در ضمن صورت ما در این اعتقاد راسخ ترمشومیم که تنها راه حل جنگ تحمیلی راه حل نظامی است.

بقیه در صفحه ۲۱

بر این جمله تاکید دارم که سر نوشت جنگ ابرادان و خواهران ما در دست خواهند داد نه مجامع و محافل بین المللی





# ریشه یابی نارسائی مادر اسلام آمریکائی

چندی پیش یکی از اعضای دفتر تحکیم وحدت سخنرانی ای در دانشکده علوم پزشکی ایراد نمود که به دلیل اهمیت موضوع مضمون آنرا که در باره " دانشجو و انقلاب اسلامی " است ذیلاً می آوریم .  
(تیر بندهی از راه مجاهد است)  
علت پیروزی انقلاب  
با وجود نیروهای چپ زده مثل مارکسیستها و نیروهای راست مثل اسلام حنثیه و بخشی از حوزه علمیه قم ، علت پیروزی انقلاب چه بود؟ به نظر من تن دادن مردم به رهبری واحد امام خمینی عامل پیروزی بود که مانع جند دستگی مردم گردید .

## ریشه یابی نارسائیهی ذوالاسلام امریکایی

چرا یکسری ضعفها که معلول جنگ نبوده بلکه معلول بینشهاست هنوز باقی مانده و حل نشده است؟ علت آن این است که سبلی خورده های انقلاب ، تفکر اسلامی خود را در نظام جمهوری اسلامی قالب کرده اند که غیر ارتفکر امام است این تفکرات در احراشات مملکت به عمل در آمده است تفکری که بین فقیر و غنی حنکی قائل نیست . این تفکر با اسلام اصیل فاطمی شده و مانع حل مشکلات گردیده است . ارکان حکومتی جمهوری اسلامی عبارتند از : مردم امام ، دولت ، مجلس که دانشجو با هر چهار پایه ارتباط دارد تا نقش تأثیر گذارنده خود را از این طریق ایفا کند .

## رابطه امام و امت

می خواهیم رابطه امام و امت را از دیدگاه خود امام بررسی کنیم . آیا این رابطه از نظر امام یک نظام گله داری است ؟ از دیدگاه امام چنین تفکری درست نیست . وقتی امام برای مردم قدرت لایزال قائل است ، و آرزوی پاسدار بودن میکند ، چنین دیدگاهی با نظام گله داری مغایر بوده و برای مردم صلاحیت قائل میشود . امام عصاره جامعه است که بهترین تحلیل را دارد با این تعریف امام

به همه ارکان جامعه خط میدهد ولی در همه جا خودش مستقیماً وارد نمیشود . نقش دانشجو و مردم و تأثیر گذاری آنها مهم است ولی در مواردی که تخصصی است و دانشجو و مردم نمیتوانند کاری کنند مثلاً در مورد اصلاح قوه قضائیه خود امام مستقیماً وارد میشود .

## منشور برائت و لزوم پیگیری آن

منشور برائت امام خوابیده است دانشجو باید آنرا پیگیری کند . امام گفته است که ما ( دانشجویان ) جاده صاف کن ، قضیه هستیم . هر حکومتی غیر از امام تا به حال زیر فشار مشکلات یا سازش کرده بود و یا ساقط شده بود . ما باید این نظام را حفظ کنیم ولی توجیه گرتباشیم و انتقاد هم باشد . باید برای تمام تفکرات حتی غیر اسلامی نیز آزادی بیان قائل بود منتهی در حل مشکلات نظام و احرا ، به نظر امام توجه شود .

# لزوم مبارزه تشکیلاتی

خلاصه ای از جلسه پرسش و پاسخ  
حجه الاسلام سید هادی خامنه ای در جمع دانشجویان دانشگاه تهران :

## لزوم مبارزه تشکیلاتی

تشکیلات چیز خوبی است ، بزرگترین کارها را تشکیلات کوچک ولی منسجم قادر است انجام دهد که عده کثیر بی انجام قادر به انجام آن نیستند ، ولی خون خا طره خوبی از تشکیلات در ذهنها نیست و امام هم نسبت به تشکیلات نظر خوبی ندارند ، زیرا تشکیلات میتواند زمینه ای برای سوء استفاده عده اندکی فرصت طلب قرار بگیرد من هنوز جواب این سؤال را نیافته ام که آیا میتوانیم یک تشکیلات خوب داشته باشیم یا خیر؟ امام در چندین مورد با ضرب جمهوری اسلامی برخورد داشته اند ، آثار رهایی گرفته شده بود از شهرستانها که نشان میداد از میان آمده جمعی ای که اختلافات را بیشتر دان من میزدند اعضای حزب اکثریت را داشتند این آمار خدمت امام زسد ایشان هم گفتند یا باید ائمه جمعه باشند و یا عضو حزب همین برخورد ها موجب شد که آقای هاشمی و خامنه ای نزد امام رفته و گفتند که چه شده که به حزب کم لطف شده اید ، امام گفتند من به سران حزب کم لطف نشده ام ولی

حساب شما از حساب خود حزب جداست .  
امام و قانون اساسی  
اگر تضادی بین نظر امام و قانون اساسی باشد دیگر قانون اساسی قابل دفاع نیست در خود قانون اساسی آمده است که اگر یکی از موارد قانون با جنبه های شرعی مغایر باشد قابل اجرا نخواهد بود .

بخش خصوصی - بخش دولتی  
پیشنهاد من از مدتی پیش این بود که سمیناری از علما و صاحب نظران در باره " اقتصاد " گذاشته شود و هر دو جناح در آن شرکت کنند و گزارش آن در رادیو تلویزیون پخش شود ولی پیگیری زیادی میخواست که نتوانستیم ، امیدواریم شما دانشجویان موفق به تشکیل آن بشوید . بخش خصوصی اقتصاد را با بخش خصوصی آموزشی مثل دانشگاه آزاد و مدارس غیر انتفاعی و ... تفاوت دارد و آقای هاشمی دومی را تأیید میکند ، تفکر بنده در زمینه اقتصادی این است که بخش خصوصی نباید آنقدر میدان داشته باشد که عرصه را بر بخش دولتی و تعاونی تنگ کند . بخش خصوصی در حال حاضر کاغذ ، پروفیل ، نخ و غیره وارد میکند بخش خصوصی مد نظر امام همه مردم هستند نه عده ای خاص ، اگر میدان را با زیگزاریم و کنترلی نباشد ، پولدارها که قدرت خرید بیشتری دارند همه اجناس را انحصاری کرده و سرمایه های کوچک را نابود میکنند شرکت کشت و صنعت باید دست بخش خصوصی باشد منتهی سرمایه اش را بدست ۱۰۰ هزار نفر سپریم نه ۴ یا ۵ نفر سرمایه دار بزرگ در حال حاضر کشت و صنعت پسته در رفسنجان چنین است و سطح زندگی تمام رفسنجانیها بالا رفته است . فعالیت بخش خصوصی در تجارت خارجی طبق قانون اساسی ممنوع نیست زیرا اصل ۴۴ مشروط به ۴ قید است که ذیل اصل آمده است و بر طبق آن شرایط بخش خصوصی میتواند در تجارت خارجی فعالیت داشته باشد .

## تعریف التقاط

اولین بار این واژه در باره مجاهدین خلق بسال ۴۴ بکار رفت التقاط یعنی یک مجموعه از تفکرات را بدون آنکه انسجامی بین آنها باشد جمع کردن و به اسم اسلام قالب نمودن . یعنی باطل را با حق پوشاندن که " طبعاً " از نظیر شرع جرم است .  
آزادیهای سیاسی  
چندی پیش عده ای نزد آیه ا ... منتظری رفته و به ایشان میگویند که نمایندگان شما در دانشگاه گفته اند هر جلسه ای که دانشجویان در دانشگاه میگذارند باید با اجازه ما باشد . آیه ا ... منتظری عصبانی شدند و گفتند چنین چیزی نیست و من به نمایندگان در دانشگاه تذکر خواهم داد و بدنبالش این صحبتها را در رابطه با دکتر شریعتی کردند  
راه مجاهد :

۱- امیدواریم یاسی که از مبارزه تشکیلاتی در ذهن برخی از نیروهای سیاسی ایجاد شده است با اصلاحاتی که امام اخیراً آغاز کرده اند و از جمله تحول تشکیلاتی اخیر یعنی انشعاب روحانیون

مبارز از جامعه روحانیت مبارز به یک نقطه امید تبدیل گردد .  
۲- در مورد امام و قانون اساسی مطلب باید بیشتر مرز بندی شود و الاجامعه اسلامی متهم به دیکتاتوری و حاکمیت نظر فرد بر جامعه خواهد شد به عقیده ما چون در یک جامعه اسلامی ملاک و معیار محکم وثابت ، قرآن است و رهبری اسلامی طبق قرآن نظر و حکم میدهد لذا نظر رهبری متکی به قرآن هر جا با قانون اساسی تعارض پیدا کند ترجیح خواهد داشت .  
۳- در مورد تشکیل سمیناری از صاحب نظران راجع به مسائل اقتصادی مانیز از آن استقبال میکنیم و راه رسیدن به وحدت رویه و افکار نیز در جامعه ما برپایی چنین حرکتها یی است .



## بسیه اخبار ایدئولوژیک بخش از منجه ۱۷

و حرج واکراه و نذر و شرط و عهد و احکام را برمی دارد . " مقدمه الواجب بودن - حرمت شتمی را برمی دارد .

## " ولایت اصل بدیهی است "

ولایت حتماً باید باشد یکی عقل من گوید ، تاریخ نشان میدهد در هیچ کشور نبود که ولی نداشته باشد .

## " حکومت مبنای احکام اسلامی است "

نسج احکام اسلامی ضایع است و یافت احکام اسلامی روی مبنای جعل حکومت است و حکومت . و این است معنی حرف مدرس که فرمودند که سیاست ما این دیانت ماست . . . . شهادت هر باب از ابواب فقهی را برود بهمنند آنجا پای حکومت درین است یا شرط است یا مانع است و امثال اینها مثلاً " بهمنند از واجبات ما حج است . اگر حکومت نباشد حج درست نیست . این حج هائیکه قبل از من رفتم نم دانم چه بود ؟

## " حکومت حکم اولیه است و مقدم بر حقوق احکام است "

حجت الاسلام عیانی ( مسئول دفتر تبلیغات ۲۱/۱۰/۶۶

حکومت اسلامی جزو احکام اولیه است که بر دیگر احکام اولیه تقدم دارد . . . این تقدم از نوع تقدم احکام ثانویه بر احکام اولیه نیست بلکه تقدم بعض احکام اولیه بر بعض دیگر آنست .





# اتحاد نیروها در سرورزی نهضت ملی

قسمتهاش از سخنرانی حجت الاسلام میر عماد دادستان عمومی تهران در تاریخ ۲۸/۱۲/۶۶ قبل از خطبه های نماز جمعه به مناسبت سالگرد ملی شدن صنعت نفت :

... انفرادی را که در دوره اول در اقلیت بودند مردم دل به اینها بستند و اعتقاد پیدا کرد بودند که اینها بفتح ملت گام بر میدارند به آنها رای میدادند و صد و قهها در مسجدها سپهسالار جمع شد بود و بعد محافظین را که حفاظت این صند و قهها را به عهده داشتند یکی از افراد شهید خلیل طهماسبی بود نصفه های شب سرپا زها ریختند تمام این صند و قهها را به فرهنگستان یعنی وزارت ارشاد فعلی بردند. آنجا آرا شعارش گردید یک مرتبه هیچ يك از این افراد را که در اقلیت در دوره اول بودند از صند و قهها بیرون نیامدند جناب آقای دکتر مهدق وقتی که این وضع را مشاهده میکنند در باره محسن میشود و در زمان تحسن همانجا نطفه جبهه ملی منعقد میشود. گرچه مهدق به هژیر که نخست وزیر وقت بود است گفت: هژیر تو اجیره هستی نه هژیر صد ایش به جایی نمی رسد، تا اینکه فدائیان اسلام دست به اسلحه میزنند آقای هژیر دست سید حسین امامی اعدام انقلابی میشود به محض اینکه هژیر به ترک فرستاده میشود در باره عقب نشینی میکند. یک مرتبه میاید انتخابات دوره اول ۱۶ راباطال اعلام میکند. یک پیروزی اینجاست میاید انتخابات در دوره دوم و در ۱۶ شروع میشود در این انتخابات برادران فدائیان اسلام و روحانیون سخت فعالیت کردند و آنها را که میخواستند به مجلس راه پیدا کنند: راه پیدا میکنند و لذت اینجاست می رسیم که آیت الله طالقانی سر قهر بر محمد مهدق در ۱۴ اسفند ۵۷ داد میزند که فدائیان اسلام باید اعدام انقلابی نمایندگان ملت را به مجلس فرستادند. این حرف آیت الله طالقانی است آقایان به مجلس راه پیدا میکنند.

فال بنام آورده شد سپهبد رزم آرا که عالیترین مقام ارتش بود است به نخست وزیر منصوب می شود. سپهبد رزم آرا وقتی که به نخست وزیر منصوب می شود می گوید: من مسجدها بر سر آیت الله کاشانی و مجلس را بر سر مهدق خراب می کنم و فدائیان اسلام را به جوخه اعدام می فرستم و می آمم قرارداد انگلیس را تمدید میکنم

در ۲۳ اسفند رهبر فدائیان اسلام برای تک تک نمایندگان وقت نامه ای با قلم قرمز نوشته بوده است و نوشت اگر نفت ملی نشود سرنوشت شومی در انتظار تک تک شما نمایندگان خواهد بود.

... خلاصه رزم آرا با اینکه آیت الله کاشانی مخالفت کرد مهدق مخالفت کرد در عین حال از ۱۰ نماینده حاضر در مجلس ۹۹ رای آوردند و نخست وزیر شد به محض اینکه دست مهدق که این اطلاع را در جلسه علنی مجلس قرائت کن که هم ملت ایران بفهمند. این اطلاعیه مضمونش این بوده است که من به تبعیت از ملت ایران حاضر نیستم که حکومت رزم آرا را بپذیرم و با این حکومت مخالفت میکنم. حکومتی که دست نشاندۀ ابرق در تهاست. و بعد معاصیه تشکیل میدهد آیت الله کاشانی در آن معاصیه مخالفت خودش را با این حکومت اعلام میدارد و بعد هم میفرماید که دولت را که میخواهد از آن شرکت ننگین وام بگیرد این برخلاف قانون اساسی است. اینرا بر ملا می کند و خلاصه اینکه رزم آرا در ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ بدست استاد خلیسلی طهماسبی اعدام انقلابی میشود. و اینکه جلسه ای فدائیان اسلام با دکتر مهدق و آیت الله کاشانی گرفته بودند در آن جلسه گفتند این سد راه شده است و نمی گذارد خواسته ملت اجرا شود و رهبر فدائیان اسلام گفت آیشما قول میدید اگر دولت وقت را در اختیار گرفته اید احکام اسلامی را اجرا کنید مهدق گفت مانعی ندارد. من این سد را برخواهم داشت و در ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ او اعدام میشود.

بود است و بنظر میرسد او از طرف آمریکا ماموریت داشت که مبارزه نفت از طریق رزم آرا و انگلیس طبق اصل تنصیف حل شود تا آنجا که ما میدانیم مهدق اصراری روی این ترورند داشته است.

وحدت اصولی آیت الله کاشانی، محمد مصدق و فدائیان اسلام علت ملی شدن صنعت نفت

... در میدان بهارستان مستنگی برپا میشود. نماینده آیت الله کاشانی و فدائیان

... خلاصه اینکه برای ملی شدن صنعت نفت همه نیروها دست اندر کار بودند و من بوده اند و من نمی خواهم زحمات آن افرادی را که در این باره کشیده اند نادیده بگیرم. امانت نامه به عنوان یک روحانی مشاهده می کنیم مسئله ملی شدن صنعت نفت را به یک سو سوق دهند و در رسانه های گروهی هم اعلام کنند. آنها را که تاثیرات مثبت و خالص داشتند آنها را نادیده گرفته شوند و یا از کار آنها زود بگذرد بنابراین بازحمت و رهبری آیت الله کاشانی بعنوان یک روحانی مقتدر و با زحمات فدائیان اسلام در تحت رهبری سید محتسب نواب صفوی بعنوان یک روحانی متعهد و اقدام خوب آقای دکتر مهدق در مجلس دست

اسلام در آنوقت زیادی را می گیرد و آنجا اعلام میدارد هر یک از نمایندگان اگر به ملی شدن نفت رای ندهند سرنوشت آنها سرنوشت بدی خواهد بود و به سرنوشت رزم آرا در چارخواهند شد. در روزنامه فدائیان امروز با تیترو رشت نوشته بود رزم آرا به جهنم رفت و سایر خائنین بد نبال او رهسپار خواهند شد. خود رهبر فدائیان اسلام هم یک اطلاعیه داد بود: این پسر پهلوی و سایر کارگردانان خیانت کار باید بد انداختند و سایر خائیر ملی از آن ملت ایران است اجازه نخوریم داد که جانب آنها را به یغما ببرند. اسفند شهید واحدی که یکی از روحانیون معظم بود به رزم آرا اعلام میکند رزم آرا برو پاروانهات می گیم. در ۱۱ اسفند این اعلام را می نماید و در ۲۳ اسفند رهبر فدائیان اسلام بعنوان یک روحانی برای تک تک نمایندگان وقت نامه ای با قلم قرمز نوشته بود است و نوشت اگر نفت ملی نشود سرنوشت شومی در انتظار تک تک شما نمایندگان خواهد بود و خلاصه اینکه باز به یاد آیت الله طالقانی در ۱۴ اسفند ۵۷ در سر قهر مهدق این حرف

را هم اعلام کرده است. آنها یعنی فدائیان اسلام تحت رهبری یک روحانی معظم بنام آیت الله کاشانی با اقدام انقلابی دوم نفت را ملی ساختند. این حرف آیت الله طالقانی بود.

راه مجاهد: در دوران که دفاع از مهدق کاملاً رایج و مورد توجه بود و صحبتی از آیت الله کاشانی و فدائیان اسلام نبود آیت الله طالقانی در جمع طرفداران مهدق به تکریم فدائیان اسلام میبرد از و تابع جونی می شود و حق را داد می کند و امروز هم ما به چنین انصافها و شجاعتها بیسی نیاز داریم تا از تحریف حقایق و تاریخ جلوگیری شود.

... خلاصه اینکه برای ملی شدن صنعت نفت همه نیروها دست اندر کار بودند و من نمی خواهم زحمات آن افرادی را که در این باره کشیده اند نادیده بگیرم. امانت نامه به عنوان یک روحانی مشاهده می کنیم مسئله ملی شدن صنعت نفت را به یک سو سوق دهند و در رسانه های گروهی هم اعلام کنند. آنها را که تاثیرات مثبت و خالص داشتند آنها را نادیده گرفته شوند و یا از کار آنها زود بگذرد بنابراین بازحمت و رهبری آیت الله کاشانی بعنوان یک روحانی مقتدر و با زحمات فدائیان اسلام در تحت رهبری سید محتسب نواب صفوی بعنوان یک روحانی متعهد و اقدام خوب آقای دکتر مهدق در مجلس دست

وقتی پیروزی حلبچه در سایه اتحاد دبا مریزین کرد (بآن سوابقشان) بدست می آید، آیا اگر با نیروهای اصلی تردد داخل کشورمان ایجاد الفت و راهی است شگفت آوری بسیار خواهد آورد؟

به دست هم داده شده است و صنعت نفت ملی اعلام گشت.

راه مجاهد: بنظر میرسد که منظور از ستان از چنین تحلیلی این است که حالا هم در سایه اتحاد نیروها میتوان پیروزی در جبهه ها و سایر جاها بدست آورد. وقتی پیروزی حلبچه در سایه اتحاد با مریزین کرد (بآن سوابقشان) بدست می آید آیا اگر با نیروهای اصلی تردد داخل کشورمان ایجاد الفت و راهی است شگفت آوری بسیار خواهد آورد؟

راه مجاهد: از مجموعه قرائن و شواهد بنظر میرسد که اصرار روی ترور رزم آرا از جانب دکتر شایگان





### بررسی نظرات حجت الاسلام فلسفی

## سخنرانی پیش از خطبه های نماز جمعه

قسمتهایی از سخنرانی آقای فلسفی در نماز جمعه ۱۲ فروردین ماه ۱۳۶۷

وفاداری به اسلام و جمهوری اسلام

... رأیی که روز ۱۲ فروردین ۵۸ در صندوق انداختند بنام جمهوری اسلامی آن رای الان مرتبط است با رای که جمعه آینده می اندازید در صندوق و این هفته، هفتده امتحان شماست... امتحانی که می گوئیم این است که رای جمعه این هفت مخالف رای جمعه ۱۲ فروردین نباشد، یعنی به کسی رای بدید که قطعاً مسلمان، باایمان علاقمند به جمهوری اسلامی ایران، علاقمند به پیغمبر، علاقمند به امیرالمومنین، علاقمند به مذهب جعفری و خلاصه علاقمند به اسلام باشد. اگر به آن افراد علاقمند واقعی رای دادید، رای تان مطابق با رای ۱۲ فروردین و جمهوری اسلامی است، اما اگر برخلاف رای دادید مقید به این افراد نبودید، یا لا به شرط بودید، یا مخصوصاً بی دین انتخاب کردید، آنوقت پیغمبر به شما می گوید اگر توم می خواستی برضد من نمایند، به مجلس بفرستی چرا ۱۲ فروردین ۵۸ به جمهوری اسلامی رای دادید... امیرالمومنین می فرماید، جقدر تمییز است، جقدر ررگیه است، جقدر رشوم آواراست جقدر بی حیایی است که در روز احتیاج انسان دست به دامن اسلام بیاندازد، در پی پیغمبر بگردد، در وراسلام وقرآن بگردد، اظهار علاقه کند ولی به محض اینکه جمهوری تثبیت شد از روی وگایی، بی صفایی، جفا و خیانت وارد شود...

راه مجاهد:

همانطور که آقای فلسفی می گویند، رای مایه نمایندگان مجلس باید مطابق با آرمانهای جمهوری اسلامی باشد. در ۱۲ فروردین ۵۸ جمهوری اسلامی ایران با آرمانهای مثل: آزادی، استقلال، آزادی بیان و قلم مبارزه با پاپیگاههای ساواک و رژیم سابق، مخالفت با شکجه، برقراری عدالت در جامعه، آزادی قدس و... پاکرقت و از برای ملت ما گذشت در این دوره نیز باید نمایندگانی رای مجلس فرستاد که در جهت تحکیم همین خط مشی حرکت کنند. اما سؤال اینجاست که آیا آقای فلسفی خودشان در این زمینه جقدر فعال بوده اند و یا اساساً جناحی که مورد تأیید و حمایت ایشان است، با توجه به خط مشی ذکر شده، وفادار به جمهوری اسلامی هستند؟

به دشمن پیغمبر رای ندید

... خدا به شما عظمت داده انقلاب اسلامی شما را آفا کرده، به دشمنان اسلام نق بزنید. حالا یک عده ای ممکن است، نادان بی خرد، بی فهم، بی توجه، هفته آینده که

میخواهند بمرود پای صندوق رای می گوید من به بی دینان رای میدهم، به خدا سلام رای میدهم من به شرط لای اسلام رای میدهم. اگر این باشد، وای بر او، وای بر او... . . .

راه مجاهد:

دلیلی ندا رد که عدالت را بحساب لنین بنویسیم و طرفداری از سرمایه دار را به پای اسلام بگذاریم نمایندگانی در مجلس هستند که معتقدند اسلام موافق مالکیت بی حد و حصر است آیا میتوان گفت که آنها زبان حالشان این است که باید افکار "راکفلر" را پیاده کرد؟

آمام رادیدی که جقدر در اعلامیه تکیه کرده است به امر دین؟ متدین باشد. و گویی که متدین نیست در بیرون مجلس، جطور می تواند در داخل مجلس از اسلام دفاع کند و از جمهوری اسلامی دفاع کند؟ چشمت را باز کن حرف امروز من، تکیه گاه سخن من، امروز در یک کلمه است، و آن کلمه این است: نمایند، حتماً "قطعا"، "جزماً" علاقمند به اسلام و علاقمند به جمهوری اسلامی باشد... برادر، خواهر انتخابات رفاقت بردار نیست. دینت رابه رفاقت نفروشی، مذهب رابه رفاقت نفروشی مباد از دشمن پیغمبر رابه عنوان رفاقت بفرستی در سنگرمجلس و دین خدا را مسخره کند، چون از این قبیل افراد هستند. خدا در قرآن و در باره منافقین می گوید: "واذ القوالذین آمنوا قالوا آمنا واذ اخلوا الی شیاطینهم قالوا انما معکم انما نحن مستهزؤن" یک عده ای هستند وقتی به مومنین می رسند می گویند ایمان دارند وقتی به رفقای خائن خود می رسند می گویند ما مسلمانان را مسخره می کنیم، یکبار با دست تو این قماش مردم نروند به مجلس، خیلی بیدار باش، لیستهای رخیابان زیاد است، از سالا تا پائین اگر توانستی به تمام عده افراد مورد اعتماد بشناسی، به تمام عده نمایند، تهران رای بده، اگر نتوانستی دوتا سه تا، ده تا کم، بگو یا رسول الله من توانستم ۱۵ تا آدم مورد اطمینان پیدا کنم، دیگر نتوانستم، پیغمبر می گوید آخرین برتو. به مشکوکهای رای ندید، به افراد مردم رای ندید، شب اول قبر خود عذاب قبر برای خود فخر. بانیش قلمت برضد پیغمبر ننویس... . . .

راه مجاهد: آقای فلسفی با این سخنان اولاً شورای نگهبان و مسئولین اجرایی انتخابات را زیر سؤال برده است. مگر ایشان در نظارت و تشخیص صلاحیت کاندیدها از سوی شورای نگهبان شك دارند؟ اهل بر این است که افراد متدین و معتقد و معتقد به جمهوری اسلامی تأیید بشوند و شورای نگهبان بر این امر نظارت دارد لذا باید با توجه به خط مشی انقلاب اسلامی بین کاندیدهای خوبی و بهتر، بهتر را انتخاب کرد که در امر تحقیق احکام اسلام، تسریع شود. این حرف در حقیقت توهین به شورای نگهبان است که کاندیدهای ضد اسلام، ضد دین، ضد پیغمبر... از تصویبشان گذشته است ۱۱۱۱ ثانیاً اگر از نظرایشان بعضی کاندیدها مشکوکند و منافقانه عمل می کنند، آقای فلسفی می بایست همان کراسم از اینگونه کاندیدها یاد می کردند تا تمامی کاندیدهای نمایندگی این دوره مجلس در آن همان مردم زیر سؤال نروند.

عده ای از نمایندگان افکار لنین را می خواستند... امام طلبی که لا زم است بگویم، بخصوص برای آن گروه مستضعف. آن مطالب این است در مجلس شورای گذشته، خوب این زمزمه، خوب من لغت مؤدب می گویم، زمزمه که توانین اسلام دست و پا تانویگذار را آزاد نگذاشته، یک کسی یک میلیون متر زمین دارد یک کسی ۵۰ متر زمین ندارد زن و بچه اش توی آن مسکن کنند، قانون اسلام هم اجازه نمی دهد، شورای نگهبان هم اگر مجلس تانسون بگذارد، رد می کند. آنوقت زبان حالشان این بود که باید از توانین کمونیستی و انگکار لنین استفاده کرد، یک حرفهایی اینجوری بود. این یک مشکل بود. گاهی هم بعضی از آقایان می آمدند و می گفتند باید مسئله اقتصاد حل شود و گله مندی بین مجلس و شورای نگهبان پیدا شد، مسئله ولایت فقیه در متن قانون اساسی ماست. در باب ولایت فقیه به خودتان بگویم، فتوای علما و مجتهدین بزرگ از زمان شیخ مفید و شیخ طوسی تا الان در باب ولایت فقیه و درجه ولایت فقیه متفاوت است ولی امام، مرجع تقلید، مجتهد بزرگوار رهبران انقلاب با قاطعیت فتواد داده اینک فقیه دارای ولایت مطلقه است بجای امام عصر. آنچه را که مصلحت مملکت ایجاب می کند به عنوان اولی قانون وضع می کند یعنی چی؟ یعنی دیگه گدایی از در خانه لنین تمام شد، دیگه گدایی کردن از اتحاد جماهیر شوروی تمام شد. دیگر نقی در اطراف اقتصاد اسلامی تمام شد. الان امام فتواد داد ولایت فقیه را - معنی اش ایست. ملت ایران به موجب فتوایی که امام داده است اگر مصلحت مملکت ایجاب کند املاک بزرگ را بگیرند و بین مردم تقسیم کنند این احتیاج به قانون لنین ندارد، قانون اسلام این را اداره میکند... مباد این دین را انتخاب کنند به خیال اینکه بیایند نسبت به فقر آتش و صلوات بدهند، نه. آتش و صلوات خود اسلامی دهد آتش و صلوات فتوای فقیه میدهد، آتش و صلوات ولایت فقیه طبق فتوای امام داده، همه را اداره میکند. این جنگ به خواست خدا تمام بشود. خواهید دید پول مملکت در این مملکت آنقدر مردم را اداره میکند که بهترین وجه است... . . .

راه مجاهد: این يك سنت قدیمی است که هر وقت کسی از عدالت سخن می گوید، به گتتمت کمونیست و پیروی از افکار لنین زد، میشود. نمایندگانی که در سوز مستضعفین هستند سالها استخوان خرد کرده اند و اصلاً برداشت آنها از اسلام این است که عدالت را بحساب است. دلیلی ندا رد که عدالت را بحساب لنین بنویسیم و طرفداری از سرمایه دار پای اسلام بگذاریم. نمایندگانی در مجلس هستند که معتقدند اسلام موافق مالکیت بی حد و حصر است. آیا می توان گفت که آنها زبان حالشان این است که باید افکار "راکفلر" را پیاده کرد؟

مطلب دیگر اینک برداشت، آقای فلسفی از سخنان امام، بر اساس نهضت خودشان است چرا که ولایت همه جانبه فقیه را مترادف با اندیشه لنین گرفته است. یعنی دیگر نیازی به افکار لنین نیست، بلکه تحت لوای ولایت مطلقه فقیه به آنها عمل می کنیم. ایشان بعضی از نمایندگان را کمونیست توصیف کرده است. این امر ضربه نمایندگان و مجلس شورای اسلامی است و در حقیقت جمهوری اسلامی را بی اعتبار کرده است.

راه مجاهد: در ۱۲ فروردین ۵۸ جمهوری اسلامی ایران آرمانهای مثل استقلال - آزادی، آزادی بیان و قلم - مبارزه با پاپیگاههای ساواک و رژیم سابق، مخالفت با شکجه - برقراری عدالت در جامعه، آزادی قدس و... پاکرقت... سؤال اینست که آیا آقای فلسفی خودشان در این زمینه جقدر فعال بوده اند و یا اساساً جناحی که مورد تأیید و حمایت ایشان است با توجه به خط مشی ذکر شده وفادار به جمهوری اسلامی هستند؟

همانطور که بارها گفته ام مردم در انتخابات آزادند و احتیاج به قسیم ندارند امام خطیبی





مهندس موسوی • ۶۶/۱۲/۱۳

کسانی که از صلح سخن میگویند اول - تجاوز را محکوم کنند و ترتیب تنبیه متجاوز را بدست دهند مسئله جنگ حلده میشود وگرنه جنگ نامجازات صدام ادامه خواهد داشت .

محسن رفیق دوست "کهنان ۶۶/۱۲/۱۰"

شرایط آتش بس اعلام متجاوز - تنبیه متجاوز و دادن حقوق ملت ایران است . . . . . نامزانی که شرایط ایران پذیرفته نشود دست از حمله بر علیه رژیم رو به زوال صدام بر نخواهند داشت . . . . . این جنگ در - جنبه خاتمه خواهد یافت .

"انگیزه رژیم عراق از آغاز جنگ شهرها"

ستاد تبلیغات جنگ

این نوبت نیز برنامه حمله به مناطق

مسکونی از سوی قدرتها جهانی به رژیم عراق دیکته شده است زیرا از یک سواوضاع منطقه خاورمیانه صهیونیسم و امپریالیسم در موقعیت ناساعدی قرار داده است و قسام اسلامی مردم فلسطین دارد مرحله نویسی شده و دامنه این حرکت مرزها را در رنوردیده و در صدر مسائل جهانی قرار گرفته است لذا برای هامیان اسرائیل انحراف افکار عمومی جهانی از کشتار بی رحمانه مردم فلسطین به نقطه دیگری ضرورت غیر قابل تردید بود از سوی دیگر آستانه مطرح شدن پیش نویس قطعنامه تحریم تسلیحاتی علیه اسرائیل و تلاش قدرتها جهانی برای تحت فشار قرار دادن ایران ، رژیم عراق نیز هماهنگی با این قدرتها حمله به مناطق مسکونی ایران را آغاز کرده سفر مشکوک هفته گذشته هیات های آمریکایی و انگلیسی به بغداد نیز در راستای هماهنگی و تحقق جنایت جدید حکام بغداد قابل تفسیر است .

مهندس حجت معاون وزیر فرهنگ و آموزش عالی • ۶۶/۲/۱

آنچه دشمن را ترغیب به شرارت میکند

احتمال بروز سستی در راستا اگرچنان چهره ای از خود نشان دهد هم که روشن باشد که مانا آخر استاده ام همه چیز تمام میشود عمن آن اگر توهم زره ای سستی در ما وجود نداشت آمریکا اصلاً فکر آمدن به خلیج فارس را نمی کرد آمریکا این توهم را - دارد که با ایجاد ترس در مردم میتواند به اهداف خود برسد .

### اخبار خرد نیایی

نخستین "لندینگ کرافت" ساخت صنایع دریایی وزارت سپاه در بندر عباس به آب انداخته شد این شناور با ۱۲۰ تن وزن قادر است انواع خودرو ، تانک و سایر سنگین نظامی ، بار و آب رانان ۱۲۰ تن با قدرت ۴۳۰ اسب حمل کند .

این قایق ۳۸ متر طول و ۷/۵ متر عرض و ۸ متر ارتفاع دارد و ۱۲۰ سلیمون ربال هزنه شده .

کهنان ۶۶/۱۲/۴

۲ - نخستین هواپیمایه دست برادران متفکر ، متخصص و متعهد در صنایع هواپیما

سپاه پاسداران ساخته شد و در تاریخ ۶۶/۱۲/۳ به پرواز درآمد و سرفروند آن ۵۰۰ هزار دلار صرفه جویی ارزی دارد و میتوان علاوه بر کاربرد نظامی آن بانصب سلاحهای سبک نیازهای جنبه ها را بر طرف کرد .

کهنان ۶۶/۱۲/۳

۳ - پژوهشگران نوآور جهاد دانشگاهی دانشکده علوم پایه دانشگاه مازندران با یک ترکیب شیمیایی قلم منور ساختند که در جنبه های نبرد کاربرد دارد . می توان در جهت شناسایی محوره ای عملیاتی و روشنائی سنگرها استفاده کرد . که نور حاصله از آن میتواند تا ده ساعت قابل دوام باشد .

کهنان ۶۶/۱۲/۱۰

۴ - دستگاه ذوب مواد منفجره توسط یکی از جانبازان انقلاب اسلامی ساخته شد . کاربرد دستگاه ذوب مواد منفجره پر کردن قالبهای مهمات از قبیل اژدر - انواع توپ و خمپاره است و قادر است روزانه دوتن مواد منفجره را ذوب کند که نسبت به نوع مشابه خارجی آن دوبرابر توانائی ذوب دارد .

### اخبار داخل

### اسلام آمریکایی

سخنران حجت الاسلام خلخالی در مجلس شورای اسلامی

... فرمایشات امام راجع به لوس آنجلس و آمریکا نمود ، در باره داخله خود مان بود . اسلام آمریکایی و اسلام پایرهنگان ، اسلام محمدی ، اینست در دل حضرت امام امت .

ملت قهرمان ایران بیداری خودشان را نشان دادند ، روحانیون مبارز که به اصطلاح موجودیت خودشان را اعلام کردند و قبلاً هم در مبارزات بودند : به پیروی از منویات امام ، پارادرمیان گذاشتند برای جلوگیری از بعضی فاصله هایی که در آینده می خواستند دانشگاهیان و روشنفکران و طبقات محروم را بکلی مأیوس کنند به آنها امید دادند . . . . . متأسفانه بعضی از این افرادی

که خودشان معلوم الحالند و می روند در نماز جمعه برخلاف مقررات و شرع می خواهند بگویند که شما باید و نمیدوم ، به غیر کمونیستها ، به کمونیستهایاری ند هیید به افراد ناباب را ند هیید . این حرف را آقای فلسفی گفته است ایشان قبل ها می گفت : رحم الله من عسرف قدره ولم ینجا و زحده . ایشان در این جریان از حد خودش تجاوز کرده است ، ایشان بروند نوارهایی را که در مسجد شاه تهران یک وقتی صحبت می کردند و الان هم موجود است از اول تا آخرش مطالعه کنند و بگویند کمونیستها کی هلد هستند و ناباب ها کی هلد هستند ؟ مگر شورای نگهبان ، هیئت اجرایی ، اینها کسانی

را معرفی کردند که در این گاندید اها کمونیستها باشند و نابابها باشند ؟ این حرفها را به کی می زنی ، می خواهی چه بگویی ؟ جمهوری اسلامی ایران از اول تا آخر نابالاست تا پائین شمارا احترام می کنند بشرط اینکه شما احترام خودتان را نسنگد دارید نه اینکه بخواهید از حد خود تجاوز کنید . یکی هم در نماز جمععه کجایه . . . . . چیز نامربوطی گفته بود باید بیداری داشته باشیم . حالا که بحمد الله امام امت خط راستین اسلام را معرفی می کنند همه ما با تمام توانمان چه آنها که در انتخابات برنده شدند و چه آنها که با اصطلاح شکست خوردند ، برای این انقلاب باید کار کرد . . . . .

### باید که قطعنامه ۵۹۸ جایزای برای تجاوز باشد

نظرات دکتر لاریجانی در مورد قطعنامه ۵۹۸ و طرح دبیرکل سازمان ملل . . . . . ما ابتدا قطعنامه ۵۹۸ را یک نقد اساسی کردیم . این قطعنامه به سه دلیل قطعنامه ضعیفی است :

- ۱ - متجاوز را معرفی نمی کند و در نتیجه عدالت بر آن حاکم نبوده و میلا اقل صریح نیست .
- ۲ - یک برنامه عملی عادلانه ارائه نمی دهد و مثلاً "میگویند آتش بس یا بازگشت به مرزها"
- ۳ - تضمینی برای آینده ندارد . شما فرض کنید جنگ تمام شده و این رژیم برپا باشد چه کسی تضمین میکند که عراق دیگر به ما حمله نکند .

طرح اجرایی دبیرکل

... این طرح تا حدی در صدد

جبران این نقاط ضعف است . در طسرح اجرایی دبیرکل اعلام متجاوز و مسئول جنگ جز " قدمهای اولیه کار است که این حرف خوبی است . اما عراق با این طرح مخالف است . . . . . آمریکا هم هیچ علاقه ای به آن ندارد . مذاکرات مابین دبیرکل بررسی طرح اجرایی وی بود و هد نمان هم این بود که آن سه نقطه ضعف قطعنامه به نحوی جبران شود . . . . . بهر حال رژیم بعث چه در جنگ و چه در صلح شانس برای بقا ندارد ، زیرا میدانند ما نمیگذاریم قطعنامه ۵۹۸ جایزای برای متجاوز باشد .

### شکل ساسی در سازمان روحانیت

نداشته باشد ، محال است . بنظر ما این پایگاه می تواند منطبق کلی گرایان منطبق ارسطویی عوام باشد . . . . . وقتی زندگی برخی از روحانیون و شخصیتهای اسلامی را ملاحظه می کنیم در رمی یابیم که اولاً "زندادترین نوع زندگی برخوردارند ، ثانیاً "صادق و تلاشگر و بیگبگیر بوده و ثالثاً "بانفسانیات خود برخوردار های قاطعی داشته اند ، چطور ممکن است چنین اشخاصی عوامزده و تابع نظر عوام گردند . در ریشه یابی و علت اصلی عوامزدگی روحانیت ریشه در مطلب می رسیم : یاریشه و علت العلل نفسانیات است و یاجنبه فکری و معرفتی دارد یا هر دو ، یعنی یکی به اعتبار دیگری .

حد اقل در مورد عده زیادی از روحانیون نمی توانیم به ریشه یابی در نفسانیات برسیم بلکه معتقدیم که عوامزدگی عمدتاً "جنبه معرفتی و بینشی و فکری دارد . تمامی ویژگیهای راکه شهید مطهری در رفتار فوق برای عوام بر میسرند می توانیم بطور مستدل برای منطق جمهوری بر شماریم که شرح آن به یک مقاله تفصیلی محتاج است .



۳ - ارتباط روحانیت با عوام نقطه قوتی است که باید به آن توجه نمود . عوام اگر در شرایطی حاضرند به خود را برای اسلام بدهند در شرایط دیگری حاضر خواهند بود اطلاعات و جان خود را در این راه بدهند .

کسانی هستند که یک پنجم ( ۲۰٪ ) مالشان را بعنوان خص به روحانیت میدهند تا روحانیت حافظ چهار پنجم ( ۸۰٪ ) بقیه باشند در حالیکه نقش فکری روحانیت می تواند این باشد که با این یک پنجم سه تنها عوام زده نکشته بلکه کادر سازی و طلبه سازی کند تا چهار پنجم دیگر نیز د اوطالبانه در راه تحقق عدالت اجتماعی اسلام عرضه شود و جهاد با جان هم بدنیال جهاد با مال شروع گردد .

وجه مثبت دیگری رابطه تأمین مالی غیر وابسته به حکومتها و ابرقدرتهاست . اگر این اموال به امامت برحق جامعه اسلامی عرضه شود تا در جهت پیشبرد اهداف اسلام ( کادرسازی و تشکیل حکومت اسلامی و زمینه سازی حکومت امام زمان ع ) بکار برسد ، عملی انقلابی بوده و ایجاد وابستگی هم نمیکند در اینجا است که شکرچین رابطه ای با مردم رامن بایست به جای آورد و از آن نگرینخت .

ما به تمام جهان تجربه هایمان را صادر می کنیم و نتیجه مبارزه با ستمگران را بدون کوچکترین چشمداشتی به مبارزان راه حق انتقال می دهیم و مسلماً نتیجه این تجربه ها به شکوفه های پیروزی و استقلال و پیاده شدن احکام اسلام برای ملتهای دربند است . امام خمینی



برای شهید

# ابوجهاد مظهر مقاومت مردم فلسطین



ابوجهاد، گوشه‌هایی از مصاحبه‌های او و مستندگرش ابویاد را در ذیل این مقدمه می‌آوریم.

"یادش گرامی و راهش پررهرو باد"

متن مصاحبه شهید ابوجهاد

من: بسیاری می‌گویند که الفتح بارزیمهای عربی رابطه و پیوند دارد و بنابراین بهای عرب و اینطور بر نداشت می‌کنند که فرقی بین رژیمها قائل نیستند. تحلیل شما در این مورد چیست؟

ج: ... اگر الفتح سعی می‌کند...

چه کنفرانس بین المللی بر پا شود و چه نشود، پایان دادن به اشغال اسرائیل باید در درون سرزمینهای اشغالی مشخص شود نه سر میز کنفرانس.

با اخبار و اطلاعاتی که در حال حاضر در اختیار مردم قرار گرفته است، بی‌شک تروزشهید ابوجهاد در خط تعدیل ساف و پیشبرد اهداف کنفرانس بین المللی صلح خاورمیانه و مثلث آمریکا - اسرائیل - ارتجاع عرب سازماندهی شده بود.

آمریکا و ارتجاع عرب از موضع اجرای طرح کنفرانس بین المللی صلح جهت حل بحران خاورمیانه با دو مانع روبرو هستند: اسحاق شامیرو حجاج انقلابی ساف. اسحاق شامیر معتقد است که تشکیل دولت فلسطینی اردنی مغایر با اصول خود مختاری فلسطینی‌ها در چهارچوب سیاست همزیستی مسالمت آمیز اعراب و اسرائیل (حاکمیت دولت صهیونیستی) می‌باشد.



بیت‌المقدس - فلسطین اشغالی - نوجوان فلسطینی در شمال بیت‌المقدس با سلاح فلانچ به مبارزه با ارتش اسرائیل برمی‌خیزد

حنا حهای مترقی ساف از جمله شهید خلیل الوزیر (ابوجهاد) نیز که معتقد به تشکیل دولت مستقل فلسطینی هستند یکی از موانع اصلی شرکت ساف در کنفرانس بین المللی صلح خاورمیانه محسوب می‌شوند. این جناح در خط مشی خود معتقد به مسازره مسلحانه تودهای تا ایجاد دولت فلسطینی است. با توسل به چنین خط مشی است که جناح فوق، قیامهای اخیر فلسطینیها را در سرزمینهای اشغالی، تنها راه تحقق دولت فلسطینی میدانند به عبارت دیگر معتقد است که راه رسیدن به دولت مستقل فلسطینی از طریق ایجاد یک منطقه آزاد شده توسط قیامهای مردمی محقق خواهد شد. این خط مشی پیوند عمیق با مردم فلسطین برقرار گرد است. به همین دلیل در اعتراض به تروزشهید ابوجهاد، تظاهرات مردم فلسطین تشدید شده و پرچم‌های سیاه به نشانه عزاداری بر فراز بامها افراشته شد. متأسفانه در اخبار و اطلاعات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران اشاردهای این پیوند نشد. از مسئولین وزارت خارجه جمهوری اسلامی که مدعی مخالفت با سیاستهای معتدل برخی از رهبران فلسطینی هستند، انتظار میرفت که تروزشهید ابوجهاد از رهبران مقاومت مسلحانه فلسطین را محکوم نمایند ولی متأسفانه رمود این تروزشهیونیستی سکوت اختیار کردید.

شکلهای دیگر و راههای دیگران و در رابطه برقرار کنیم، با تاکید می‌توانم بگویم هیچ جنبش رهایی بخشی خواهد رحمان عرب با منطقه و بیا هر کجای جهان وجود ندارد که رابطه‌های تنگاتنگ و استوار یافتند داشته باشد. ما خوب میدانیم چه کسانی به ما حمله می‌زنند و چه کسانی علیه‌مان توطئه می‌کنند و نیز چه کسانی خالمان به مبارزه ماکم می‌کنند و این کمک ناکجا دامه دارد و تا کجا می‌گردد. معیار ما در رابطه با این برخورد ها انقلاب فلسطین و داستان خلقمان و جنبشمان است، این است معیار ما برای فرق گذاری. اما بسیاری از مواقع این فرق گذاری را ما آشکارا مطرح نمی‌کنیم چرا؟ به این دلیل که اینها مسائل فرعی میدانیم و مسئله اصلیمان همان آزادی میهن فلسطین است. ما نمی‌خواهیم کسی راستای ما را بگرداند و ما را هم کوتاه نیامد ایم.

ما با بدست آوردن آزادی علیه دشمن صهیونیستی می‌جنگیم و این سلاحی که توده‌های هر بخشی از میهن عربی به آن مسلح اند و با آن موضع گیریم برای جنبشمان را

رژیمهای عربی رابطه برقرار کند و لیلش واضح است و آن حمایت از انقلاب فلسطین و وسیله همه امکانات عربی و جهانی در این رابطه است. الفتح هیچ رابطه‌ای با هیچ رژیم عربی برقرار نکرد و هرگز اینک بخاطر حمایت از انقلاب و تقویت بازوهای آن نبود. فتح می‌گوشد این رابطه را رشد و توسعه دهد و معلوم است که ما با هیچ رژیم حاکمی علیه خلق آن متحد نشدیم و نیز هیچگاه رابطه ما از حد نهای مشخص انقلاب خارج نشده. ...

با توجه به موقعیت مسئله فلسطین در وجدان هر عربی در هر کجا، سعی ما از آغاز انقلاب این بود که هر شهروند عربی در رابطه با این انقلاب قرار گیرد. ما کوشیدیم هر رهبر کشور و شهری که می‌تواند برای یاری جنبشمان بوجود آوریم. این کمیته‌ها دستاوردهای ارزشمند مادی انسانی و... برای کاروانی که در رگهای خون جریان دارد داشتند باشند. اما بسیاری از رژیمهای عربی موانعی سر راه این کمیته‌ها بوجود آوردند تا آنها را به شکلهای دیگری که محتوای اساسیشان را لوٹ می‌کند تبدیل کنند ما نیز سعی کردیم

می‌سندیدند این از اصول ماست و سران پایبند و مومنین.

ما سنجیدن و تفاوت در مورد هر رژیم و هر حزب و نیروی سیاسی رابه عهده مرد مشر می‌گذازم. ما نمی‌توانیم و نباید جانشین توده‌ها شویم و باقیم آنها باشیم.

"فلسطین الثورة ویژه نامه ۱۹۷۹"

گوشه‌هایی از مصاحبه ابویاد

فتح بازوی نظامی و ساف بازوی سیاسی فلسطین: ابویاد: ... وقتی از فتح صحبت می‌کنیم باید بین آن و سازمان آزاد یبخش فلسطین تفاوت قائل بشویم. سازمان آزاد یبخش چیزی بود تشریفاتی که در ولتهای عرب بوجود آوردند انقلاب کوشید سازمان آزادی بخش را از جریان تشریفاتی به سازمان انقلابی تبدیل کند. سازمان آزاد یبخش محکوم به توانینی بود مشخص و بخصوص در رابطه با رژیمهای عربی، لذا در این مرحله ما روابطمان رابه نام "فتح" ایجاد می‌کردیم لکن پس از سال ۶۹، روابط گسترده‌تری به نام سازمان آزادیبخش برقرار کردیم.

وقتی عرب تصمیم گرفت که وطنی فلسطین ضمن سیاستش در نظر گیرد فتح کوشید از این نرسه سود حوید خلاصه اعلام اینک رابطه تا آنحاست که هیچ مداخله یا قیومیتی برای ما نباشد ما تا رژیمهای عربی نخواهند در امورمان دخالت کنند یا بر ما قیومیت یا سیطره برقرار کنند با آنها درگیر نخواهیم شد.

آخرین مصاحبه شهید ابوجهاد در باره قیام مردم فلسطین و کنفرانس بین المللی صلح

کیهان اردیبهشت ۱۷

"ابوجهاد، معاون فرماندهی کل نیروهای مسلح فلسطین، در آخرین مصاحبه خود که چند روز قبل از ترور وی با محله کویتی الانیا صورت گرفت اعلام کرد که قیام در داخل سرزمینهای اشغالی ادامه خواهد داشت.

ابوجهاد ساروز قبل از ترور توسط عوامل موساد سازمان اطلاعات اسرائیل، در این مصاحبه گفت: قیام مردم فلسطین علیرغم برپایی کنفرانس بین المللی، ادامه خواهد یافت.

ابوجهاد گفته بود که قیام سراسری فلسطین برای شرکت ساف و کنفرانس بین المللی آغاز شد، هدف قیام، فرسایش دشمن صهیونیستی و واداشتن آن به ترک سرزمینهای مان می‌باشد. آخرین مصاحبه ابوجهاد بوسیله تلفن با روزنامه کویتی صورت ابوجهاد بوسیله تلفن با روزنامه کویتی صورت گرفته بود.

ابوجهاد افزوده بود چه کنفرانس بین المللی برپا شود و چه نشود، پایان دادن به اشغال اسرائیل باید در درون سرزمینهای اشغالی مشخص شود نه سر میز کنفرانس ابوجهاد گفت که عدم توسل به اسلحه گرم در مرحله فعلی قیام باعث شده است تا انقلاب فلسطین حمایت و همدردی نیروهای سیاسی صلح دوست خارجی را بدست آورد در حالیکه این نیروها تا چند ی پیش از موضع اسرائیل حامی اری میگردند ابوجهاد از کشورهای غرب خواسته بود تا با و همه جانبه از قیام مردم فلسطین حمایت کنند.

مادفاع از همه مسلمین را لازم می‌دانیم، ما اگر چنانچه دستمان برسد با همه جبارهای دنیا معارضه می‌کنیم.



ایشه یاجی . . .

حارحی است که این وابستگی موجب قلع شدن تولیدات داخلی میگردد این رکود به محض تیره شدن روابط با استکبار جهانی خود را نشان خواهد داد چنانچه رکود اقتصادی قیل از انقلاب زمانی آشکار شد که تصمیم به مبارزه با سلطنت و وابسته گرفتیم ، بنابراین اگر درصدی از سرمایه های داخلی صرف مبارزه با استکبار جهانی شود و باقی مانده سرمایه ها در حفظ تولیدات داخلی فعال گردد - تکوفایی اقتصادی نیز خواهیم رسید .

لازم به ذکر است که یک دولت انقلابی برای گذار از یک اقتصاد وابسته به یک اقتصاد خودکفا و مستقل لازم است که امنیت و ثبات تولید و سرمایه ای را که در جهت خودکفایی فعال میشود تضمین کند ولی انتقاد آقای - نادامجیان به دولت در کار " خودکفایی - وابستگی " نبوده بلکه در دو قطبی سرمایه - داری دولتی و آزاد است .

**انشعاب روحانیون مبارز از جامعه روحانیت مبارز**

روزنامه رسالت در سرمقاله ای تحت عنوان " انتخابات امتحان بزرگ الهی " بتاريخ ۶۷/۱/۱۵ درباره این انشعاب میگوید : ... در همین روزها نیز که جمعی از روحانیون که چند نفر از آنها سابقه درجاهه روحانیت مبارز تهران دارند لیست جداگانه انتخاباتی اعلام کرده اند گروه های طرفدار اسلام منتهای روحانیت و نیز رادیهوهای سگانه حتی گرفته اند و اصرار دارند این خدایی در تشخیص صلاحیتکandidاها را با تاکید سروری استقلال ، شکاف در روحانیت جلوه دهند ... گروه های طرفدار اسلام منتهای روحانیت و نیز رادیهوهای سگانه با اعلامیه های خود سعی دارند برای آینده بد اخلاف باشند .

اما نکاتی چند در این رابطه :

۱ - در زمانی که این مقاله در روزنامه رسالت به درج رسید ، توسط انجمن اسلامی معلمان طی اعلامیه ای از انشعاب روحانیون مبارز حمایت شده بود ، بهتر بود روزنامه رسالت ابتدا در مورد " اسلام منتهای روحانیت بودن " این جریان توضیح داده و بعد قضاوت مستدلی مینمود . شیوه مارک زدن - بدون استدلال شرایطی را فراهم میکند که در حل اختلافات سیاسی ، مارک های تحلیل را میگرداند طبعاً این شیوه غیر اصولی گریبانگیر همه نیروهای سیاسی از جمله روزنامه رسالت نیز خواهد شد . آقای آذری قمی بتاريخ ۶۷/۱/۱۱ در روزنامه رسالت گفتند " مردم باید دیدار با سند و ادعاها را بدون دلیل نپذیرند " امیدواریم که خود روزنامه رسالت به این توصیه دوستانه توجه نماید ، خوشحالیم از اینکه در نظر تفکر که قبلاً در - روزنامه رسالت منعقد شده اند نظر شده است قبلاً گفته میشد که مردم باید تسلیم محض روحانیت باشند مردم مقلدند و حق اظهار نظر در مسائل سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی را ندارند . در همان زمان آیت الله منتظری می گفتند که مردم ما رشدیابی ریادی کرده اند و حق دارند در مورد مسائل روز انتقاد و اظهار نظر کنند ، خوشختانه روزنامه رسالت انجمن منطق اسلامی آیت الله منتظری را پذیرفته اند . امیدواریم در سایر زمینه ها نیز چنین شود .

۲ - با توجه به اختلافات سیاسی - جناحی موجود همه می دانستند که انشعاب روحانیون مبارز صرفاً " مربوط به لیست انتخابی استی نبوده و ریشه در اختلافات فکری داشت چنانچه امام خمینی در پاسخ به نامه روحانیون مبارز ریشه این انشعاب را عقیدتی دانستند که طبعاً " در رابطه با انتخابات نیز بر مبنای با جامعه روحانیت مبارز متحرک میشد . از آنجا که این انشعاب نشان داد که روحانیت نیز همانند سایر اشراف و طبقات یکدست نبوده و دارای جناح های مختلفی است و باید به آن با ملاک حق نظر نمود موجب ارتقاء بینش سیاسی مردم خواهد شد بعبارت دیگر مردم به تمام اقتضای ملاک حق نظر کرده و در تقلیدشان هم احتیاج نخواهند داشت و کسانی که از واژه " روحانیت " به عنوان جماعتی برای کوبیدن سایر اقشار استفاده میکردند خلع سلاح می شوند .

۳ - با توجه به ادعای روحانیون مبارز مبنی بر لزوم تحقق منشور برای تمام ، مشخص میگردد که هدف این انشعاب از نظر تشکیلاتی ، گامی در جهت تحقق رهنمودهای امام خمینی در راستای اصول انقلاب اسلامی بوده است .

۴ - در ارتباط با رادیهوهای بیگانه : اولاً - رادیهوهای بیگانه ، انشعاب روحانیون مبارز از جامعه روحانیت را عمده نکرده و تا حدودی این تحول را به سکوت برگذا ر نمودند .

ثانیاً - موضع گیری کم رنگ رادیهوهای بیگانه در مورد این تحول ، حکایت از یک نوع نا راحتی و نگرانی را مینماید چنانچه برخی از تحلیلگران غربی گفتند فشار نظامی آمریکا در خلیج نسبت به ایران بی ربط با تحولات اخیر است که در ایران صورت گرفته است تمییز شد ( تحولاتی چون انشعاب روحانیون مبارز و تشکیل مجمع تعبیین - مطبعت و ... )

ثالثاً - نیابستی از تحلیل رادیهوهای بیگانه و افکار کفریه شناخت جریانهای داخلی انقلاب رسید چرا که از این طریق تابع القافات خطی جریان باطل خواهیم شد .

**ویژگیهای اسلام آمریکایی**

روزنامه رسالت در سرمقاله ای بنام " اسلام آمریکایی را بهتر بشناسیم " بتاريخ ۶۷/۱/۱۷ ویژگیهای اسلام آمریکایی را در ۸ محور زیر بر شمرده است :

الف - اسلام آمریکایی در ظاهر شعار آزادی مردم در انتخابات را مطرح میکند ولی در عمل به آزادی و رای مردم اعتقادی ندارد .

ب - اسلام آمریکایی همیشه در ظاهر شعار حمایت از مردم و حمایت از محرومین را سر میدهد ولی در پنهان با سرمایه داران بندوبست دارد .

ج - اسلام آمریکایی خصومت دیرینه با روحانیت اصیل اسلام دارد دستش به خون شیخ فضل الله ها ، مدرسا ، مطهریها ، بهشتیها آغشته است اسلام آمریکایی با حوزه علمیه و فقه آل محمد مخالف است و لذا تلاش میکند تا روحانیت و حوزه علمیه و فقه را از صحنه انقلاب حذف کند و خود جایگزین آن گردد .

د - اسلام آمریکایی با ولایت فقیه و اختیارات گسترده حکومتی ولی فقیه مخالف است .

۲ . درست است که در ایحاد جدایی بین ه - اسلام آمریکایی با مبارزین پسر مردم و جناحی از روحانیت ، عوامل بیرونی سابقه که زجر کشیدگان انقلابند ... ، بشدت مخالف است .  
و - اسلام آمریکایی ارتباط مردم با روحانیت اصیل خط امام و هماهنگی آنها را مانع پیشرفت خود میداند و لذا تلاش میکند تا با هر حیل و ترفندی این ارتباط را ضعیف کند . از عوامل بیرونی بهاء داده و اقدام به تصحیح ز - اسلام آمریکایی حیات خود را در تفرقه آخط مشی خود به سمت پیوند با مستضعفین نماید .  
و اختلاف و تشنج می بیند لذا تلاش میکند در تمام ۳ - در رابطه با شیوه دامن زدن به تشنج سطوح کشور و در مراکز تصمیم گیری اختلاف و اختلاف عمدتاً در دو قطبی های کاذبی چون دودستگی بوجود آورد .  
ح - اسلام آمریکایی همیشه سعی میکند پیویا و اسلام رساله ای - اسلام التقاطی از افراد ساده لوح و زودبایی که دارای - و ... از نمونه های بارز این شیوه غیر اسلامی اعتبار و شهرت اجتماعی باشند بعنوان سپر بلا استفاده کند ... گودرزی و روحی و مهدی هاشمی همه چهره های مختلفی از اسلام آمریکایی هستند همه شعار تند دشمنی با آمریکا و آزادی را از حالت مارک خارج کرده اند ولی جمع - بندی مقاله بنحوی انجام گرفته که آنها مات و سئوالاتی را در ذهن خواننده ایجاد میکند .  
ج - اسلام آمریکایی با دستهای روموز و شبکه های سیا و موساد و تبلیغات سرویس که پایگاههای امپریالیسم در داخل هستند درگیر میشوند .

جریان اسلام آمریکایی با دستهای روموز و شبکه های سیا و موساد و تبلیغات سرویس که پایگاههای امپریالیسم در داخل هستند درگیر میشوند .

موارد فوق نیز موضع گیری نماید .  
۴ - اقدام نویسنده در تشریح ویژگیهای اسلام آمریکایی قی نفسه قابل تقدیر است زیرا سرمایه دار روحانیت از محرومین سر میداند و آنرا از حالت مارک خارج کرده اند ولی جمع - بندی مقاله بنحوی انجام گرفته که آنها مات و سئوالاتی را در ذهن خواننده ایجاد میکند .  
ج - اسلام آمریکایی با دستهای روموز و شبکه های سیا و تبلیغات سرویس که پایگاههای امپریالیسم در داخل هستند درگیر میشوند .

۱ - اولاً - ذکر اینکه " اسلام آمریکایی جریان است بعنوان اسلام آمریکایی معرفی بارو حانیت اصیل اسلام خصومت دیرینه دارد " میبشود لازم است که درباره این جرخش ۱۸۰ نوعی اعتراف به وجود جناح بندی در روحانیت در حای توضیحاتی داده شود .

است علاوه بر این اسلام آمریکایی با روحانیت اصیل و جناح اصیل هر صنف و جریانی مخالف را صریحاً ذکر کرده اند که عبارت بود از اسلام است نه با روحانیت غیر اصیل و عاقبت طلب مرفهین بی درد ، اسلام سرمایه داران ، اسلام وحامی سرمایه دار رومرفه بی درد .  
فرصت طلبان . بنظر ما اسلام آمریکایی ثانیاً - هم ردیف کردن مرحوم شیخ - ویژگیهای رادار است که امام خمینی در طول فضل الله نوری با شهدایی چون مدرس و حرکتشان با آن برخورد داشته اند که ما ذیلاً به مطهری و بهشتی بدون اینکه هیچ سنجیست برخی از این ویژگیها اشاره میکنیم جهت تفهیل خطی جزلباس روحانیت با هم داشته باشند بیشتر رجوع شونده مقاله های " پیرامون نوعی تحریف در تاریخ سیاسی ایران است التقاط " ( راه مجاهد ۳۰ ) " اسلام رویاروی شهید مدرس نمایندگی مجلسی را پذیرفت که غرب ، اسلام مکمل غرب " ( راه مجاهد ۴۰ ) فلسفه وجودی آن از طرف مرحوم شیخ فضل " اساس خوش بینی به غرب " ( راه مجاهد ۴۰ ) الله مورد تردید بوده است بطوریکه ایشان " دیدگاههای امام خمینی و آموزشهای رایج از موضع دفاع از سلطنت قاجار ، به سوپ ( راه مجاهد ۲۶ ) و ...

بستن مجلس توسط لیاخوف روسی را توجیه شرعی مینماید ( ر . ش - مکتوبات و نامه های شیخ شهید نوشته محمد ترکمن ) شهید مطهری و شهید بهشتی ، حریت و مساوات را از مبانی اسلام میدانستند ولی مرحوم شیخ فضل ... نوری از این موضع که چون اسلام با اساس حریت و مساوات مخالف است و مشروطه خواهان اساس حرکتشان بر حریت و مساوات قرار دارد ، اساس مشروطه را غیر مشروع اعلام میکنند غافل از اینکه چنین تحلیلی به تثبیت استبداد و تبعیضات ظالمانه سلطنت قاجار خواهد انجامید . همسویی شیخ فضل ... با استبداد قاجار تا حدی بود که مراجع نجف یعنی آخوند ملا کاظم خراسانی ، عبدا ... ما زندرانی و میرزا خلیل ، طی نامه ای از مجلس دفاع کرده و مخالفت با مجلس شورای ملی را مخالفت با شرع انور و در حکم ارتداد قلمداد میکنند و مرحوم علامه نائینی در رابطه با تبیین فقهی و فلسفه وجودی مشروطیت و مجلس شورای ملی اقدام به نگارش کتاب " تنبیه الامة و تنزیه الامة " مینماید ( ر . ش . به مقاله مستند مندرج در راه مجاهد ۲۶ ) .

نیاز انقلاب ما این است که روش تفکر قرآنی و اسلامی روشن گردد و روش های شرقی و غربی پاکسازی شود تا بظهور بنیادی و همه جانبه با شرق و غرب درگیر شویم و الا به هر شعاری نمیتوان اعتماد نمود .

ها شمی و همه گروه های چپ نما را اسلام آمریکایی می خوانید ، خوب است توضیح دهید که مطهر اسلام لنینیستی چیست ؟ پس از اینکه اتمام خمینی اسلام آمریکایی را مطرح کردند ، آقای فلسفی در پیش خطبه نماز جمعه روز بعد گفتند به اسلام لنینیستی رای ندهید .  
بقیه در شماره آینده

**وظیفه ما حفظ و تقویت اصلاح انقلاب است**

آیه ... منتظری



# از حماسه...

وابستگی آن به نظریات روستاییگری و کاریگری می‌گاست. حزب کمونیست بر سر سیر قدرت صفر ۳۸۷ در ارتش سرخ مشاهده حضور بارز و جریان هستیم، یک جریان نظامی و که از ضرورت بکارگیری متخصصین نظامی و شیوه‌های کلاسیک نظام دفاع مکرر و ایمن جریان در حزب مدافع و سختگوی برجسته‌ای چون تروتسکی داشت. جریان دوم مدافع حاکمیت ایدئولوژیک و مدافع حضور کمیسرها بعنوان نماینده حزب و ناظر جریان ایدئولوژیک در ارتش است و در راس این جناح لنین

در دوران اقتدار ارتش توخاچفسکی بعنوان همفکر جناح نظامی‌گرای حزب و از فرماندهان بالای ارتش سرخ معتقد بود که ارتش باید تحت نظر ژنرالها اداره شود و از تن دادن به نظارت کمیسرها پرهیز میکرد و حزب در سالهای ۱۹۳۴-۱۹۳۷ به خواسته‌های قادر به تغییر مناسبات سیاسی "مناسبات فرمان و سربازان" که مشخصه دستگاه نظامی شوروی است نمی‌باشد. بدین جهت ارتش سرخ تبدیل به یک دستگاه پرولتاری شد بلکه برعکس با قرار گرفتن در جنبه یک مجموعه خصلتهای بورژوازی آن بتدریج تحکیم شدند. انقلاب اکتبر در این زمان در وضعیتی حساس بسر می‌برد، از یک طرف ارتش میکوشد

افزایش ناگهانی تولید سلاح نمیتوانست از عواقب زیانناک رسلطه متخصصین نظامی و مهندسان کناره بگیرد و تحولات اجتماعی پس از جنگ چرخش یکباره و ناگهانی حزب از سمت گیری سوسیالیستی و ایدئولوژیک چشمی در سیر تدریجی عقب نشینی‌های دوران دفع تجاوز هیتلری داشت که انفجار آن چرخش یکباره حزب از ایدئولوژی سوسیالیستی بود.

اوتن داد ولی بعد ها توخاچفسکی از سفلی معاون کمیسر ملی برکنار شد و دوباره سیستم زوچی در ارتش برکنار گردید که بموجب آن دخالت کمیسرها (نمایندگان حزب کمونیست در ارتش) در امور نظامی نه تنها از بین برد بلکه هیچک از دستورات فرماندهان بدو نماند و کمیسرها قابلیت اجرایی یافت مارشال توخاچفسکی اندکی پس از برکناری دستگیر و همراه گروه دیگری از روسای ارتش تیرباران شد.

بناهم در باره اهمیت و نقش خضوع کمیسرها در ارتش سرخ میگوید: "اقتیاد ارتش سرخ نسبت به حزب انقیاد سیاسی بود تا به رهبری ایدئولوژیک، و این رهبری سیاسی اساساً با حضور کمیسرها در کنار فرماندهان ارتش سرخ تامین میشد. طی دوره کمونیسم جنگی (دوران در حال جنگ در زمان زمانه‌های استالین) و حتی پس از آن حزب بلشویک با هشیاری ویژه مراقب وقایعی است که در دستگاه نظامی میگذرد. حزب بخش بزرگی از بهترین نیروهای سیاسی خود را متوجه ارتش سرخ میکند. اما این هوشیاری قرار داشت که بی‌وقفه نظریات مشترک تروتسکی و بوخارین را مورد هجوم و نشاء قرار میداد. تروتسکی در دفاع از نظریات خود (ایجاد سلطه نظامی در امر تولید و جنگ) اظهار میدارد: "ما به آن نیروهای مسلح واقعی احتیاج داریم که بر اساس علوم نظامی ساخته شده باشند. بدین دلیل شرکت فعالانه و منظم متخصصین نظامی در کارهای سیاسی ضروری و حیاتی است."

(نوشته‌های نظامی حلد ۱ ص ۱۶۵) تروتسکی همچنین در سخنرانی ۲۲ آوریل ۱۹۲۸ مقابل کمیته مرکزی حزب از حضور رهبری کننده متخصصین نظامی و اهمیت آرا انسان شدیدی دفاع میکند: "در مورد مسایل صرفاً نظامی و عملیاتی یا برای مسائلی که به خود جنگ مربوط میشود، کلام آخر از آن متخصصین نظامی تمام ادراجات است."

بدین ترتیب تجاوز هیتلری مانع تفرقه بنیادی ارتش شد و ارتش فرصتی یافت تا از نفوذ حزب در درون خود جلوگیری کند. استحاله ارزشهای انقلاب در طول جنگهای داخلی و خط مشی کمونیسم جنگی معطوف به ارتش نبود، بلکه بروابط بین حزب و جامعه و مناسبات رهبری و کادرها در درون حزب نیز دستخوش استحاله گردید و حاکمیت بوروکراتیک عناصر متخصص در دستگاه رهبری رابطه بین حزب، مردم و کادرها را به نوعی تسلط نظام اداری سوق داد. جان مایه تفکر ارتش که در پرتو انقلاب اکبر، پیکری نیمه ایدئولوژیک یافته بود در عرصه دفاع از تمامیت میهنی سوسیالیستی دگرباریکسره قامتی میهنی یافت.

اما باید توجه داشت که ارتش که از سال ۱۹۴۱ به بعد احیاء شد اگرچه ارتشی کلاسیک است، اما دارای ویژگیهایی جدید است. این بار دیگر ارتش یک نیروی وابسته به تزار نبود، بلکه مدافع حاکمیت شوراهای بوده و سام حفظ قدرت شوراهای مبارزه علیه بورژوازی، اعتقادی را با خود حمل میکرد که اساس اندیشه سوسیالیستی راز بر سه سوال قرار داد بود و رهبران حزبی نیز با آگاه و ناگزیر آنرا پذیرفتند. بسیج همه امکانات و استعدادها با تمام توان در امر راه اندازی صنایع جنگی، راندن صنایع نظامی شوروی در طول سه سال پایان جنگ را بگونه‌ای افزایش داد که تولیدات سلاح سنگین نظیر تانک و هواپیما و توپهای در بر برد، متوسط تولید آلمان هیتلری در سالهای ۴۲-۴۴ را پشت سر نهاد. در طی سه سال پایان جنگ صنایع شوروی بطور متوسط ۱۲۰/۰۰۰ در دستگاه توپ، ۴۰۰۰۰ هواپیما، ۳۰۰۰۰ تانک و ۱۶۳/۰۰۰ گلوله توپ تولید

روابط گذشته خود را حفظ کرده و دیدگاههای ابزارگراییانه و کلاسیک خود را بر سه سوال حزب تحمیل نماید و برتری و اصالته تکنولوژی را به آنها بقبولاند و از طرف دیگر مسئولان حزبی میکوشند که تابع این جریان نشده و ایدئولوژی سوسیالیستی را به میان ارتش برده و روابط آنرا تغییر دهند. در چنین شرایطی که دشمنان انقلاب شوروی از گسترش این حرکت وحشت داشتند با تکرار تهاجم نظامی می‌افتند. در سال ۱۹۳۹ شوروی به فنلاند حمله کرد و این مسئله در ستاویرخویی برای دشمنان خارجی شد که هدف تجاوز نظامی خود را به اجرا گذارند. آنچه مهم است بررسی تأثیراتی است که این تجاوز نظامی بر روند تحولات درونی انقلاب اکبر گذاشت. شروع جنگ تجاوزکارانه هیتلر در سال ۱۹۴۱ رهبران حزب را ناگزیر ساخت تا نسبت به فرماندهی ارتش گذشتهایی را به اجرا گذارند، و با وجود اعتقاد به حاکمیت جریان ایدئولوژیک حزب بر ارتش از تسلط همه جانبه کمیسرها بر رویدادهای ارتش بکاهند. در چارچوب این اغماضها بخشی از مناصب بالای ارتش با افسران ماهر و آموزش دیده‌ای واگذار شد که از تعصبها جان سالم بدر برده و به نوعی حامل نظریات توخاچفسکی (تفکرات تکنیک گرایسی) بودند.

تناوب رویدادها و ملاحظاتی برخاسته از شرایط اولویتهای روز، سیاستهای انقلابی به مسیری خارج از تصور رهبران سوق میداد. جنگ داخلی و اهمیت مبارزه علیه قیام سفیدها تقویت ارتش را تا سرحد امکان ضروری نمود و باعث احیای دوباره ارزشهای تزاری در نیروهای مسلح مدافع انقلاب گشت. جنگ میهنی نیز سردمداران جریان ایدئولوژیک را واداشت تا برای بالا بردن روحیه ارتش و بسیج نیروهای ارتشی، از تبلیغات ملی گرایانه حمایت جدی بعمل آورند و به شکلی بی سابقه از قهرمانان و اساطیر ملی، نظامی تجلیل کنند.

زراد خانه مهیب ترین کشور امپریالیستی "آلمان هیتلری" به عمل آورد، نشاندهنده تعدیل ایدئولوژیک نظام رهبری در مقابل محورهای فکری نظامیان و بیرونیهای حاصل از دفاع میهنی بود. حزب با ستایش از نقش متخصصین نظامی در ره آورد سلاحهای پیشرفته، نقش مدافعان و انسانهای آرمان خواه و استقلال طلبی که در رویارویی با تهاجم هیتلر حماسه آفریدند و دفاع مقدس و خونبار استالینگراد را تدارک دیدند پدید رنگ ساخت و بدینگونه رفرمیسم غربی بشکل ظریف در ساخت فکری رهبران انقلاب خانه گزید. دعوت عام از متخصصین نظامی برای پیوستن به حزب بلافاصله بعد از جنگ جهانی اتخاذ روشهای اقتدارگرا و اداری در امر تولید، تاکید بر رعایت سلسله مراتب در کلیه سازمانها و وایردولتی، ارج نهادن افراطی به علقه میهنی و قدر دانی بیش از حد نسبت به نقش ژنرالها و سازماندهی کلاسیک ارتش در موفقیتهای جنگی گامهای روبه عقب انقلاب در دفع تجاوز بود.

حمایت بی چون و چرا از نظامیان و متخصصین حرفه‌های صنعتی و نظامی ساختاری را بوجود آورد که در آن فداکاری فاتحان اصلی جنگ اهمیت فرعی یافت. رشد دستگاه بوروکراتیک و سلطه متخصصین نظامی اقتصادی امکان انتقاد را از توده‌ها میگرفت و این همان خطری بود که رهبری انقلاب در دوران کمونیسم جنگی احساس کرد و در مورد گستردگی دستگاه بوروکراتیک که میان مقامات رهبری و واقعیت حوادت کشور حایل ایجاد میکرد صریحاً هشدار داد.

(کلیات آثار جلد ۳۳ صفحه ۳۱)

هرچند استالین کوشید ارزشهای روبه ضعف رهبری ایدئولوژیک حزب را در سالهای

با دید بدیده تحولاتی رخ میدهد که شوری فاتح جنگ میهنی، در امر همزیستی مسالمت آمیز آنگونه شیفتگی نشان میدهد که آمریکا با شانناز، شروط باج خواهانه خود راه مذاکرات خلع سلاح سالت بر او تحمیل میکند.

نمود و در طول جنگ ۴۸۹۰۰۰ توپ ۱۰۲/۵۰۰ تانک، ۱۳۶/۸۰۰ هواپیما ساخته شد و صنایع اورال ۴۰٪ کل محصولات نظامی، ۶۰٪ تانک متوسط و ۱۰٪ تانکهای سنگین را تولید میکرد. برای حمله نهایی به برلین ۴۰۰۰۰ توپ و خمپاره انداز، ۶۳۰۰ تانک و ۷۳۰۰ هواپیما متمرکز شد. "صنحات ۸۹۹ الی ۹۰۷ تاریخ روسیه شوروی این افزایش ناگهانی تولید سلاح نمی توانست از عواقب زیانبار سلطه متخصصین نظامی و مهندسان کناره بگیرد و تحولات اجتماعی پس از جنگ، چرخش یکباره و ناگهانی حزب از سمت گیری سوسیالیستی و ایدئولوژیک چشمی در سیر تدریجی عقب نشینی‌های دوران دفع تجاوز هیتلری داشت که انفجار آن چرخش یکباره حزب از ایدئولوژی سوسیالیستی بوده ستایش و تجلیلی که بعد ها حزب از نقش سلاحهای سنگین و تولید انبوه و فشرده صنایع نظامی شوروی در شکست

## این تجیزات نیست که میبکند، این انسان الهی شده است که میبکند



# پژش و تصحیح مقاله سیر تحول فکری مجاهدین

در قسمت دوم از بخش "سیر تحول  
خداشناسی از سال ۵۵ به بعد از سلسله  
مقالات سیر تحول فکری مجاهدین، که در  
شماره ۴۶ به چاپ رسید در جمع بندی مقاله  
اشتباهی در صفحه بند و بوجود آمده بود  
که بدینوسیله تصحیح میگردد. ضمناً  
خلاصه ای از محورهای مقاله را میآوریم:  
اساس حوزه مباحث - وجود که پس از  
انقلاب بصورت کتاب درآمد در سه محور  
خلاصه میشود:

- الف: در خدا نمیتوان شك کرد.
  - ب: خدا را نمیتوان اثبات کرد.
  - ج: خدا را نمیتوان انکار کرد.
- در این سیر تحول ملاحظه کردیم که هر  
کس ظاهراً "بخدا شك نماید در دل این شك  
به حقیقتی اعتراف نموده است و به یکی از  
صفات ذات خدا رسیده است. همچنین  
در بررسی سیر افکار دیده شد که منکرین  
تلویحاً به حقیقت هستی مابکی از صفات  
خداوند اعتراف نموده اند و آن دسته ای که  
می خواسته اند نهایتاً "خدا را اثبات نمایند  
در بدو امر یکی از بدیهیات فراطبیعی شك  
را پذیرفته اند مثل خود معیاری، قائم  
بذاتی و غیر قابل اثبات بودن این عده که در  
مقدمات امریه خدا نزد یکتوند تا انتهای سیر  
اثبات خدا و در سراسر اثبات خدا هر چه  
استدلال کنند حجابشان از خدا پستتر  
میشود.

الهی و این ارزش وجودی او را بدین تقویت  
نموده این که برایش خدا را اثبات کنیم و ابتدا  
فرض کنیم خدای نیست و خود مان بسندام  
بی خدائی بیفتم و در انتهای کار خدائی  
را اثبات کنیم که در علمان هیچ تأثیری ندارد  
معمولاً افرادی که بدینال مکاتب دیگری  
می روند در جستجوی قانون واحدی برای  
تعیین جهان هستند. نفس چنین نییازی  
بسا مقدس بوده و از ارزش وجودی بالائی  
برخوردار است.

در برخورد و ارشاد چنین افرادی نباید  
برای آنها خدا را اثبات کرد بلکه همین باور  
به قانون واحد چیزی جز ایمان به نظم  
واحد که از تجلیات خدای واحد است، -  
نیست. بظن ما این قانون واحد و نظم واحد  
چیزی جز قرآن کریم نیست که هیچگونه عدم  
انصاف و تناقضی در آن دیده نمیشود و -  
بناستی آن را بر بنیان راهنمای عمل، برای  
نسل جوان ارائه داد و در این سیر نشان  
داد که قانون واحد و نظم واحد، بدون ربط  
با خدای واحدی تضاد ممکن نیست و ضمناً  
ماده که مساوی است با تضاد نمی تواند  
وحدت جهان، قانون واحد و نظم واحد  
را تبیین نماید. والسلام.

دیده شده کسی بخدا شك ندارد و آنچه  
مورد نماز بشر بود، رابطه خدا و بند - ها و  
رابطه خدا و انسان میباشد. متعلق وجود  
جزی جز اراکه رابطه خدا و بند - ها  
نیست، ضمناً اگر توحید و خداشناسی به  
منطق وجود و منطق را منطقی عمل ختم  
نشود حتماً یک لنگی در "روش کار" موجود  
است که باید تصحیح شود.  
- حال جمع بندی انتهای مقاله آورده -  
میشود:  
از یک طرف بشر به حقیقت ثابتی معتقد  
بود. و از طرف دیگر ماه و ستاره و خورشید  
و بند - های متغیر را منکر شده و در -  
جستجوی رابطه خدا و بند - بود. است.  
در هیچ جای قرآن و روایات روش اثبات  
خدا از طریق چیزی کمتر از خدا دیده نشده و  
روش انبیا و اولیا هم اثبات لفظی خدا -  
نبوده، بلکه آنها مردم را با عمل خود به حق  
دعوت نموده و فطرتهای خداجوی آنها را  
بیدار می کردند. کونوا دعاة للناس بغير

السنکم در زندان هم نمونه سائی پیش  
می آمد که می گفتند خدا را برای ما اثبات کنید  
گفته میشد اگر حقیقتی رسیدیم انصاف و -  
صداقت لازم وجود دارد؟ پس از اینک  
انصاف و صداقت را قبول میکرد گفته میشد آیا  
این انصاف را از محیط خارج کسب کرده اند؟  
آیا این انصاف از مقوله انعکاس جهان خارج  
و نتیجه شناخت انعکاسی است؟ که در این  
مورد تبیینی نداشته اند گفته میشد شما فطرتاً  
منصف بوده و از خصالت انصاف برخوردارید  
و انصاف هم چیزی جز عدل نیست، که عدل  
هم از صفات ذات خداست. بنابراین شعائر  
فطرتان عدل را که از صفت ذاتی خداست  
باور کرده اند و چه نیازی به اثبات دارید؟  
در این سیرهای اینک بدام اثبات خدا  
و بی خدائی بیفتم اصل را بر خدا جویستی  
انسانها گذاشته و فطرت او را بیدار کرده و به  
ارزشهای وجودی او آگاهش کرده ام.  
همینطور اگر کسی صادق بوده و از صفات  
الهی برخوردار باشد، باستی این فطرت  
شدن دستگاه رهبری حزب وید برش بی چون  
و چرای اسلوب علوم نظامی پس از فتح تهاجم  
هیتلر انسان به انسجام و تثبیت رسید که  
میراث خواران جنگ میهنی نه تنها  
امریالیسم غرب بر سر میز آمد اگر نشستند و  
مبارزه با سرمایه داری و نظام جنگ افروز غرب  
را ناممکن دانستند بلکه در تهدید هسته ای  
کندی گویای انقلابی را مقابل تجاوز ظالمی  
گستاخانه آمریکا تنها گذارند.

باید دید چه تحولاتی رخ میدهد که  
شوروی فاتح جنگ میهنی در امر همزیستی  
مسالمت آمیز آنگونه شیفتگی نشان میدهد که  
آمریکایا با شانناژ، شروط باج خواهانه خود را  
در مذاکرات خلع سلاح سالت بر او تحمیل میکند  
و رهبران شوروی نیز شانناژ آمریکا را با جان  
و دل پذیرا شد و آثار واقع بینانه و هشیاری  
میانمند.

عبرتگیری از سیر انقلاب شوروی  
بررسی سیر تحولات درون شوروی همداری  
برای ما دارد، برادرانی که از تکلیف پیچیده  
دفاع میکنند و تفوق پیروزی در جنگ را مشروط  
به تکنولوژی برتری دانند باید به عاقبت چنین  
تفکری توجه داشته باشند.  
اما نکته ای که لازم است در نظر بگیریم  
تفاوتی است که میان انقلاب اسلامی ایران و  
انقلاب اکتبر در روش شناخت موجود است  
و روند سیر تحولات این دو انقلاب را از یکدیگر  
یکدیگر متمایز میگرداند. در انقلاب اکتبر  
رهبران حزب با تفکر مارکسیستی اصالت بازار  
اساساً قدرت مبارزه بنیادین با منطق  
رهبران ارتش را داشتند.  
در تفکر ایزارگرایانه رهبران حزب،  
منطق های ارتش پایگاه داشت و همین مسئله

## بررسی سیر فورمیسیم در شوروی

واقعاً جای تعمق و تأمل است که  
چگونه شوروی با آن همه تحولات و انسانهای  
جانناز، بعد از حماسه بزرگ میهنی از نقش  
سلاح آنگونه تحلیل بعمل آورد ۱۲  
و به گونه ای در مقابل تکنولوژی نظامی و  
پیچیده مرعوب شود که سه آمال در خون خفته  
بیش از بیست میلیون انسان در هین کجی کند  
در اوج بحران ایدئولوژیک سال ۱۹۲۰ -  
بد رستی تحلیل میکرد آن جناحی که، در  
انتقاد به گرایشهای اقتدارگرا و راه حل های  
اداری و تولیدگرای، آینده حاکمیت دستگاه  
بوروکراتیک حزب را اینگونه تصویر نمود: مابه  
وضعیتی خواهیم رسید که در آن تمام اعلامیه  
ها، پرچمها، سرود بین الملل و شکل شورایی  
دولت در ظاهر بحای خود باقی خواهد ماند  
در حالیکه محتوای اصلی همه اینها در گون  
شده است و این محتوای متناسب با انتظارات  
خواستهای و منافع قشر نوین بورژوازی است  
که در اتمام رشد میکند و کم آنرا روی ریل های  
یک سیاست کاملاً سرمایه داری خواهد  
ساخت. بورژوازی پوسیده سابق که از  
صدقه های دولت تزاری گذران سر میگرد  
بلطف انقلاب روسیه جای خود را به بورژوازی  
جدیدی خواهد داد که در مقابل هیچ چیز  
عقب نشینی نمی کند و راه خود را تحت عنوان  
ناسیونالیسم که با جمله پردازیها هر چه های  
انترناسیونالیسم مخفی شده است بسوی یک  
روسیه سرمایه داری و بورژوازی نوین، بزرگ  
و قدرتمند باز خواهد کرد.  
آن پیشگویی بخردانه و آن تبسرس  
هوشیارانه و عمیق نسبت به فرجام تخصصی

## از حماسه استالینراد تا ...

بار شد یافتن این گرایشات غرب نیز از  
دشمنی خود با استالین کاست و در یزد برش  
نظام تحت رهبری استالین آنگونه پیش آمد که  
با استالین دست اتحاد داد. با حاشیبنسی  
وی که زمانی در لیست سپاه سرسپردگان  
استالینیسیم قرار داشت گروترین ملاقاتها و  
مؤثرترین مذاکرات را انجام داد. با مرگ استالین  
خروشجف (موید متعلق و چاپلوس تعریفه های  
خونین و چرخشهای ایدئولوژیک پیشوا!!!)  
تئوری "اجتناب ناپذیر بودن جنگ با نظام  
سرمایه داری" را که از طرف استالین و هوادار  
سرسخت وی "مانکوف" تعقیب میشد سرود  
اعلام کرد. کار بجایی رسید که خروشجف  
تئوری همزیستی مسالمت آمیز استراتژی  
جهانی کمونیسم خواند. وی با پذیرش تئوری  
همزیستی مسالمت آمیز و رودگاه شرق و غرب،  
به غلبه گرایش نظامی و اصالت سلاح بر جریان  
ایدئولوژیک و پاسداری از ارزشهای انقلاب  
گواهی داد. این مجموعه فکری منسجم که به  
سازش همه جانبه با امریالیسم غرب و همگامی  
با استراتژی بازدارنده توسعه سلاح هسته ای  
کشید شد، شمره عقب نشینهای ایدئولوژیک  
حزب در مقابل خواستهای غیر اصولی بود و  
همچنین تسلیم در برابر توقعات ناسیجای  
متخصصین و کارهای ارشد ارتش بود.

فریاد من، فریاد من، آزاد عصیان زاده، من  
از خشم داور شعله ای در خرمن بیداده، من  
تا عشق تازد بی امان، بر عشق سوزان زمان  
از نای جان عاشقان، فریاد استمداد، من  
بشنو! مرا، بشنو! مرا، انسان از فطرت جدا  
آنک ندای فطرتم در کسوت فریاد، من  
با من مگوئید از سکون، آرامش مردابگون  
جوشم، خروشم، گوشم، با پوشم همزاد، من  
مردابیان، مردابیان، خیزید از خواب گران  
رگبارم و می آیم از اقلیم ابر و باد، من  
ای نسل خرمن سوخته، درس سکون آموخته  
یک روز خواهم بردتان تا شهر عدل دوداد، من  
تا کامتان شیرین کنم، بنیاد تلخی برکنم  
پیمان خونین پسته ام با تیشه فرهاد، من  
از عشق آوازی است این، تا عشق پروازی است این  
می خوانمش با عاشقان فریاد در فریاد من  
در التهایی دلنشین، چون لاله گرم و آتشین  
در انتظار عشق را تا سر دهد فریاد من  
دشمن از خواهر فاطمه را کمی،  
نقل از مجله پیام انقلاب

موجب عقب نشینی های اولیه آنها شده و  
تدریجاً اصالت تکنیک حاکم شد. ولی در  
ایران رهبران انقلاب از پیشی اصیل مبتنی  
بر اصالت انسان خداجو و عدالت خوا  
معتقدند. این بینش تحول والهی شدن  
انسانها را اساس پیروزی در جنگ میداند. امام  
خمینی در پیروزی فتح العین بزرگترین پیروزی  
رافتح قلوب انسانها دانستند.  
در ایران شعار مردم انقلابی پیروزی خون  
بر شمشیر است در ایران مردم الگوئی انقلاب  
خود را از صحرای کربلا و ائمه معصومین میگیرند  
که سرتاسر زندگی آنها سرشار از شیوه های  
اصالت انسان خداجو برتری اراده الهی  
بر سلاح های بظاهر نیرومند دشمن است،  
امید داریم که تمامی مسئولین و صاحب نظران  
به این نیاز اصیل که تحقق مکتب در تمامی  
شیوه های زندگی اعم از سیاسی، نظامی  
اجتماعی و ... بیش از پیش توجه نمایند.  
والسلام

با اسم رب حرکت کنید و با اسم رب انحرافات را مستقیم کنید



# سخن امام . . .

الگوی هستند که همه فرقه ها اعم از شیعه و سنی و . . . . . او را قبول دارند .

چنان بر صدام و استکبار غرب سیلی زنید که برق آن چشم استکبار برق را کور کند

..... ای آزادگان و احرار بیا خیزید قدرتهای بزرگ شرق و غرب میخوانند شمارادر زیر چکمه ها و پونکلهای کثیف خود خرد کنند که حتی آخ هم نگویند . امروز روز مقاومت است چنان بر صدام و امریکا و استکبار غرب سیلی بزنید که برق آن چشمان استکبار شرق را کور کند .

راه مجاهد

عده ای میخواهند شرق و شرق ستیزی را جریانی عمده کنند که از این مسئله غرب نیز خوشحال میشود و امریکا و وابستگانش بیماری این جریان میثتابند اما امام معتقدند آنچنان با غرب و امریکا درافتیم و سیلی به آنها بزنیم که از برق سیلی بغرب چشم شرق کور شود . یعنی اگر با غرب خوب مبارزه کنیم در دل آن با شرق نیز مبارزه خواهد شد . مثلا اگر با قرارداد شوم کمپ دیود که اتحادی از امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع عرب است خوب مبارزه کنیم با شرق نیز که موجودیت اسرائیل را به وسعت شناخته مبارزه کرده ایم . اگر شهری را عمده کنیم امپریالیسم و صهیونیسم خوشحال خواهند شد و شهری نیز از این طریق تقویت میشود . امام معتقدند امریکا، شهری را هم بسازی داده است . این گفته راهنمای عمل صریح و بدون ابهام است که اگر با غرب خوب مبارزه شود با شرق نیز مبارزه میشود . مثلا زمانیکه در ایران

اما ده سازی جهت ظهور و تشکیل جامعه صلواتی امام زمان حکما و لیه است چرا که همه اینها در راستای اصل امامت است . . . دخالت دادن اصل امامت و اصل انتظار فرج در احکام تحول بسیار عمیقی در فرقه سیاسی و اجتماعی انقلابی است .

لانه حاسوسی امریکا تسخیر شد موج این حرکت تمام منطقه را فراگرفت و در خاور میانه به سفارت خانه های امریکا حمله میشد این حرکت در خاور میانه باعث شد تا دکان ضد امپریالیستی شهری نیز تعطیل شود بعد که شهری به افغانستان حمله کرد این معادله عوض شده و جوشد شهری در منطقه بالا رفت که این مسئله هم به نفع امریکا شد ( که فراموش شود ) وهم به نفع شهری که با توجیه اینکه امریکاییها در افغانستان حاکم شده اند تجاوزش را توجیه کند و دکان ضد امپریالیستی اش نیز بسته نشود .

سخنرانی امام بمناسبت میلاد امام زمان ( ع )

مقدمه

در سالروز میلاد سعادت منجی عالم بشریت حضرت بقیه . . . . . ( ع ) گروهی از خانواد

اسلام است آنها مغبون ( فریب خورده ) بودند آنهایی که بازنگر نبودند مغبون بودند . . . . . این جمعیت که بعضی شان بازنگرند و بعضی شان نادان . این است که ما باید بنشینیم دعا کنیم به صدام هر کس نفرین به صدام کند خلاف امر کرده است برای اینکه حضرت دیر می آیند . \*

انتظار فرج بالاترین عبادت است انتظار فرج ایجاد آمدگی برای ظهور و تشکیل حکومت است یعنی حکما و لیه تزیین حکومت از تجلیات انتظار فرج است ، خود انتظار فرج است . اقامه عدل و نهي از منکر انتظار فرج است . انتظار فرج در راستای عبادات است . تشکیل حکومت هم حکم اولیه و در راستای عبادات است . عده ای میگویند اگر حکومت اسلامی تشکیل شد ما با آن همکاری خواهیم کرد در حالی که ما م تشکیل حکومت را تکلیف می دانند .

راه مجاهد

انتظار فرج بالاترین عبادت است انتظار فرج ایجاد آمدگی برای ظهور و تشکیل حکومت است یعنی حکم اولیه که از همان فقه عبادی روی آید . تزیین حکومت از تجلیات انتظار فرج است خود انتظار فرج است اقامه عدل و نهي از منکر انتظار فرج است . انتظار فرج در راستای عبادات است تشکیل حکومت هم حکم اولیه و در راستای عبادات است عده ای میگویند اگر حکومت اسلامی تشکیل شد ما با آن همکاری خواهیم کرد در حالیکه امام تشکیل حکومت را تکلیف میدانند حتی اگر چند نفر هستند باید حکومت تشکیل دهند . علیرغم شرایط ناساها باید تزیین حکومت داشت . امام حسین ( ع ) هم برای همین به سوی کوفه رفت چرا که تزیین حکومت متقین را داشتند . اگر شرایط مساعد نیست در این جهت باید کادر سازی کرد . بنظر میرسد امام از تزیین حکومت به تشکیل حکومت میروند لذا تشکیل حکومت اسلامی حکم اولیه میشود . آماده سازی جهت ظهور و تشکیل جامعه صلواتی امام زمان حکم اولیه است چرا که همه اینها در راستای اصل امامت است . بنظر میرسد علت اینکه امام حفظ نظام را از اهم واجبات و بالاتر از احکام میدانند این باشد که نظام جمهوری اسلامی در شرایط فعلی يك تشکل اسلامی بوده که در راستای جامعه امام زمان می باشد . دخالت دادن اصل امامت واصل انتظار فرج در احکام تحول بسیار عمیقی در فرقه سیاسی و اجتماعی انقلابی است . ( رجوع شود به مقاله فقه امام خمینی راه مجاهد شماره ۳۸ ) .

ادامه مطلب را از زبان امام می گیریم . . . . . اما صالیه این است که دست سیاست در کار بوده است همانطور که تزیین کرده بودند به ملتها که مسلمین و دیگر جمعیت های دنیا که سیاست کار شما نیست بروید سراغ کار خودتان

و آن چیزی را که مربوط به سیاست است باید به دست امپراطورها، اونها از خدا میخواستند که مردم غافل شوند و سیاست را بدهند دست حکومت و دست ظلم دست آمریکا دست شهری دست امثال اینها و اونها که از ناب اینها هستند و اینها همه چیز ما را ببرند همه چیز مسلمانها را ببرند همه چیز مستضعفان را ببرند و ما بنشینیم و بگوئیم که نباید حکومت باشد ؟

این يك حرف ابلهانه است . منتهی چون دست سیاست در کار بوده است . اشخاص کافر اینها را بازی دادند و گفتند شما کاری به سیاست نداشته باشید حکومت مال ما شما هم بروید توی مسجد ها یکسال بایستید نماز بخوانید چه کار دارید به این کارها .

اینهایی که میگویند که هر عملی بلند بشود و خیال کردند هر حکومتی باشد برخلاف انتظار فرج است اینها نمی فهمند چه دارند میگویند . اینها تزیین کردند بهشان تا این حرفها را بزنند . نمی دانند دارند چه چیزی میگویند . حکومت نبودن یعنی اینکه هم مردم و جامعه بریزند و بکشند و بزنند همه را و از بین ببرند همه را بر خلاف نص آیات الهی رفتار نکنند . ما اگر فرض می کردیم . . . . . روایت هم در این باب باشد همه را به دیوار میزدیم برای اینکه خلاف آیات قران است اگر هر روایتی بیاید که بگوید نهی از منکر نباشد آن را باید به دیوار زد . اینگونه روایات قابل عمل نیست . ولی این نغمه ها نمی دانند چه دارند میگویند . هر حکومتی باشد حکومت جبر است . بلکه شنیده ام بعضی از اشخاص گفته اند که خوب ما این وضعی که الان در ایران است دیگر مانعاید تهذیب اخلاق بکنیم . حتما باید استاد اخلاق در یک محیطی باشد که همه مردم فاسدند . شرابخانه ها همه بازند عرض میکنم که راههای فساد همه بازند . اگر جایی باشد او نجا دیگر تهذیب اخلاق لازم نیست نمیشود ، باطل است اینها يك چیزهایی است که اگر دست سیاست در کار نبود ابلهانه بود لکن آنها می فهمند دارند چکار می کنند اونها میخواهند ما را کتا بزنند البته این

علیرغم شرایط ناساها باید تزیین حکومت داشت . امام حسین (ع) هم برای همین به سوی کوفه رفت چرا که تزیین حکومت متقین را داشتند . اگر شرایط مساعد نیست در این جهت باید کادر سازی کرد . بنظر میرسد امام از تزیین حکومت به تشکیل حکومت میروند لذا تشکیل حکومت اسلامی حکم اولیه میشود . آماده سازی جهت ظهور و تشکیل جامعه صلواتی امام زمان حکم اولیه است چرا که همه اینها در راستای اصل امامت است . بنظر میرسد علت اینکه امام حفظ نظام را از اهم واجبات و بالاتر از احکام میدانند این باشد که نظام جمهوری اسلامی در شرایط فعلی يك تشکل اسلامی بوده که در راستای جامعه امام زمان می باشد . دخالت دادن اصل امامت واصل انتظار فرج در احکام تحول بسیار عمیقی در فرقه سیاسی و اجتماعی انقلابی است . ( رجوع شود به مقاله فقه امام خمینی راه مجاهد شماره ۳۸ ) .

ادامه مطلب را از زبان امام می گیریم . . . . . اما صالیه این است که دست سیاست در کار بوده است همانطور که تزیین کرده بودند به ملتها که مسلمین و دیگر جمعیت های دنیا که سیاست کار شما نیست بروید سراغ کار خودتان

پرو کردن دنیا از عدالت این را ما نمیتوانیم بکنیم اگر میتوانستیم می کردیم اما چون نمیتوانیم بکنیم ایشان باید بیایند . الان عالم پر از ظلم است شما يك نقطه هستید در عالم عالم پر از ظلم است . ما بتوانیم جلوی ظلم را بگیریم . تکلیفمان است ضرورت اسلام و قرآن تکلیف ما کرده که برویم همه کار را بکنیم چون نمیتوانیم باید ایشان بیاید تا بکند . اما ما باید فراهم کنیم کار را فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم . همه بکنیم که عالم مهیا باشد برای آمدن حضرت ( ع ) .

والسلام

## لسان نصیحت کردن غیر از لسان سخن کردن ضایع کردن است امام خمینی



# اخلاق غربی راسل

از دیدگاه شهید مطهری



تمام مکتبهای اخلاقی نفع طلبی را برضد اخلاق میدانند الا راسل که میگوید نه آقا اخلاق را از راه همان نفع طلبی باید درست کرد منتهی به نفع طلبی هوشیارانه و دوراندیشانه. انسان اگر منافع خودش را با دوراندیشی بخواد تعیین بکند این میشود اخلاق.

اجتماعی و مصلحت اجتماعی تطبیق میکنند هماهنگ میشود آن وقت میشود اخلاق. چطور؟ مثلاً فرض میگوید، خودش مثال میزند. من مثلاً میدانم کلاه همسایه ام یک گاو شیرده خوبی دارد، خوب

## اشکال اساسی در سازمان روحانیت

از دیدگاه شهید مطهری

استاد مطهری در مقاله ای تحت عنوان "اشکال اساسی در سازمان روحانیت" مریض به سخنرانیهای ایشان در سال ۴۰ به ریشه یابی علت های سکون و رکود در روحانیت پرداخته و علت آن را "عوامزدگی" و "وابستگی مالی روحانیت به عوام" می یابد. شهید مطهری از روی دلسوزی و احساس مسئولیت نسبت به روحانیت و همچنین نگرانی فکری که از عدم تحریک روحانیت داشته است، به این ریشه یابی می پردازد. لذا اصلی ترین نقطه قوت این مبحث استاد، طرح این مسئله و اهتمام نسبت به حل آن می باشد.

نکته مهم دیگر را این گفتار ایهیتی است که استاد به این امر می دهد که روحانیت بعنوان نیرویی که خود را پیشوای فکری مردم میدانند در حرکت های اجتماعی - سیاسی نیز می بایست به این ادعا عمل کرده و صرفاً تابع خواست های پاتخاذهای عوام نباشد.

استقلال و حفظ حریت روحانیت، به این صورت که نه تابع عوام باشد و نه وابسته به دولت و شاه و قدرتهای قابل توجه دیگری است که در مبحث استاد مطرح گردیده است. اینک جهت بررسی اجمالی نظرات شهید مطهری در زمینه این ریشه یابی بخشی از مقاله ایشان از نظر میگذرد: "..... خاصیت عوام این است که همیشه با گذشته و آنچه به آن خو گرفته ایمان بسته است، حق و باطل را تمیز نمیدهد. عوام هر تازهای را بدعت یا هوی و هوس می خواند، ناموس خلقت و مقتضای فطرت و طبیعت را نمی شناسد، از این رویا هرنوی مخالفت میکند و همیشه طرفدار حفظ وضع موجود است. ما هم اکنون می بینیم که عوام الناس به مسائلی جدی از نوع توزیع

هر کس فقط خودش را می خواهد. هیچوقت نمیشود آدم غایت فعلش کسی دیگر باشد و بخواهد هدف را خیر کسی دیگری قرار دهد کانت گفته است وجدان اخلاقی. وجدان اخلاقی اصلاً ما نداریم احساس تکلیف، احساس تکلیفی وجود ندارد. اصلاً وجدان دروغ است. آن دیگری گفته زیبایی فعل، میگوید ما دیگر زیبایی و نازیبایی در فعل نمی فهمیم، آنکه گفته زیبایی روح، ما روح زیبا و نازیبایمان نمیشود آن یکی گفته عقل مجرد و روح مجرد، میگوید اصلاً به روح مجرد قائل نیستیم. پس می گوئیم به اخلاق قائل هستی یا نه؟ خوب کسی نمی شود منکر اخلاق شود. در عین حال که کسی نمیشود منکر اخلاق شود میگوید بله من به اخلاق قائل هستم. می گویی خوب اخلاق را بر چه اساسی توجیه میکنی و اتفاقاً خود از علمدار های اخلاق است و یکمده ای گول حرف هایش را خورده اند و او را یک آدم انسان دوستی میدانند و من مکرر گفتم این آدم "راسل" فلسفه اش برخلاف شعارهایش هست شعار انسان دوستی می دهد و در فلسفه خودش برضد انسان دوستی حرف می زند، اصلاً انسان دوستی، فلسفه راسل دروغ محض است."

اخلاق راسل ترکیبی است از هوشیاری و دوراندیشی و نفع طلبی می گوئیم آقا اخلاق چیست؟ میگوید اخلاق میدانید چیست، اخلاق ترکیبی است از هوشیاری و دوراندیشی با نفع طلبی تمام مکتبهای اخلاقی نفع طلبی را برضد اخلاق میدانند الا راسل که میگوید نه آقا اخلاق را از راه همان نفع طلبی باید درست کرد منتهی نفع طلبی هوشیارانه و دوراندیشانه انسان اگر منافع خودش را با دوراندیشی بخواد تعیین بکند این میشود اخلاق.

چطور: میگوید عقل که در خدمت طبیعت انسان است عقل یک چراغ است برای انسان خوب چراغ کاری ندارد چراغ در اختیار آن کسی است که چراغ بدستش هست به هر طرف که میخواهد چراغ هم آن طرف می رود و راهی را روشن میکند. تا انسان عقلش را در خدمت منفعت خودش قرار میدهد. عقل در خدمت منافع انسان است، میگوید ولی عقل اگر شعاع خیلی وسیع باشد آدم شعاع عقلش آنقدر ضعیف نباشد که فقط جلوی پایش را ببیند اگر بخواهد جلوی پایش را ببیند منفعت پرست میشود. فرد پرست میشود خود پرست میشود لزومی ندارد ما با خود پرستی و منفعت پرستی مبارزه کنیم نه آقا منفعت پرست باش ولی دوراندیش هم باش، هوشیار هم باش. این شعاع عقلت را طولانی تر کن یک متر را بکن دو متر دو متر راده متر، ده متر راصد متر، صد متر هزار متر یعنی توجه به عکس العمل های کا خودت داشته باش، اگر شعاع دوراندیشی دور باشد آنوقت منفعت فردی با منفعت

مقدمه: از آنجا که نظریه اخلاق غربی و قرار دادی - در جامعه ما خیلی نفوذ دارد بر آن شدم تا در تمام مقاله "مرز بندی اخلاق قراردادی و اخلاق فطری" در راه مجاهد شماره ۴۲ بخشی از سخنرانی آیت اله شهید مطهری را پیرامون اخلاق غربی راسل بیاوریم در آن مقاله نوشتیم: یکی از وجوه تمایز اسلام رویاروی غرب و اسلام مکمل غرب در نوع اخلاق یعنی "اخلاق فطری" و "اخلاق قراردادی" بود. اخلاقی که اصول ثابتی نداشته باشد و بر اساس منافع فرد یا طبقه ای تغییر نماید اصطلاحاً "اخلاق اعتباری یا قراردادی و غربی" نامیده میشود در مقابل به اخلاقی که مبنای ارزشهایش صفات الهی است "اخلاق فطری و الهی" اطلاق میشود.

با توجه به نفوذ و گسترش اخلاق قراردادی و غربی در رفتار و کردار ما و اینکه حتی در معارف اسلامی ما به شکل سیستماتیک نفوذ کرده و با اخلاق اسلامی منتهی شده در آن مقاله با جمع آوری نمونه های اخلاق فطری و اخلاق قراردادی در زندگی روزمره و روابط اجتماعی و سیاسی و اقتصادی به مرز بندی اخلاق الهی و اخلاق غربی و قراردادی پرداختیم. تا اخلاق غربی و قراردادی را شناخته و از جامعه اسلامی و انقلابی خودمان پاکسازی کنیم.

انگیزه و هدف: در جامعه ما متداول است که در مواقع شکست همه گناه، کوزه ها را سرفرد ضعیف می شکنند. یا به کسی که مقام و ثروتش و قدرتش از دیگران بیشتر است، احترام می گذارند و خطاهای بزرگ او را کوچک جلوه می دهند. نسبت به گروه های سیاسی در جامعه انقلابی خودمان هم بدین منوال رفتار میشود. آیت اله منتظری در همین رابطه خطاب به فرماندهان سپاه بدین مضمون میگویند: همه حسابرسی ها ضعیف کشی نباشد. صرفاً از بسجی ها حسابرسی نشود بلکه از مسئولین هم بشود که مثلاً برنامه ها برای چهار سال آینده جنگ مملکت چیست؟ و به تناسب ضرب المثلی است که میگوید آیا دیواری از دیوار ما کوتاه تر نیست؟

"اخلاق غربی راسل" شهید مطهری: یک نظریه دیگری هست که امثال برتراند راسل این نظریه را تعقیب میکنند آن نظریه این است، اینها که مادی هستند، مادی سلک هستند هم از نظر جهان و هم از نظر انسان، هم در پاره جهان مادی فکر میکنند، هم انسان را یک موجود مادی میدانند اینها میگویند آقا این حرفها یعنی چه قیامت فعل، غیر باشد، احساسات غیردوستانه اینها دروغ است. اینها تعارف است. هیچوقت آدم احساس غیر دوستانه ندارد.

شک ندارد که در ابتدا منفعت جویی من حکم میکند گاو همسایه را بدزدیم. این طبیعی است برای انسان ولی عقل دارم، هوشیاری دارم که این بدون عکس العمل نیست. من اگر بیایم گاو همسایه را بدزدیم همسایه هم فردا می آید گاو مرا می دزدد بعد آن یکی هم آن یکی و آن یکی، آن یکی من چون خواستم به منفعتی برسیم من اگر تجاوز کنم به منافع دیگران دیگران به منافع من تجاوز میکنند. پس میگویم مصلحت همین است که نه من نه تو گفتم نظریه راسل برضد انسان دوستی است و برخلاف شعارهای خود اوست. این نظریه ریشه اخلاق را زیرکانه زده است بنا بر نظریه جناب راسل اخلاق در کجا فقط میتواند اخلاق باشد در هر کجا که انسان نگران عکس العمل سو، دیگران برضد منافع خودش باشد. در اینجا هم یک آدم ضعیف بنا بر نظریه راسل اگر هوشیار باشد عمل ضد اخلاقی انجام نمی دهد دیگران صد برابر می آیند منافع او را بخطر می اندازند یک آدم که نیروی دیگران را مساوی نیروی خود میداند، با عمل ضد اخلاقی انجام نمی دهد. چون میداندهمان اندازه ای که من می توانم از دیگران ببرم دیگران هم میتوانند از من ببرند به جناب راسل می گوئیم اخلاق در درجه اول آن اخلاقی است که بتواند اقویاً را کنترل کند. بنا بر نظریه راسل کار اقویاً ضد اخلاقی نیست و ایراد بزرگ بر راسل همین است.



بقیه از صفحه ۲

درس‌هایی از ضربه‌های ...

سرد می‌آشکار می‌شود. این مسائل باعث می‌شود که توانمندی نظامی ما متناسب با میزان فشار دشمن علیه ما نباشد.

کمی‌بود نیروی مملکتی که بیش از ۲۰ میلیون جوان دارد و مقاطع مخصوص هنگام تشدید فشار دشمن استقامت و پایداری خود را نشان داده‌اند، ضعفی استراتژیک به حساب آمده که برخی از دلایل آن به شرح زیر است:

**تغافل اصول و شیوه‌ها:** در مواضع خارجی خواهان عدالت، آزادی، مبارزه با استکبار، وحدت نیروهای مبارز و معارض با استکبار هستیم لیکن در داخل، بسیاری از نیروهای سابقه دار بعثت داشتن مواضع مغایر با مخالف کنار گذاشته شده، آزادی آنها سلب و حکم عدل در مورد آنها اجرائی می‌شود. از سویی هر شخصیت سیاسی خارجی که فقط علیه ما موضع‌تدارد و با لفظ "ماراتائید" می‌کند مورد استقبال قرار گرفته و کشورش را کشور دوست و برادر خوانده می‌شود. و بسیاری از شخصیت‌های داخلی که عمرشان را برای تأیید اسلام و استقلال ایران گذاشته‌اند مورد طعن و لعن و متهم به گرایش به سیاستهای استکباری می‌شوند که ما خود عامل مستقیم آنها را دوست و برادر می‌دانیم. از سویی یک نهفت انقلابی در خارج با داخل بعثت سازشکاری در مواضع مورد سرزنش قرار می‌گرفت ولی آنها یک روزندگی شان جز شازش هیچ نداشته‌اند. یعنی اهلاً کاری به مبارزه نداشته‌اند، مدرس و مصلح اخلاق و مرشد جامعه می‌شوند.

در وضع قوانین و اجرای آن، مصالح مستضعفین یعنی عدالت الهی در نظر گرفته نشده تا جائیکه به این دلیل موضعگیری‌های حناخی در ارکان قانونگذار

تمامی این اموری باعث می‌شود که طیف‌های مختلفی نسبت به ماهیت رژیم مشکوک شده و طبعاً برای کمک به آن نیرو آزاد نکنند. اندک اندک نظام مملکت و بخصوص وجهه درگیری نظام با استکبار غرب بعثت در ورشکندگی از توانمندی اصلی انقلاب کم کیفیت شده و توان مقابله با نیروهای متحد استکبار کم می‌شود. گرچه نظام جمهوری اسلامی و جنبه جنگ بعثت ماهیت اصلی، عدالت و ضد استکباری خود را در سازش و "مولد" است لیکن آنچه که در مقابل نظام استکباری شاهنشاهی و حامیان امپریالیستی او ایستاد مجموعه‌ای از انتشار استقلال طلب و مبارز جامعه بود. و از تمامی مایه‌های ضد استکباری موجود در وجود هر فرد و جریانی استفاده شد ولی اکنون فشاری بیشتر از چند سال پیش را متحمل می‌شویم ولی انتشار بسیاری را بعثت بکارگیری شیوه‌های غلط از دست داده‌ایم. انتشاری که می‌توانستیم آنها را از دست ندهاده و در کنار انقلاب نگه داریم.

**کم یهادادن به مردم عراق:** از سویی شعار اصلی جنگ آزادی قدس از طریق گریلاست و در جنگ، باعث آزادی گریلا را استحوص کنیم و از سویی دیگر شیوه‌های نظامی که برای این امر بکار گرفته می‌شود رشد روحیه قیامگری در مردم عراق را در بر ندارد. چند سال است که در تلافی و بایر خا ابتدا به ساکن شهرهای عراقی را با آتش توپخانه و هواپیما و موشک مورد حمله قرار می‌دهیم برای تصرف یک منطقه بجای رشد و جذب آنها شیوه تخلیه و تصرف را در پیش می‌گیریم این شیوه مقابله به مثل باعث آن می‌شود که ملت عراق اگر مصداق را قبول ندارد بسوی ما هم متغایر نشود و طبعاً حرکتی در جهت نفی سلطه بعثی‌ها انجام ندهند.

آزادی گریلا را می‌بایست بارشود و قیامگری مردم عراق بدست آورد. یعنی همان مطلبی که امام در پیام به مردم بعثه در سال ۶۱ بیان فرمودند: طبیعی است

مستضعفان سفاک بعثت عدم هوشیاری نسبت به خط مشی جدید استکبار و اینکه در آستانه تهاجم و بزرگتری از تهاجم و جنگ قرار گرفته‌ایم در جبهه‌ها نیز آرایش نظامی ما با خط تهاجمی جدید مطابقت نداشت.

که روحیه ارتش کشوری که مورد تهاجم است و غیرنظامیان و کودکان و مردم آن کشور بجای سردمداران کشته می‌شوند، بالا رفته و انگیزه مند شوند. یکی از دلایل پیروزی اعجاب انگیز نیروهای ما پس از تشدید حملات موشکی به شهرها و مناطق مسکونی بود. طبعاً نیروهای عراقی نیز در پی حملات موشکی ما به مناطق مسکونی انگیزه مند شده و بر قدرت نظامی شان افزوده می‌شود. تقویت انگیزه‌های ارتش عراق بر اثر شیوه‌های غلط مقابله به مثل مسئله‌ای است که چشم ما پوشیده مانده و از انگیزه مند شدن عراقی‌ها برای دفاع و باز پس‌گیری سرزمینشان غافل شدیم.

در مرحله گریلا، جنگ نیروی چندانی روی رشد و قیامگری مردم عراق گذاشته نشد و از آنجا که در هم شکستن قوای متجاوز عراقی بوسیله نیروهای جمهوری اسلامی حرکت محوری بود، برای رسیدن به این هدف عجله هم نداشته و نسبت به رشد تحول در مردم عراق هم تا حدی مایوس بود. ما هم گروه‌ها و مبارزین عراقی را هم به جای تشویق به ماندن در مملکت خود و "ایجاد تحولی در درون" در جبهه‌های جنگ خود نفع‌سال

و اخراجی مملکت ایجاد شد و روحانیت انشعاب بوجود آمد. گرچه سیر تحولات داخلی اساساً بفتح خط منکس عدالت خواهی و "کنسرستی" بوده است لیکن وقفه چند ساله در اجرای منویات انقلاب اسلامی بسیاری از مستضعفین را نسبت به ماهیت نظام دچار شک و انفعال کرده و بسیاری از نیروهای سابقه دار نیز انگیزه‌های برادری، برابری و تحقق حکومت عدل علی را از دستند نسبت به نظام جمهوری اسلامی متغافل شدند.

یکی از خطوط دست‌اندرکاران امور خارجی ما، شعار وحدت در صفوف مسلمین و کشورهای اسلامی است و این در حالی است که در داخل سعی نمیشود با آنها یکی گسه اسلامیت شان محرز تر و مسلم تراست وحدت برقرار شود. در سمینارها و کنفرانس‌ها و هفته‌ها... از بسیاری که نان اسلام را می‌خورند دعوت بعمل می‌آید لیکن آنهاست که برای اسلام خوب خوردند ولی طرز تفکرشان نامایکی نیست به یاد آورده نمی‌شوند و همین حذف شدن هاباعت می‌شود که علقه‌ها و وحدت‌هایی که با جمهوری اسلامی دارند کمتر شود.

کردیم. شکی نیست که حضور جاهدین عراقی در صفوف مانعش بسزائی در پیروزی عملیات‌های ما دارد ولی اگر آنها را بی‌ن هشت ساله در داخل کشور خود عمل می‌کردند وضعیت عراق به همین صورت بود؟ آیا اگر نساو هم مانند حلبچه با همکاری نسبی مردم منطقه فتح می‌شد، عراق می‌توانست براحتی با استفاده از سلاح شیمیایی آن راز را پس بگیرد؟

دقت داشته باشیم که اتحادیای نیروهای کرد را تا کنونی نگرفتند و عمیقاً در جهت پیوند با مردم کرد و جریانی نهایی سالم کردی پیش برویم. اتحادیه میهن پرستان کرد با گروه‌های بی‌بند خورده است که مرام سوسیالیستی داشته و با اتحادیه بین المللی سوسیالیستها ارتباط دارند و از آن طریق براحتی می‌توانند تحت تاثیر صهیونیستها و سوسیالیست‌های اروپائی (نظیر میتران و...) قرار گیرند. در صورت پیوند نخوردن عمیق با مردم کرد خطراتی که دنیا را از ماجدا کرده و مناطق شمالی عراق را هم از دست بدهیم وجود دارد.

پیروزی‌های نیروهای اسلام در جبهه‌ها شمال غرب نقش پیوند با جریانیهای مردمی عراق را در پیش برد امر جنگ نشان داد. در رابطه با پیوند خوردن با گروه‌های مبارز عراقی و نکته قابل ذکر وجود دارد.

۱- اینکه دقت داشته باشیم که اتحاد بانیه‌های کرد را تا کنونی نگرفته و عمیقاً در جهت پیوند با مردم کرد و جریانیهای سالم کردی پیش برویم. اتحادیه میهن پرستان کرد با گروه‌های بی‌بند خورده است که مرام سوسیالیستی داشته و با اتحادیه بین المللی سوسیالیستها ارتباط دارند و از آن طریق براحتی می‌توانند تحت تاثیر صهیونیستها و سوسیالیست‌های اروپائی (نظیر میتران و...) قرار گیرند. در صورت پیوند نخوردن عمیق با مردم کرد خطر اینکه دنیا را از ماجدا کرده و مناطق شمالی عراق را هم از دست بدهیم وجود دارد.

۲- اینکه پیوند با یک گروه سوسیالیست میهنی برخلاف شیوه‌ای است که در سالهای بعد از انقلاب در رابطه با جریانیهای ملی و چپ‌گرا در پیش گرفته شد. آیا اگر همین شیوه با گروه‌های داخلی که از اذالت و استقلال بیشتری هم برخوردار بودند در پیش گرفته می‌شد، جلوی بسیاری از انحرافات و انفعالها و از دست رفتن نیروهای انسانی گرفته نمیشد؟

۳- در شرایط فعلی نیروهای اصلی‌تر از طالبانی و بارزانی هم در داخل کشور وجود دارد. آیا بهترین سیاست که تصحیح مواضع و شیوه‌ها را از تصحیح روابط با درونی‌ترین ترین اقشار انقلاب شروع کنیم؟ اگر جنگ صرفاً بشکل نظامی پیش رفته و پیوند خوردن با جریانیهای اصلی و انقلابی درون عراق و ایران همسرا نباشد مسما ضربه‌های هواناگتری از نساو و شلمچه خواهیم خورد.

**تغافل خط مشی نظامی با شیوه‌های سیاسی برای پایان یافتن جنگ**

از دو سه سال پیش آگاهان سیاسی، از قصد برخی از مسئولین به پایان دادن به جنگ از طریق دیپلماتیک مطلع بودند حرکت نظامی بمنظور کسب قدرت سیاسی و نامید کردن غرب از ثبات حکومت عراق حرکت نظامی بمنظور نشان دادن ثبات نظامی جمهوری اسلامی و حذف خریداران نفت از نخستین طایفه‌های این حرکت بودند و این سیر

کم کم به حرکات نظامی به منظور چانه زدن و نهایتاً مذاکرات مستقیم با حامیان عراق هم انحامید. شکی نیست که حرکت سنیایی برای پیروزی در جنگ امری است ولی جای سؤال است که آیا عملیات سیاسی می‌بایست جانشین عمل نظامی شود و بایر عمل سیاسی محور بوده و عملیات در جبهه جانشین و کاتالیزور فعالیت‌های دیپلماتیک قرار گیرد

دقت داشته باشیم که اتحادیای نیروهای کرد را تا کنونی نگرفتند و عمیقاً در جهت پیوند با مردم کرد و جریانی نهایی سالم کردی پیش برویم. اتحادیه میهن پرستان کرد با گروه‌های بی‌بند خورده است که مرام سوسیالیستی داشته و با اتحادیه بین المللی سوسیالیستها ارتباط دارند و از آن طریق براحتی می‌توانند تحت تاثیر صهیونیستها و سوسیالیست‌های اروپائی (نظیر میتران و...) قرار گیرند. در صورت پیوند نخوردن عمیق با مردم کرد خطراتی که دنیا را از ماجدا کرده و مناطق شمالی عراق را هم از دست بدهیم وجود دارد.

این حرکات برای کسانی که خاتمه‌پروزمندانانه جنگ را در این راه حل می‌بینند، عملی مطابق با تشخیص تکلیف است لیکن سردادن شعار جنگ در رگزار این روند، باعث می‌شود که اولاً بسیاری نسبت به صداقت مسئولین شک نمایند و انگیزه‌شان برای حضور در جبهه‌ها کم شود. ثانیاً بایر بکارگیری این شیوه سیر رشد طبیعی جبهه‌ها، تابع اهداف و تحلیل‌های سیاسی شده و بسیاری از عملیات حاضر به خورده و نیروهای بسیاری را از دست می‌دهیم. هنگام حمله دشمن نیز آنهاست که احساس می‌کنند مسئله جنگ پشت میزهای مذاکره در حال حل و فصل است انگیزه‌های برای دفاع و ایثار در خود نمی‌بینند.

**افزایش تکنولوژی وابسته در جنگ**

جنگی که بدلیل روحیه اسلامی استقلال طلبی و "زیر بار شرق و غرب نرفتن" و "مبارزه علیه مستکبرین" به ماتحمل شده است، از چند سال پیش روند متکی شدن به سلاحهای سنگین و تجهیزات انبوه خریداری شده بوسیله در آمد نفت را طی کرده است.

شکی نیست که دشمن با پیشرفته‌ترین سلاحها به ما حمله می‌کند. برای مقابله با این سلاحها در واره در پیش است یکی بی خاصیت کردن سلاح بوسیله شیوه‌هایی مانند "موتور آبی جی" در مقابل تانک‌های پیشرفته، "حفر کانال" در مقابل آتش سنگین توپخانه و تیربارهای سنگین و "احداشنگر" در شهر و جبهه برای مقابله با توپ و موشک و هواپیما... دیگری خرید موشک‌های پیشرفته، بکارگیری آتش تهیه سنگین تراز دشمن در شیوه اول هم عملیات روی بکارگیری سلاحهای مدرن (بخصوص سلاحهای ضد هوایی) طراحی نمیشود و هم با تهدید جدی غرب به انهدام مراکز صادراتی نفت گاهش قیمت نفت و محاصر تسلیحاتی، حساس و کتابهایمان بهم نریخته و روحیه‌مان را از دست نمی‌دهیم.

یکی از دلایل اصلی ضربه گویای این بوده است که در طراحی مقابله با حملات سنگین هوایی دشمن، روی سلاحهای حساب می‌کردیم که موقع عملیات در منطقه نبود و ما نیز خود را برای بکارگیری شیوه‌های دیگری برای مقابله آماده نمودیم.





# پرتوی از قرآن

## درسهایی از مرحوم طالقانی

مقدمه پرتوی از قرآن :

" هر اندازه مباحث قرائت ولغت و اعراب و مطالب کلامی و فلسفی در پیرامون آیات قرآن وسعت میافتد اذهان مسلمانان را از هدایت وسیع و عمومی قرآن محدودتر میساخت . این علوم و معارف ما ننسند فانوسهای کم نور و لرزان درسیا بان تاریخ طوفانی است که اگر اندکی پیرامون نزدیک را روشن دارد از پرتو پودا مننه اخترا ن فروزان محبوب میدارد ، پندارها شیکه از مغزهای برمیخاست ، آنگاه از قرآن و عقل برای اثبات آنها دلیل آورده میشد ، مانند مه متراکم و ممتدی گشت و آفاق قرآن را احاطه نموده مانع تابش مستقیم آیات قرآن بر نفوس گردید . اگر مسلمانان خود را از میان این ابرهای پندارها و اندیشهها برتر آرند و با توجه و درک صحیح استنباطهای مستدل و معقول محققین ، آن محیط بی آرایش فکری و فطری را با زیابند ، پرتو هدایت آیات بر نفوس آنها خواهد تافت و عقول خفته و خود باخته ، در راه درک حقایق وجود و دریا فست طرق خیر و شر برانگیخته خواهد شد . مقصود از برگشت به محیط فطری اولی این نیست که به رسوم زندگی و خانه و لباس آن مسلمانان اولیه برگردیم ، مقصود اینست که خود را از محکومیت آراء و اندیشهها و ظواهر تمدن بی پایه زمان برهانیم . جمله " هدی للمتقین " قرآن را کتاب هدایت و متقین را موضوع هدایت معرفی نموده ، مقصود از تقوا و متقین شاید وسیعتر از آنست که بذهنهای ما نوس پیشی بگیرد زیرا این اتقاء " وقایه گرفتگی " بمعنای وسیع ، در عمل خودداری از معاصی و در نفس خودداری از طغیان شهوات و تحریکات نفسانی ، و در عقل حریم گرفتن و برتر آمدن از نفوذ و دخالت آراء و عقاید و معلومات بشری است ، این خود عالیتترین مرتبه تقوا میباشد . آن تحولیکه برای مردم فطری و ساده نخستین پیش آمد ، آن عقدهها شیکه با زشد ، آن حرکت عقلی و معنوی و اصلاح خلقی و اجتماعی که پدید آمدن سبب هدایت صریح و بی آرایش قرآن بود ، آیاتیکه از زبان رسول خدا (ص) و مسلمانان مؤمن ، بی حساب اصطلاحات و معلومات بر نفوس آماده میتابید اگر در همان زمان با بحثهای ادبی و کلامی و جدل آمیخته میشد و حوزه درس برای فهم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
فَقُلْ اللَّهُ الْمَجِيدُ  
عَلَىٰ الْأَعْدَاءِ أَجْرًا عَظِيمًا

در سیرت تاریخ تشیع همواره جریانهای مرموز و ناشناخته وجود داشته که سعی نموده اند با جوسازی و بوجود آوردن شبهات از رشد جریانهای اصیل جلوگیری کنند و یا به عبارت دیگر از گسترش تفکرات مکتبی آنها جلوگیری میکردند . مرحوم آیت الله طالقانی یکی از کسانی است که در تاریخ معاصر ما بی نصیب از هجوم فکری و فرهنگی این جریان مرموز نبوده و به طرق مختلف سعی شده تا جوانان عمیق آن مرحوم جدا کنند و جای بسی تأسف می باشد که مدعیان دوستی ایشان هم به این مظلومیت خو گرفتند . تحلیل ظاهری از شخصیت آیت الله طالقانی دردی را دوا نمیکند ، چرا که تجلیل واقعی آنست که نقطه نظرهای عمیق و همه جا نبه مرحوم طالقانی را در راستای پی بردن به واقعیت تعالیم قرآن و روشهای نشات گرفته از آن مورد مطالعه قرار دهیم ما تلاش بر این داریم که بخشهایی از نقطه نظرهای قرآنی آن مرحوم بزرگوار را ارائه دهیم به امید اینکه این کار قرآنی موجب شادی بیشتر روح آن بزرگوار شود .

انشاء الله

نوشتند ، بعضی آیات قرآن را در فلسفای مطالب و اصطلاحات کلام و فلسفه پیچیدند ، مانند فخر رازی ، یا عرفان و تصوف و تاویلات مانند ملا عبدالرزاق کاشانی ، بعضی بنقل احادیث و روایات اکتفا کردند ، از عامه مانند طبری ، و از خاصه مانند مفسر عالیقدر صافی . مطالب و تحقیقات مستند و درست مفسرین آنگاه میتوانند در فهم قرآن از جهت هدایت موثر باشد که خود در پرتو هدایت قرآن قرار گیرند ، آنگاه از منظر اینها به قرآن نظر شود . احادیث صحیح و مستند به منابع وحسی پیرامون تاء و بل اشارات و تطبیق کلیات و بیابان جزئیات احکام و شرح هدایت میباشد اینگونه احادیث نمیتوانند حجاب قرآنی باشد که خود کتاب مبین و نور و بصیرت و هدایت برای متقین است . قرآن که از جهت سند و دلالت برتر است چگونه میتوان فهم هدایتی آن مستند با حدیث یا شد ؟ قرآن مؤمنان و کافر و عامه ، مردم را از جهت آنکه انسان و بی جوی نور هدایتند مخاطب قرار داده نه از جهت آنکه متکلم با ادیب یا راوی حدیثند . جای خالی این تفکر ، تفکری که شیوه عمل را از صفات خدا استنتاج میکند ، در سالیهای بعد از انقلاب کاملاً مشهود است . اگر برای هدایت جوانهای " فریب خورده " به دادمان جریانهای انحرافی افتاده ، صفت رحمت خدا را راهنمای عمل خود قرار می دادیم . بسیاری از آنها را که اکنون بادر دست دشمنان و یا از بین رفته اند ، از دست نمی دادیم . . . . با این امید که این شیوه راهنمای عمل همه مسئولین و دلسوزان انقلاب اسلامی قرار گیرد .

تفسیر سوره حمد

تکرار کلمه الرحمن الرحیم ، پس از رب العالمین ، لطف مخصوصی دارد : که رسوبت حق از جهت قهر و غلبه و فشا بر موحسودات در پرتو این دونوع رحمت پرورش میابند و هر مری و معلم و حاکمی آنگاه تربیتش به ثمر میرسد که با مهر و محبت با شد و نظام تربیت خلق با خالق و انسان و جهان هم آهنگ شود . با امیدگام برداشتن بسوی " دلیل اول قرار گرفتن قرآن " درک قرآن بوسیله روش تعقل قرآنی " و " راهنمای عمل قرار گرفتن قرآن در حیطه علم و عمل " .

اینگونه مطالب تشکیل میافتد بیقین چنین اثری نداشت . بمقیاس توسعه سرزمینهای اسلامی و تغییر معیشت مسلمانان ، و رواج علوم جدلی و پیدایش متخصصین فنی ذهنها محدود و آیات قرآن از زوراء عدسیهای معلومات محیط تجزیه شد و بزرگ همان بلورها در آمد و روی فطرت عامه از انعکاس نور کامل و جامع هدایت قرآن برگشت و هر دسته ای بسه ذوق و سلیقه خود از درجه آراء مفسرین و کتب تفسیریه قرآن نظر دوختند ، و هر یک از مفسرین در حد معلومات و فن خود قرآن را تفسیر کردند " بعضی در حدود فن معانی و بیان و بلاغت و ادب و اعراب مانند مخشری و بیضاوی تفسیر

او برای اسلام به منزله حضرت ابو ذر بود . امام خمینی



- مفاد منشور ملل متحد، بویژه تعهد کلیه دول عضو مبنی بر اینکه اختلافات بین المللی خود را از طریق صلح امیزه گونه‌ای حل و فصل نمایند که صلح و امنیت بین المللی و عدالت به مخاطره نیافتد را یادآوری مینماید .  
- حکم میکند که در رابطه با درگیری بین ایران و عراق، نقض صلح حصادت شده است .

- با اقدام بر اساس مواد ۴۰ و ۳۹ منشور ملل متحد :  
ماده ۱ : خواستاران است که به عنوان اولین اقدام جهت حل و فصل مناقشه از طریق مذاکره، ایران و عراق يك ائتلاف فوری را رعایت کرده و به تمامی عملیات نظامی در زمین و دریا و هوا خاتمه داده و تمام نیروهای خود را بدون تاخیر به مرزهای شناخته شده بین المللی بازگردانند .

ماده ۲ : از دبیرکل درخواست میکند که يك تیم ناظر سازمان ملل را برای بررسی، تأیید و نظارت بر ائتلاف و عقب نشینی نیروها اعزام نماید و همچنین از دبیرکل درخواست مینماید با مشورت طرفین درگیر، تدابیر لازم را اتخاذ نموده و گزارش انرا به شورای امنیت ارائه دهد .

ماده ۳ : مصرانه درخواست میکند اسرای جنگی آزاد شده و پس از قطع مخاصمات عملی کنونی، منطبق با کنوانسیون سوم ژنو مورخ ۲ اوت ۱۹۴۹ بدون تاخیر به کشور خویش بازگردانده شوند .

ماده ۴ : از ایران و عراق میخواهد با دبیرکل در اجرای این قطع نامه و تلاشهای میانجیگرانه برای رسیدن به يك راه حل جامع، عادلانه، شرافتمندانه مورد قبول و طرف در مورد تمام موضوعات عمده منطبق با اصول مندرج در منشور ملل متحد همکاری نمایند .

ماده ۵ : از تمامی دیگر کشورها میخواهد که بیشترین خویشتنداری را مبذول داشته و از هرگونه اقدامی که ممکن است به تشدید و گسترش هرچه بیشتر درگیری منجر شود، احتراز نموده و بدین ترتیب اجرای قطع نامه فعلی را تسهیل نمایند .

ماده ۶ : از دبیرکل درخواست مینماید که با مشورت ایران و عراق، موضوع يك هیات بیطرف به منظور تحقیق پیرامون مسئولیت درگیری را بررسی نموده و در اسرع وقت به شورای امنیت گزارش دهد .

ماده ۷ : با درك میزان خسارات وارده در خلال درگیری و با درك نیاز به کوششهای بازسازی با کمکهای مناسب بین المللی پس از خاتمه درگیری ، از دبیرکل درخواست میکند که هیاتی کارشناسی را برای مطالعه موضوع بازسازی و گزارش به شورای امنیت تعیین نماید .

ماده ۸ : از دبیرکل درخواست میکند که با مشورت ایران و عراق و دیگر کشورهای منطقه افزایش امنیت و ثبات در منطقه را مورد بررسی قرار دهد .

ماده ۹ : از دبیرکل درخواست میکند که شورای امنیت را در مورد اجرای این قطع نامه مطلع نماید .

ماده ۱۰ : مصمم است در صورت لزوم برای در نظر گرفتن اقدامات بیشتر برای پایبندی به این قطع نامه، بار دیگر تشکیل جلسه دهد .



# متن کامل قطعنامه ۵۹۸

نزدیک به یکسال است که شورای امنیت سازمان ملل متحد با تصویب قطعنامه ای خواستار خاتمه جنگ و سرقراری آتش - پس و بازگشت به مرزهای بین المللی به منظور پایان بخشیدن به دفاع مشروع جمهوری اسلامی در برابر تجاوز کمپ دیوی و رژیم بعثی عراق شده است .  
در یکساله گذشته این قطعنامه خط محوری دشمنان برای اعمال فشار بر جمهوری اسلامی شده اما هیچگاه متن کامل آن منتشر نشده است . ما به منظور برخورد آگاهانه با این قطعنامه اقدام به چاپ ترجمه متن کامل آن نمودیم . با این امید که با برخورد هوشیارانه از دامی که بر سر راه انقلاب گسترده شده است به سلامت بگریزیم .  
" انشاء الله "

متن کامل قطعنامه ۵۹۸

شورای امنیت :

- قطعنامه ۵۸۲ ( ۱۹۸۶ ) خود را مجدداً تأیید مینماید .
- نسبت به اینکه علیرغم درخواستهای شورایی برای آتش بس، درگیری بین ایران و عراق با تلفات شدید انسانی و انهدام مادی همچنان ادامه دارد اظهار نگرانی عمیق مینماید .
- از شروع و ادامه درگیری ابراز تاسف مینماید .
- از بیماران مراکز صرنا مسکونی، حمله به کشتیرانی بیطرف یا هواپیماهای غیر نظامی، نقض قوانین بین المللی انسانی و دیگر قوانین ناظر بر درگیری مسلحانه و بویژه استفاده از سلاحهای شیمیایی برخلاف الزامات پروتکل ۱۹۲۵ ژنو، ابراز تاسف مینماید .
- نسبت به احتمال تشدید و گسترش هرچه بیشتر درگیری، اظهار نگرانی عمیق مینماید .
- مصمم به خاتمه دادن به تمامی حملات نظامی بین ایران و عراق میباشد .
- متقاعد است که میباید يك راه حل جامع، عادلانه، شرافتمندانه و پایدار بین ایران و عراق بدست آید .

پتیه از صفحه ۳۳

۴ - نظر حجت الاسلام فلسفی



بود و این سؤال در اذهان وجود داشت که آیا اسلام قادر است مسائل اقتصادی ما را حل نماید و به درد محرومین و مستضعفین برسد ؟  
فتاوی ای جدید امام راه استقلال از ایدئولوژیها و مکاتب شرقی و غربی را نشان دادند و فقهی را مطرح کردند که حکم اولیه آن تشکیل حکومت اسلامی و ارگانش، برافت از مشرکین است . باید توجه کرد که با این فتاوی و تحولات ایدئولوژیک بایستی برخورد فعال نمود . جهت این فتاوا استقلال ایدئولوژیک است و لذا روی مرزبندی این دو نوع فقه و نوع شرع باید کار کرد و رگدشته ها تجدید نظر نمود .  
بنظرمی آید هنوز هم در بنیست و اگر استمرار داشته باشد تا شیرخود را خواهد داشت .

بعد از فتاوی امام حجت الاسلام فلسفی نظرات خود را پیرامون آن مطرح کردند که در سخنرانی ساعت ۱ بعد از ظهر از یاد بویخش شد . ایشان مطرح کردند فقه طوسی و که از فقههای بزرگ شیعه هستند حکومتی نبوده است و گفتند خطاب امام در این مجموعه فتاوی ملیون و ملی - گراها بود و ضرورت این پیامها را جلوگیری از کمونیست شدن افراد قلمداد کردند . گویا اصلاً مخاطب امام بخشی از روحانیت نبود هاست .

پیشنهاد

آیت الله منتظری در حضور امام در مراسم تعویض وصیت نامه گفتند : جای شهادت رقم ( تدوین و کاد رسازی ) خالی است ما با الهام از این سخن که چکیده نیاز آیت الله منتظری و ملت ایران بود :

- از امام استدعا دارم که هر طور صلاح میدانند بگونه کاد رسازی عمومی را شروع کنند که میتواند بصورت تفسیر قرآن یا در رسهای حکومت و سیاست قرآنی، شرحی برداری عرفه و مناجات شعبانیه و ... باشد .  
اینکار متضمن برکاتی است به شرح زیر :  
۱- مسئولین جمهوری اسلامی و صاحب نظران و مدرسین حوزه از نظرات امام مطلع شده و امام هم در جریان نیازها قرار میگیرند . جواب به این نیازها موجب میشود فقه سیاسی - حکومتی تدوین گردد .  
۲- امام میتوانند در رسهای خود با نظرات مسئولین برخورد انتقادی و تعالی بخش داشته باشند تا روشهای تند و فعی شبیه گله پاک کردن در جامعه باب نگشته و فتاوی امام بصورت چراغی در آید برای بحث و اظهار نظر و چماق تکثیر و ردست عد های .  
۳- این امر موجب میشود که اختلاف بین المللی ایدئولوژیک بین امام و مسئولین در حه اول ملکتی بوجود نیاید چرا که وجود این اختلافات فاحش، مردم را بهت زده می نماید .

والسلام

این جنگ یک تکلیف شرعی است که مردم ادا میکنند، من با شتم ادا میکند، منم با شتم ادا میکند





در این زمینه نوشته شود . وقتی گفته میشود احکام حکومتی یا ولایتی ، حکم اولیه هستند معنایش این نیست که تا سایر احکام باشد بلکه منظور این است که اولیة احکام و اولیة برادله احکام ولایت و اولویت دارد .

اقتدار بدون نفت مواحه شد برای تصویب لوایح مترقی از مجلس ، تقاضای اختیارات تام نمود تا به نفع محرومین کاری انجام دهد .

اختلاف مرحوم آیت الله کاشانی با دکتر مصدق از دو من تقاضای مصدق برای اختیارات تام شروع شد . انگیزه مصدق تقدم حق الناس بر حقوق فردی بود به لحاظ قانون اساسی جمهوری اسلامی ولی فقیه کسی است که از صداقت وعدالت ومدبریت ومدبریت و فقاہت برخوردار بود و بهد پرش عامه را بد نیال دارد اگر واقعاً امام هم نباشد حداقل خیر - الموجودین گنه هست لذا این اختیارات را به لحاظ قانونی نمیتوان دیکتاتوری نامید .

د - ملاک تشخیص مصلحت چیست ؟

بحث مهمی که پس از این فتاوی اخیر امام سطر شد ملاک و مرجع تشخیص مصلحت بود . اگر ولی فقیه میتواند حرامی را حلال و حلالی را حرام کند بر چه اساسی است و مرز آن با استبداد و فرست طلبی و . . . چیست ؟ نظری است که میگوید ولایت فقیه یعنی ولایت فقاہت ، و ولی فقیه هم باید تابع احکام باشد و حق تشریح ندارد .

عدالت و آزادی

اگر عدالت را مقدم بر آزادی بدانیم لازمه اجرای عدالت اختیارات و اعمال ولایت است در جهت هدف تاریخ و حاکمیت مستضعفین و تحقق امر خدا که موردش همین پیام امام به مناسبت انتخابات است . که جهت گیری انتخابات است که جهت گیری انتخابات را هم راستا با اصول و هدفهای انقلاب نمودند . از آنجا که انقلاب ما انقلاب توحیدی و مردمی است لذا باید ملاکهای انتخابات هم در جهت مستضعفین باشد . بالاخره اگر خواهیم عدالت برقرار شود جبراً برخی آزاد بپای لبرالی عد میشود اگر آزادی مقدم بر عدالت باشد ممکن است اکثریت قوم یا ملت بر یک امر خلافی نظیر دهنده و از جاده عدالت خارج شوند .

حال این سوال مطرح است که چگونه فقه متحکم میشود و چه کسی این تحول را بوجود می آورد . و چگونه فقه تابع مصلحت میگردد و در نهایت ملاک این مصلحت چیست ؟ آیا احکام ملاک هستند و یا چیزی مافوق احکام بنظر میرسد انسان خدا جواد ره ایجنیاد تحول د فقه است . بنظر میرسد تقدم متد لوزی و فقه بر انسان خدا جود رست نباشد چرا که فقه موجود بر داشت فقهای سلف ( فقهای گذشته ) است و انسان خدا جواد اما برداشتنش از اسلام در حال رشد می باشد .

در شرایط فعلی بایستی با سوء استفاده از اختیارات مقابله شود و نه نقض اختیارات ، بخصوص که این اختیارات در جهت حاکمیت مستضعفین باشد .

هر مصلحتی حتماً یک مبنای قرآنی دارد مثلاً امام در منشور حج و همچنین پیامشان به مناسبت انتخابات ملاک قرآنی مصلحت را معرفی کرده اند و آن اینکه مستضعفین بایستی بر مستکبرین غلبه و حاکمیت برسند . آتای ۸ اشمی نیز در خطبه نماز جمعه روی این محور اصلی منشور حج تاکید نمودند . برای رسیدن به شبه روش تشخیص مصلحت بایستی به سه نکته توجه داشت .

- ۱ - ملاک تشخیص مصلحت چیست ؟
- ۲ - مرجع تشخیص مصلحت چیست ؟
- ۳ - توان تاریخی ملت ما چیست ؟

۱ - ملاک تشخیص مصلحت چیست ؟  
در این مورد گفته شد که هر مصلحتی حتماً باید یک مبنای قرآنی داشته باشد .

۲ - روش یا مرجع تشخیص مصلحت چیست ؟  
باید دید آیا مرجع تشخیص مصلحت فرد است یا رای مردم ، یاد و سوم آراء مجلس یا شورای نگهبان قانون اساسی و یا امامت حق با توجه به اصولی که دارد .

بنظر میرسد امامت حق بر مبنای اصول ، بهترین مرجع باشد . باید توجه کرد طبق قانون اساسی ، فقهای شورای نگهبان با انتصاب ولی فقیه مشروعیت پیدا میکنند . اگر فقهای شورای نگهبان برای خود صلاحیت و توی مواد قانونی را قائلند ولی فقیه تا زمانیکه بر قلب و جسم مردم ولایت دارد به مراتب چنین حقی را دارا می باشد .

۳ - توان تاریخی ملت

در رابطه با وسع یا توان تاریخی ملت باید گفت ممکن است هم ملاک و هم مرجع تشخیص مصلحت درست باشد ولی باید گفت ، آیا ملت توان پیاده کردن آنرا دارد یا خیر ؟ اگر رهبران انقلاب در ارزیابیهای ملت اشتباه نماید پایه چپ روی می افتد پایه راست روی . البته مامنگران نیستیم که توان و وسع مردم را بایستی در رابطه با خدا و قرآن بالا برد ولی در هر مقطع از تاریخ یک حد و حدودی هم برای آن قائلیم حضرت محمد (ص) نیز در طی بیست و سه سال توانستند احکام قرآن را در رابطه با حرمت شراب پیاده کنند مرحله سوزی ظلم بزرگی است به امت کما اینکه محافظه کاری وطن نکردن مراحل نیز ظلم است .

آیا ملت ما فقط توان اجرای احکام رساله را دارد ؟

عده ای معتقدند وسع و توانائیهای ملت ما در حد اجرای

اختلاف مرحوم آیت الله - کاشانی با دکتر مصدق از دو من تقاضای مصدق برای اختیارات تام شروع شد . انگیزه مصدق تقدم حق الناس بر حقوق فردی بود به لحاظ قانون اساسی جمهوری اسلامی ولی فقیه کسی است که از صداقت وعدالت ومدبریت و فقاہت برخوردار بود و بهد پرش عامه را بد نیال دارد اگر واقعاً امام هم نباشد حداقل خیرالموجودین گنه هست لذا این اختیارات را به لحاظ قانونی نمیتوان دیکتاتوری نامید .

۴ - احکام حکومتی حکم اولیه هستند

ملت اصلی پیدایش و تشکیل گروههای مذهبی جدا از روحانیت چه قبل و چه بعد از قیام ۱۵ خرداد ۴۲ تقدان اسلام راهنمای عمل در حوزههای علمی بخصوص در زمینه های - ی نجات انسانها ، تشکیل حکومت و مبارزه با طاغوت بود و رساله ای به فارسی در این زمینه ها وجود نداشت . حکم اولیه دانستن احکام حکومتی تحول و بلکه انقلاب بسیار بزرگی در آموزشهای رایج حوزههای علمی است و راه را برای فقه سیاسی و فقه حکومتی و اسلام راهنمای عمل بازمی نماید کاربرد این زمینه جلوی انحراف جوانان و گرایش به سمت مکاتب شرق و غرب را میگیرد . آیت الله جنتی گفتند بایستی به همان اندازه که کتاب در مورد طهارت وجود دارد در زمینه حکومت هم نوشته شود بایستی عروة الوثقیها

خدا امر او را دانست یا برخورد لفظی نمود . معنای دیکتاتوری مطلقه ، قطعیت حکم است نه مطلق العنان بودن حاکم ، یعنی وقتی حکم صادر میشود قطعیت داشته و لازم الاجرا خواهد بود و اجرای آن نباید تردید داشت و نمیتوان گفت چون حکم خدا نیست بنابراین قابل اجرا نبوده و متزلزل است . مثلاً دوشاهد عادل که در امری شهادت دهند شهادت آنها به منزله حکم خدا مطلقه و قطعی است و قابل اجراست . آیا میتوان گفت عمل به شهادت دوشاهد عادل که حکمی است قطعاً و لازم الاجرا یک شرک مطلق است ؟

به هر نظام و تشکیلاتی که در دنیا بنگریم ملاحظه می کنیم که فرمان یا حکم نهایی در مرحله اجرا ، مطلقه و قطعی بوده و قابل اجراست و تردیدی در آن نمیشود . حال اگر فقیه صادق و عادل پیدا شود و حکمی را بر اساس قرآن و سنت استنباط نماید قطعیت آن مسلماً بیشتر است از قطعیت حکم نظامها و سازمانهای بشری چرا که اگر سیر اسلامی اش طی شود حکم ولی فقیه حکم خدا می باشد .

در روایت معروف آمده است که : «فاما الحوادث الواقعة فارجعواالی رواة حدیثنا فانهم حجتی علیکم وانا حجت الله» ( وسائل الشعیبه باب قضاء ) در حوادث واقع ( مسائل تازه ای که پیش می آید ) به آنها بی که حدیث ما را روایت می کنند مراجعه کنید چون آنها حجت من بر شما و من هم حجت خدا هستم .

استخراج حکم خدا از قرآن و سنت قطعیت داشته و قابل اجراست و لذا آنرا مطلقه هم میگویند . مطلب دیگر اختیارات است که عده ای آنرا دیکتاتوری نامیده اند . به لحاظ کلی باید توجه داشت که برای اداره هر نظامی باید تصمیم گیری کرد و تصمیم گیری بدون اختیارات معنی ندارد لازمه تصمیم گیری در هر حکومتی چه حق و چه باطل اختیارات بوده و این امری است که اثبات ندارد . قسدرت و اختیارات نمی نغشه بد نیست منتهی نباید مورد سوء استفاده واقع شود .

بنظر ما از مجموعه این فتاوا آهنگ یک مبارزه با استبداد بگوش میرسد . ویژگیهای این استبداد تا آنجا که شنیده ایم به شرح زیر است .

- گرفتن حق اظهار نظر مردم .
- گرفتن حق تشخیص از مردم
- به حساب نیآوردن مردم
- حق اظهار نظر دادن به تعداد محدودی از فقها
- مقابله شرع و مستضعفین که مثلاً فلان لایحه ( قانون کارمندان توکلی ) شرعی است ولی بنفیع مستضعفین نیست و یا فلان لایحه لندج ) بنفع مستضعفین هست ولی مشروعیت ندارد .
- اطاعت گورگورانه

باید توجه داشت نه تنها محتوای ایدئولوژیک این فتاوا دیکتاتوری نیست بلکه مقابله با یک نوع استبداد ایدئولوژیک است که برای مردم و مستضعفین ارزش قائل نیست .

قبلاً برجسب هایی نظیر ، درس حوزه خواننده ای ، صلاحیت نداری و . . . بدون اینکه به محتوای استدلال توجه شود جلوی اظهار نظر جوانان گرفته میشد ولی حالا با این فتاوا مردم شگوفاشده و به صحنه آمدند .

تقدم حق الناس بر حق فرد

مسئله ای که در اختیارات مطرح میشود تقدم حق الناس بر حق فرد است به لحاظ تاریخی دکتر مصدق نیز که با





احکام رساله‌های موجود است چراکه مردم ما پیش از هفتاد و سه سال است که با این احکام انس گرفتند و زندگی روزمره‌شان را با آن تنظیم می‌نمایند بعلاوه مدون و مکتوب نیز می‌باشد و ضامن اجرای آنهم تشکیلات سرتاسری روحانیت است که بودجه آن از طریق مردم تامین میگردد. اینها سعی دارند هر حالتی را در این احکام و قانون اساسی یا اصول انقلاب پیدا می‌شود آنها را به نفع احکام و قانون و اصول انقلاب تجدید نظر نمایند. اینها بین احکام موجود و احکام قرآنی نظیر حکم عبودیت خدا و اولاد غیر، حکم برائت و... هم تضامنی نمی‌بینند و معتقدند اجرای این احکام منافع مستضعفین را هم در بر داشته چراکه احکام الله هستند. بنظر ما علیرغم اینکه قرآن دلیل اول است ولی بابت اصلی آموزش حوزه‌ها را تشکیل نداده و رساله‌ها بیشتر احکام فرعی را در نیال نموده‌اند تا احکام اولیه و لذا نتوان قرآنی ملت ما بیشتر از این است و تشخیص امام در این رابطه درست بنظر میرسد.

### آیا ملت ما فقط توان اجرای قانون اساسی را دارد؟

عده‌ای معتقدند که وسیع و توانایی ملت ما در این مرحله قانون اساسی جمهوری اسلامی است چراکه ثمره خون شهدای انقلاب بوده و به نفع از مجاهدین مسلم در رتد و بین آن شرکت داشتند و میثاقی است برای وحدت ملی ما و همه نیروها در رتد و بین آن دخالت داشته و به آن رای داده‌اند و از طریق ملی فقیه هم مشروعیت پیدا نموده است و امام خمینی بارها قانون اساسی را در رساله‌ها حکومتی خود تأیید نموده‌اند و قانون اساسی خود یک کتاب آموزشی و سند فقهی است. البته فقهای شورای نگهبان را عقیده بر آن است که برخی مواد قانون با شرع تطبیق نمی‌کند.

### آیا ملت ما فقط توان اجرای اصول انقلاب را دارد؟

عده‌ای را عقیده بر آن است که اصول انقلاب نظیر استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، خدا قرآن خمینی، نه شرقی نه غربی، امروز ایران، نرد انسلطین و... بیانگر وسیع و توان تاریخی ملت است. این شعارها تاکنون انقلابیونی است که انقلاب را به پیروزی رسانده‌اند اما پیروزی انقلاب نیروهای دیگر مبارزه را وارد شد و اصول انقلاب را تعدیل نمودند تا اینکه قانون اساسی بوجود آمد. تازه برخی فقها می‌نمایند همین قانون نیز در جهت احکام فرعی رساله‌ها تعدیل گردد.

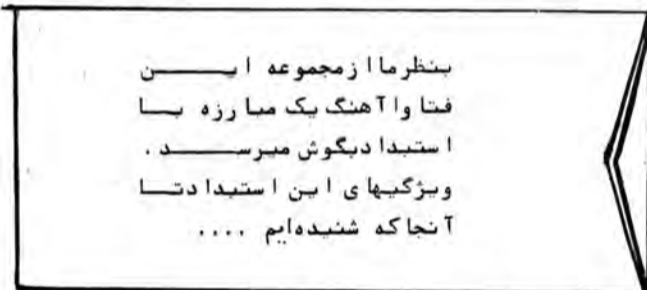
### ارزیابی توان قرآنی ملت

بسیاری را عقیده بر آن است که توان و وسیع ملت ما در حد پیاده کردن احکام قرآن است. بنظر این عده حتی اصول انقلاب نیز ملهم از آیات قرآن می‌باشد مثلاً مردم شعار خدا قرآن خمینی و حکومت اسلامی و... میدادند و در طی انقلاب می‌گفتند به آیه‌های قرآن قسم شاه تورانی کشیم. روزه ۲ مرداد ۳۲ پس از نطق شهید فاطمی مردم شعار میدادند ما پیرو قرآنیم ما شاه نمیخواهیم. در این جهل سال اخیر دانش قرآنی در بین مردم بسیار بالا رفته و خود تفاسیر زیادی به زبان فارسی، همچنین حرکت قرآن در صحنه مرحوم طالقانی و امیرزاده شهید

مطهری و ترجمه‌های زیاد از قرآن کریم و تاکید امام به جوانان و روحانیون برای کار روی احکام سیاسی قرآن و نقش صدا و سیمای جمهوری اسلامی در این راه و گرایش شدید مردم به دعا‌های اصیل، همچنین رجوع مستقیم جوانان به قرآن و تعمیق و تدبیر در آیات قرآن درجه‌به‌درجه و روستا، توان قرآنی ملت را بالا برد. البته قرآن مافوق اصول انقلاب و قانون اساسی و احکام رساله‌هاست. نتیجه اینکه چهار جناح در درون انقلاب وجود دارند که هر کدام وسیع و توانایی ملت ما را در یک چیز میدانند. بنظر میرسد که برای تشخیص مصلحت بایستی به توان تاریخی ملت اشراف کامل داشت. مثلاً امام در پیام ۸ ماده‌ای مطالبه برای بسوزانده‌ای را مطرح کردند ولی تشکیلات متناسب برای اجرای آن وجود نداشت و ستاد پیگیری به ستاد پیگیری تبدیل شد البته این امر دلیل آن نیست که توان تاریخی ملت در حد پیام ۸ ماده‌ای نبود حال با توجه به در دست داشتن جمعیتی آن تحریر برای پیگیری و این فتاوا و پیام‌های تازه تشکیلات متناسبی است که حاصل این پیامها باشد.

### آیا تشکیلات روحانیون ما از معضلات این نیاز است؟

امید داریم که چنین باشد و امید داریم به جای افتادن به روزمرگی محتوای ایدئولوژیکی این پیامها نیال شود و تجربه حزب جمهوری اسلامی تکرار نشود که با گرفتن ۵ میلیون تومان کمک مالی از امام برای تبلیغ اسلام بنسبیه اعتراف مسئولین حزب بیلان کار ایدئولوژیکی صفر باشد. توصیه ما به هواداران احکام رساله‌ها و قانون اساسی و اصول انقلاب این است که با توجه به توان قرآنی ملت اگر



بنظر ما از مجموعه این  
فتاوا آهنگ یک مبارزه با  
استبداد بگوش میرسد.  
ویژگیهای این استبداد است  
آنجا که شنیده ایم...

دیدند که حرکت انقلابی بر مبنای احکام قرآنی در مملکت شروع شده آنرا چگونه تخطئه نموده و مدانم که منسجم ترین قانون قرآن است و اگر کسی از روحانیون فقهی قانون اساسی و اصول انقلاب باشد آنها را رفع می‌کند. قرآن کتاب کاملی است که در تمام بایستی به توشه‌گیری از آن پرداخت و از این طریق قانون اساسی کشورمان را زندگانی کنیم.

### دستاوردهای از مجموعه فتاوی جدید امام

#### ۱- گشوده شدن راه اجتهاد در احکام

یکی از بزرگات این پیامها گشوده شدن راه اجتهاد در احکام است. روال آموزشها و عملکرد جاری حوزه‌ها این بوده که در اصول میتوان اجتهاد کرد ولی راه اجتهاد در احکام بسته است چراکه احکام قطعیت دارند و حلال و حرام آن مشخص شده است. در عوض راه اجتهاد در اصول باز بود و هر صاحب نظری يك كتاب اصول می‌نوشت و گاهی نظرات متضادی هم در این کتابها وجود داشت اما بعد از فتاوی امام که مطرح شد امکان تعطیل بعضی از احکام واجب هم وجود دارد لا زم است در احکام تدبیر و تعدیل شده و در پیوند با اصول اولویتها مشخص گردد. در محافل يك روحانی گفته بود در علوم حدید بدلیل معقول بود نشر و کشفیات حدید آن میتوان تزیار رساله نوشت ولی در فقه نمیتوان چنین کاری نمود چراکه حلال و حرام واجب و مستحب از قیام مشخص شده است و شکل احکام لا بتغییر است و رساله‌ها هم عموماً شبیه هم هستند.

بنظر میرسد تحولی که حالا پیدا شده این است که اصول اسلام نظیر عدالت، جهاد، برائت از مشرکین و... تطبیق داشته و بدیهی و یقینی هستند و بایستی آنها را تحقق داد و لذا باب اجتهاد در احکام گشوده میشود. اینکه امام در منشور حج گفتند "جهاد در راس احکام است" خود يك اجتهاد انقلابی در احکام می‌باشد و صرفاً در همین بساط باید رسانه‌ها نوشته شود و این خود يك کار اجتهادی است این را بایستی نشان داد که با چه مکانیزمی احکام دیگر از جهاد نشأت میگیرند. بعنوان مثال روزه جهادی است یا نفس، خمس و زکات جهادی است یا مال که اگر مال حاصل کوشش ضرر باشد جهادی است یا جان، امر به معروف و نهی از منکر هم به دنبال مبارزه با طاغوت می‌باشد که بدترین منکرات است و به وادی جهاد وارد میشود. برائت از مشرکین هم که از ارکان دین و از واجبات حج است به نوبه خود جهادی است بزرگ.

تولی و اظهار دوستی انبیا و ائمه اطهار يك نوع جهاد است و تاریخ نشان میدهد که مجاهدینی بودند که صرفاً با اظهار دوستی آل محمد به شهادت رسیدند. نماز هم که جهادی است با نفس و محراب هم یعنی محل محاربه با نفس.

#### ۲- گشوده شدن باب اجتهاد در احکام سیاسی

برخی از فقها گفته بودند اظهار نظر سیاسی و خطا دادن از مشرب خودی بدتر است کلاً صاحب نظران سیاسی بعنوان سیاست باز مطرح شدند و مرجع غیر عبادی خورد و از تقدس می‌افتادند. برعکس کسانی که کاری به سیاست نداشتند و طبعاً اشتباهاتی هم انجام نمیدادند هاله‌ای از تقدس به دور خود داشتند. با این فتاوی امام نقشه سیاسی مقام و شأن خود را از پای کرد.

#### ۳- جریان قرآن به صحنه، حل تضاد روشنفکران و روحانی

یکی دیگر از ثمرات فتاوی امام این بود که گامی شد در جهت حل تضاد روشنفکران و صنف‌گرایی آنها و جریان قرآن در صحنه را جایگزین صنف‌گرایی نمود چراکه مصلحت مبنای احکام شد و مبنای مصلحت‌گرایی نیز قرآن و قرآن‌نیز هم راستا با حاکمیت مستضعفین است. با این تحول گرایش به تفسیرهای پرتوی از قرآن مرحوم طالقانی، تفسیر الحمد و کتاب حکومت اسلامی امام، تفسیر نهج البلاغه، در سبای خارج فقه آیت الله منتظری و حرکت مجاهدین بنیانگذار و مرحوم دکتر شریعتی بیشتر میشود و مطمئناً طی گذشت يك نسل باوری و شگوفایی عجیبی پیدا می‌نماید. امید داریم همگی اعم از روشنفکران و روحانیان از این صنف‌گرایی‌ها که آفت انقلاب است پرهیز کرده و به کتاب و سنت روی آوریم مسلماً آن فرد یا طایفه‌ای پیشتر است که بتواند قرآن و سنت را بهتر تحقیق دهد و به صحنه بیاورد. بهترین گوئی اسلام را راهنمای عمل حکومت و سیاست و اعتماد گرداند.

#### ۴- تحول در تعریف فقه و فقیه

امام در کتاب ولایت فقیه گفته‌اند فقیه کسی است که علم استقلال و آزادی داشته باشد. تعریف‌های مختلفی از فقیه شده است ولی آنچه تدبیراً در جریان عمل جا افتاده آن است که فقیه کسی است که تمامی کتابهای حوزه را خوانده باشد و به درجه اجتهاد برسد با این سیستم روال آموزشی از کجا معلوم به سر نوشت شریعت‌مداری در جانش نهاده و دام فقها و مراجعی که معتقد به حکومت اسلامی قسلاً از ظهور امام زمان نیستند نیفتیم؟

فقها و مراجع زیادی بوده و هستند که اصولاً به حکومت اسلامی قبل از ظهور معتقد نبودند و نیستند حال اگر فقیه‌ای یا این تعریف در راس قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی قرار بگیرد چه خواهد شد وجه تضمینی برای تدوین انقلاب میتوان داشت؟ در حالی که امام معتقدند حکم حکومتی حکم اولیاست و سیاست عین دین است و جهاد در راس احکام و برائت از مشرکین از ارکان دین است. حال که با این فتاوا تحولی در آموزشهای رایج بوجود آمده تعریف فقیه نیز عوض میشود و تحول بزرگی نیز در قانون اساسی بوجود می‌آید که این بهترین متمم انقلابی برای قانون اساسی است. بدون



# فقه امام خمینی

## سرمقاله

تحول در تعریف فقه و با توجه به بافت تشکیلاتی جامعه هرمتصی به یک پدیده منفی و بازدارنده تبدیل می‌شود. عدلهای معتقدند امام می‌توانستند با جابجا کردن برخی از فقه‌ها راه را برای تصویب قوانین باز نمایند ولی این نظریه مکانیکی بوده و مشکلی را حل نمی‌کند چرا که مسئله اصلی، تعویض افراد نیست بلکه وجود یک سیستم فکری است که امام تغییر و تحول عظیمی را در این سیستم بوجود آوردند تا مشکل بطور زیربنایی حل گشته و یک گام اساسی در فقه انجام پذیرد.

۵ - چرخش از "تفقه فی الاحکام" به "تفقه فی الدین"

امام تلاش در ارتقاء اصل امامت را که از اصول دین است زنده نمایند و این سیستم ولی فقیه کسی است که بیشترین آیات قرآن را تحقق دهد.

۶ - چرخش از "تفقه فی العلوم" به "تفقه فی الدین"

در سبهای نظیر منطق و علم اصول و علم بیان و علم صرف و نحو و... همه از مقوله علومند معارست با اینها تفقه فی العلوم است نه تفقه فی الدین.

آیت الله جوادی آملی در مجله پاسد از اسلام شماره ۳۸ بهمن ۶۳ تحت عنوان "دوری مسلمین از قرآن" مطالبی دارند که قسمتی از آنرا در اینجا می‌آوریم.

"در هر صورت باید از قرآن و اهل بیت با هم دورکنار هم استفاده کرد. نه خواندن قرآن به تنهایی مطلب به ما می‌دهد و نه روایت به تنهایی و بدون عرض به قرآن قابل قبول است و لذت‌آلود می‌گیم، باید در نظام حوزه‌های علمیه تجدید نظر شود یعنی باید تفسیر قرآن جزو در سبهای اصولی و اساسی حوزه باشد چون الان در حوزه هر چه هست، فقه و اصول است و استفاده از حدیث، ولی از قرآن کمتر یاد میشود (نحو، صرف، بی‌معنی، بیان، عروض و...) کاری با قرآن ندارد. چرا هم استشهاد میشود از اشعار جاهلی است البته اخیراً بحمد الله تلاشهایی شده که به حای استفاده از اشعار جاهلی، از قرآن و نهج البلاغه استفاده میشود و امید داریم این امر تممیم یابد منطق که بافتش بافتی نیست که به آیه استشهاد کند بلکه در باره طرز تفسیر بحث می‌نماید. در اصول بیچ مسئله‌ای ارتباط با قرآن ندارد و اگر یکی دو جا از آیه استفاده شده بیشتر برای این است که مثلاً حجیت خبر واحد را نفی کند از آن گذشته سراسر اصول روی پایه‌های عقلی و مساحت الفاظ تکیه دارد.

امانته بایرکت ما که در اثر مد ار روایت است و هیچ مسئله‌ای نداریم که گفته شود این مسئله در روایت نیست فقط در قرآن مطرح شده است. بنابراین اگر کسی در حوزه قرآن می‌خواند که محتماً می‌خوانند برای ثواب بردن است نه اینکه بافت حوزه بافت قرآنی است. لذا باید این میزان الهی در کنار روایات معصومین (ع) مورد استفاده قرار گیرد تا خدا ی نخواست ماهم مشمول کلام به حضرت رسول (ص) قرار نگیریم که: یارب ان تومی اتخذوا هذ القرآن مهجوراً"

ای پروردگاره ما تا قوم من از قرآن دوری گزیدند. حکم فقیه تحقق اصول از دیدگاه یک فقیه است که برخی برای تمامی زمانهاست و برخی برای شرایط خاص. مانند اصل و خوب نماز، که برای تمام زمانهاست و شکل خواندن نماز که در حالات مختلف متفاوت است یا اصل حرمت ربا و تفسیر اشکال آن و... لذا بایستی ضمن توجه به احکام فقهی سلف، تفقه در متون دین و تفقه در اصول نیز ضروری تر باشد. تفقه در متون اسلامی مانند قرآن، دعای عرس، مناخات شعبانیه، زندگانی امام حسین (ع) و... هنوز باب نشده است.

۷ - این تحول سه سؤال تاریخی را رازها ن زنده نمود

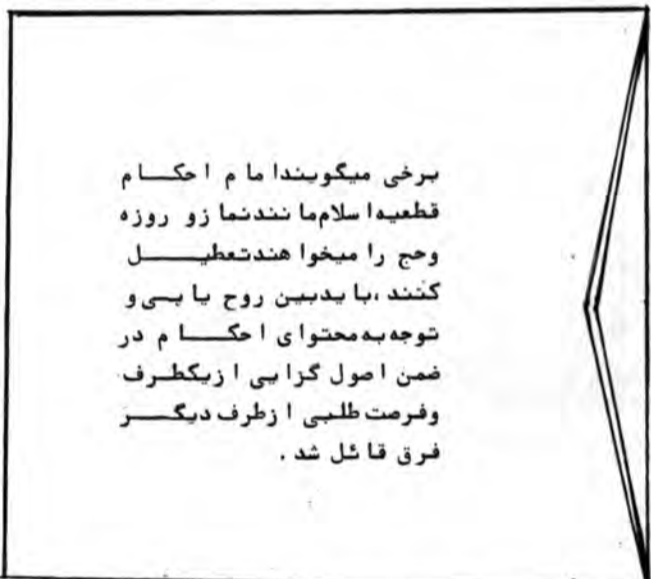
الف - آیا خط امام تد او خط مرحوم شیخ فضل الله نوری و آیت الله کاشانی است؟ یا اینکه خط امام تد او خط شهید مدرس، مهدق، طالقانی و حنیف نژاد است؟  
ب - آیا تکیه مرحوم آیت الله کاشانی به قانون اساسی مشروطیت و از آن موضع مخالفت با اختیارات دکتر مهدق کار درستی بوده است؟

ج - آیا اصلی‌ترین تضاد جامعه روحانیت ما این نیست که از یک طرف عدلهای از فقه و مراجع به ولایت بر جان و مال یعنی ولایت همه جانبه معتقدند ولی عده کثیر دیگری خلاف اینرا معتقد بوده و اعمال ولایت بر جان و مال را قبول ندارند و با قبول مالکیت بعنوان حکم اولیه، اعمال ولایت را صرفاً در شرایط اضطرار، آنهم بطور موقت و عملی در ردیف اکل میته قبول دارند.

۸ - حل تضاد بخش خصوصی و بخش دولتی

میدانیم یکی از مشکلات انقلاب و نظام جمهوری اسلامی اختلالی است که بین بخش خصوصی و بخش دولتی وجود دارد و آن اینکه بخش خصوصی به هر حرکت دولتی اعم از تولید و توزیع و برنامه ریزی دولتی بر حسب سوسیالیستی و کمونیستی میزنند. تبلور این حرکت در پیش خطبه نماز جمعه تهران بود که گفته شد اصلی‌ترین مشکل مملکت تضادی است که بین اسلام لنینیستی و اسلام شوروی نگهبان وجود دارد در حالیکه روز قبل امام خمینی در پیامشان به مناسبت انتخابات گفتند اصلی‌ترین تضاد، اسلام محمدی در برابر اسلام امریکایی است.

از طرف دیگر طرفداران بخش دولتی تلاشها و فعالیتهای بخش خصوصی اعم از صنعتی، تجاری و مالی را بر حسب سرمایه‌داری و کاپیتالیستی میزنند، خلاصه دو قطبی کادسی ایجاد می‌نمایند. در حالیکه امام خمینی از ضد اسلام و ولایت



برخی میگویند امام احکام قطعیه اسلام مانند نماز و روزه و حج را میخواست تعطیل کنند، باید بین روح یا بی و توجه به محتوای احکام در ضمن اصول گزایی از یکطرف و فرصت طلبی از طرف دیگر فرق قائل شد.

و اختیارات نمی‌اکرم (ص) شروع کرده و به اختیارات حکومتی ولی فقیه رسیدند. طبق نظر امام صرف وجود دولت و داشتن اختیارات حکومتی و... یک پدیده کمونیستی نمی‌باشد امام در این فتاوا و احکام راه ولی فقیه و انسان دادند که صالح است و در خط انبیا و ائمه حرکت کرده و پیرو قرآن می‌باشد.

فراموش کردیم که در عهد اسلام پیامبر هم اختیارات حکومتی را در دست داشتند. حضرت یوسف نیز همه اختیارات را در دست داشتند.

۹ - تکلیف مالا یطاق و فتاوی جدید

در آموزشهای رایج برداشتی که از این قاعده میشود این است که اجرای احکام شرعی منوط به توان و طاقت فردی افراد است که این توان و طاقت را نیز میتوان حفظ جان افراد دانست و نه توان مکتبی تاریخی افراد و جامعه. لذا ا عافیت طلبی ملاکی میشود برای افراد تا بتوانند احکام واجب شرعی را تعطیل نمایند در حالیکه امام حفظ نظام جمهوری اسلامی را بالا تر از حفظ جان و حتی احکام واجب میدانند که شهادت آگاهانه در این راه تهلکه و هرز روی نیرو نیست. بایستی توان و طاقت را به اندازه وسعی که منظور خدا و قرآن است بالا برد. برای درک اختلاف و تفقه به دوشیوه برخورد با حملات موشکی به تهران توجه می‌کنیم یک شیوه می‌گفت طلبه‌های مدرسه بیرون مشهد چرا که مانند در تهران هلاکت است و مشهد بلد امن است در

حالیکه امام در پیام انتخاباتشان گفتند در هر شرایطی (حتی زیرموشک باران) در انتخابات شرکت خواهیم کرد. در این راستا توان عده زیادی را بالا بردند. برخی بر اساس این قاعده نهضت امام حسین (ع) و علم آن حضرت به شهادت راتهلکه (هلاکت) و هرزروی نیرو دانسته و تبیینی از کار آن حضرت ندارند.

۱۰ - جرئت بخشیدن به مسئولین نظام

یکی دیگر از دستاوردهای مهم این فتاوا، جرئت بخشیدن به مسئولین نظام جمهوری اسلامی بود چرا که قبل از این فتاوا با خطر وجود تضاد بخش خصوصی و دولتی نظرات و لویایح اعلام شد. از سوی دولت با مارک سوسیالیستی و کمونیستی روبرو میشد و این جو، مسئولین نظام کمتر میتوانستند با قدرت نظرات خود را بیان نمایند. در حالیکه بعد از این فتاوا، نظرات فقهی امام موجب شروعیت دولت گردید.

و - بررسی برخی نقطه نظرات پیرامون فتاوی جدید

۱ - ولایت مطلقه دیکتاتوری است

نهضت آزادی و هواداران آن این تحول ایدئولوژیک را، ولایت یک طرفه و دیکتاتوری دانسته و آنرا بیشتر در جهت نقض قانون اساسی میدانند و نه لغو قرارداد های استعماری و کلاً این حرکت را استبدادی قلمداد نمودند. نظر دیگرشان نیز این است که با فتاوی اخیر و تشکیل شورای مصلحت، شورای نگهبان حذف میشود و گناره گیری علمای طراز اول پس از انقلاب مشروطه تکرار میگردد. در حالیکه راه قانونی این بود که افراد شورای نگهبان قانون اساسی را تغییر میدادند.

همانطور که قبلاً نیز متذکر شدیم تعویض افراد مسئله‌ای رابطه و بر بنیادی حل نخواهد کرد چرا که تضمینی وجود ندارد که پس از عوض شدن اعضای شورای نگهبان این مسائل حل گردد. کار امام برخورد ریشه‌ای و بنیادی با این قضیه بود و آن، تحول در فقه و قرارداد آن خط مشی و طرحها و لویایح کلی نظام در جهت حمایت از محرومین و مستضعفین بود.

تصویب لویایح مترقی خواست ملت بود. ملت مسئولین نظام فشار می‌آورد و مسئولین نعلت موانع فقهی که در سر راهشان بود خواست ملت را به امام منتقل میکردند این فتاوی حدید خواست ملت و فریاد دل مردم بود و نمی‌توان آنرا دیکتاتوری دانست.

۲ - شمشیر دو لبه

عدلهای معتقدند فتاوی حدید امام به سان یک شمشیر دو لبه است بدینصورت که از یک طرف موانع بزرگی از سر راه برداشته شده که در توان کسی دیگری جز امام نبود ولی از طرف دیگر اگر لاسوزی و صلاحیت نباشد به استبداد مطلقه هم میتواند تبدیل شود.

۳ - فتاوی امام مثبت بود اما دیر

عدلهای معتقدند این فتاوا قدهای مثبتی بوده و می‌توانست بسیاری از مسائل و مشکلات را حل نماید ولی متأسفانه کار از کار گذشته و انفعال جوانان به حدی است که آن تا شیر لازم را نمی‌نماید. اگر امام این فتاوی را سه سال پیش میدادند تا شیر آن بیشتر بود و انفعال هم بوجود نمی‌آمد امید داریم به جهت این تحولات توجه شود. ایسین مرز بندی که در عقل و در شرع و در فقه وجود دارد بسیار مهم و رهگشاست. بخاطر برخی بن بستها بود که کم کم در بین جوانان و نیروهای انقلابی انگار دیگری در حال مطرح شدن



بقیه از صفحه ۲۸

درس‌هایی از ضربه‌ها . . . .

اقتصاد وابسته به درآمد نفت

یکی از مهمترین مشکلات فعلی جنگ مشکلات اقتصادی داخلی است. در چند ساله اخیر، روند قانونگذاری و سیاستهای اقتصادی، بریدن آگاهانه و برنامه ریزی شده از درآمد نفت نبود است. همین امر باعث شده است که فشارهای عراق بر مراکز صادراتی نفت، تاثیر زیادی روی اقتصاد و مسائل داخلی داشته باشد. و بسیاری از مسئولین ادامه جنگ را بدلیل محروم کردن مملکت از درآمد نفت، برهم زنده طرحهای مثبت خود برای شکوفائی، اقتصاد و حل مشکلات داخلی بدانند. یعنی اصطلاحاً "جنگ راجحی" رحمت اصلی، "رحمت اصلی" دانسته و طبعاً "حاجی طراح" برای ادامه پیروزمندان جنگ، برای پایان آن روزشماری و برنامه ریزی کنند. بدلیل وابستگی اقتصاد به درآمد نفت، بر اثر تغییر میزان درآمد نفت، تورم بالا رفته و بر فشار اقتصادی افزود میشود. مردم هم آینده روشنی برای مسائل اقتصادی و معیشتی خود و مملکت ندیده و مخالف ادامه جنگ می شوند.

عدم شرکت مسئولین در جنگ

در شرائط فعلی با جنگ عمدتاً نیروهای مستضعف شهری و روستائی تدارک دارد. برخلاف صد اسلام که کارهای کیفی و بالا مرتبه نیز خود را در جنگ فعال بودند مسئولین درجه اول و دوم و سوم خود در جنگ شرکت نمی کنند. این امر باعث شده که مردم نگرینند که علی اکبرها و حبیب مظاہرهای زمان ماضی، می بایست از میان توده های مستضعف مرد باشند و اعتمادشان نسبت به



مسئولین کاهش پیدا کرده و طبعاً این کاهش اعتماد به مسئولین، کاهش بمسئولین بسوی جبهه های جنگ را هم بدنبال داشته باشد.

مسئله فلسطین

در چند ساله بعد از انقلاب سیاست خارجی جمهوری اسلامی برخورد حذنی با ساف بوده است. فراموش کرده بودیم که انقلاب فلسطین مدتهاست که آرمیان، مسلمانان و آرمیان اعراب مسلمان و غیرمسلمان بود است و پیوند خوردن با این انقلاب پیوند با جهان عرب و جهان اسلام است. برای ساف هیچگونه نقطه قوتی قائل نمی شویم ولی برای رژیم بعثی سوسیالیستی سوریه که دارای مقام قومی - عربی است و قطعنامه ۲۴۲ را هم پذیرفته است هیچگونه نقطه ضعفی نگزینم شود. در مقابل عراق ظاهرآ به این سازمان نزدیک و متحد بوده و همین امر باعث آن شد که رژیم بعث در میان اعراب عراقی و غیرعراقی مشروعیتی کسب نماید و طبعاً باعث انگیزه مند شدن افراد پائین ارتش عراق در جنگ با جمهوری اسلامی شود برخورد حذنی با ساف ریشه در بحرانهای ایدئولوژیک سالهای اولیه بعد از پیروزی انقلاب دارد. یکی در سال پس از انقلاب روحیه نفی کامل گرایش های ملی، نفی ارزش های تشکیلاتی سابقه اردو رگشور قدرت گرفت اگرچه انسانها را خود احمقانه طبعاً نیابستی با جریانه های صادق و لومار کمیسستی برخورد حذنی بنماییم بلکه با پیوند خوردن با آنها سعی در بالا بردن نقاط وحدت و معنی در هدایت آنها بنماییم.

قابل توجه است که در اسناد لانس هاسوس از فردی بنام محسن سلیم نام برده شده که با اسرائیل و سیا در ارتباط است او که فردی نفوذی در روابط شیعیان و فلسطینی های لبنان است گفته بود که محور ساف - خمینی و محور ساف - اسد می بایست شکست شود . . . .

باتوجه به لشکرکشی ناتو در خلیج فارس تشدید حملات به منشآت نفتی، چرخش کامل ارتجاع خلیج علیه جمهوری اسلامی، تشدید حملات جنبش آمریکایی روحی، قضیه مکه، اتحاد شرق و غرب علیه جمهوری اسلامی و اعمال فشار از طریق قطعنامه ۵۹۸ و کوشش برای منحصراً تسلیحاتی، آبیاز کردن یک مطلب اسلامی (ولایت مطلقه فقیه . . . .) و گشودن جنبه جدیدی در داخل، عمل درستی بود، آیا این کار باعث تشدید درگیریهای درونی و به خطراتادن ثبات انقلاب نمی شد. آیا این کار باعث می شد که متحدین آن جناح از روحانیت در بازار فشار اقتصادی خود را برد ولت افزایش داده و در آن توانائی مقابله مابادشمن کاهش پیدا کند. واقع این است که استراتژی استکبار در رابطه با انقلاب اسلامی با تحریف و تعدیل مسئولین، رشد تضادهای داخلی ایجاد تنگنای تسلیحاتی، نظامی، اقتصادی . . . و در مجموع سرنگونی یا تعدیل نظام جمهوری اسلامی است. امریکادرمسد است که انقلاب ماراد رهم شکند و آنگاه که تهران را فتح کرد باشد به مامتیازی بدهد همان کاری که با انقلاب مصر کرد، ابتدا قاهره را فتح کرد آنگاه سیناراپس داد. امام بخوبی خط استکبار جهانی و خصوصاً امریکا را دریافته اند. "مد سال با امریکا جنگیدن"، "یک عمر با امریکا جنگیدن"، "فتح سنگرهای کلیدی جهان"، "حرکت مداوم در جهت غلبه مستضعفین بر مستکبرین" . . . نیاز به "امامت" و "کاد رهبری" دارد که "از امریکا نترسد"، "بشناسد انقلابی مکتبی داشته باشد"، "در محرومین راد رنگ کند" و عبارت دیگر طرفدار "اسلام ناب محمدی" باشد. فتواها و مواظب الی که در پاسخ به نامه های وزیر کار، دبیر شورای نگهبان قانون اساسی، رئیس جمهور داده شد همگی در جهت

مبارزه فکری با "اسلام آمریکایی" بودند. این فتواها اساساً در جهت تقویت و تثبیت وجه ضد استکباری و عدالت طلب نظام جمهوری اسلامی و تقدم حکم عدل بر احکام اولیه و ثانویه بود. حرکت امام در جهت مبارزه با جریانهایی بود که با سوء استفاده از احکام فرعی الهیه بر آن بود که حرکت نظام را در جهت تحقق عدالت و مبارزه با استکبار جهانی سد کند. امام بخوبی درک کرده بودند که عدالت می خواهند ایشان و دیگر مسئولین انقلاب را با ترساندن از سرنوشت مصدق و اینکه اگر روحا نیست از شما جدا شود، آمریکا براحتی شما را سرنگون می کند، به تعدیل در مواضع و دست برداشتن از مواضع مکتبی و ادراکند لیکن تعهد مکتبی و صداقت عمیق امام نسبت به اسلام و انقلاب ایشان را بر آن داشت که بین استقلال مکتبی و استقلال و تمامیت ارضی و ثبات مملکت و . . . . استقلال مکتبی را برگزینند.

را علیه جمهوری اسلامی ایجاد می نماید. امام سال گذشته، در یکی بیاناتشان بین حفظ نظام جمهوری اسلامی و احسرای احکام فرعی، حفظ نظام جمهوری اسلامی را از اهم واحبات اعلام کردند و به این ترتیب اجرای تمامی احکام فرعی را در کاد رخصیظ نظام جمهوری اسلامی (که در خط تحقق حکم عدل و مبارزه با استکبار جهانی است) قابل اجراء انستند. هراندازه که فشار علیه جمهوری اسلامی بیشتر میشد امام راد یکالیسم درونی را تشدید کرده و حتمی انشعابی را که در روحانیت، با انگیزه

امام به خوبی درک کرده بودند که عدالت می خواهند ایشان و دیگر مسئولین انقلاب را با ترساندن از سرنوشت مصدق و اینکه اگر روحا نیست از شما جدا شود، آمریکا براحتی شما را سرنگون می کند، به تعدیل در مواضع و دست برداشتن از مواضع مکتبی و ادراکند لیکن تعهد مکتبی و صداقت عمیق امام نسبت به اسلام و انقلاب ایشان را بر آن داشت که بین استقلال مکتبی و استقلال و تمامیت ارضی و ثبات مملکت و . . . . استقلال مکتبی را برگزینند.

را سرنگون می شد، به تعدیل در مواضع و دست برداشتن از مواضع مکتبی و ادراکند لیکن تعهد مکتبی و صداقت عمیق امام نسبت به اسلام و انقلاب ایشان را بر آن داشت که بین استقلال مکتبی و استقلال و تمامیت ارضی و ثبات مملکت و . . . . استقلال مکتبی را برگزینند.



به اسلام و انقلاب ایشان را بر آن داشت که بین استقلال مکتبی و استقلال و تمامیت ارضی و ثبات مملکت و . . . . استقلال مکتبی را برگزینند. مقاله آنها را در ماه دهم به تصفیه و تزکیه در زونی بپردازیم گمانیکه پیامبران از عهد چینی مهمی برمی آمدند لیکن ضعفهای تاکتیکی - استراتژیکی که در بخش نخستین مقاله آنها را بر شمریم باعث آن شد که نتوانیم در مقابل فشارهایی که بر اثر این رشد و حاکمیت و حرکاتی نظیر تصرف لانه جاسوسی، چهارامتنان ماموتنا" به اشغال درآمد و پسر از آن نهاد های انقلابی مانند بسیج و سپاه و جهاد گسترش پیدا کرده و ابیتکار فاع تجاوز راد دست گرفتند. اکنون نیز فتاوی جدید خود تشکیلات راست و تشکیلات متناسب با دفع تجاوز جدید تر "گسترده تر" استکبار

**یک لحظه سکوت و سازش در مقابل رژیم صهیونیستی عراق باعث نجات صدام خواهد شد.**

دشمن وقتی شکست خورد و مرعوب شد باید او را تقویت کرد تا بر قدرتها مجدداً او را مجزئ کرده اندام جنگ را بجا سازد و کار را بگیرد نمود



# پاسخ به خوانندگان

اگر به عرفات انتقاد کنیم از موضع انقلابی تری یک خط مشی اصولی و برتر کسی حرفی ندارد.

س- برادری از جو بعضی مدرس طلبگی شکایت دارند که نسبت به اسامی مجاهدین حساسیت زیادی دارند. میگویند "انتخاب شما این اسم را، باعث شده کسانی که نشریه میگیرند و علاقه دارند فقط بخاطر اسمش زیر سوال بروند. آیا بهتر نبود شما اسم دیگری انتخاب می کردید؟ تا ما آسوده باشیم؟"

ج- برادر همانطور که میدانید این حساسیت ها ناشی از یک نحوه نگرش است برخی حقایق را صرفاً "در شکل و ظاهر و الفاظ جستجو میکنند و به حقیقت امور باطن مسائل کاری ندارند. این تفکر در بسیاری جاها نمود دارد. آنها که مسلمانی را صرفاً در حفظ یک سری ظواهر میدانند، آنها که به عنوان افراد بها می دهند نه عملکرد و جهت گیری، آنها از این قماشند.

اگر ما اسم دیگری هم می گذاشتیم این تفکر ضربه خودش را میزد. ولی بجای عقب نشینی در قبال این حساسیت غلط بایستی بطلان آنرا نشان داد. ثانیاً "مجاهدین" اسمی قرآنی است، به این کلمه حساسیت نباید داشت بلکه به افکار غلط، به روش غلط و عملکرد غیر قرآنی باید حساس بود.

ثالثاً - برادر، لازمه جهاد و مبارزه تحمل سختی ها و مارکها و نامالایمات است. در همین برخورد ها است که انسان ساخته میشود و نیز جریانات انحرافی اصلاح میشوند و جریانهای شکل گرا از محتوی گرا تمیز داده میشوند.

س- خواننده ای که در حال تحقیق و مطالعه اند پرسیده اند: چگونه میتوانیم محکمت را از امتشابهات تمیز دهیم؟

ج- خواهر یا برادر حق جو، نمیدانیم در باره همین سوال تا کجا تحقیق کرده اید. محض اطلاع عرض میشود، نظرات متفاوتی در این باره مطرح شده که مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر المیزان ذیل آیه ۷ سوره آل عمران ۱۷ نظر رانقل و نقد کرده اند. آنچه ایشان سرانجام نتیجه گرفته اند و برخی روحانیون حاضر نیز میگویند اینست که آن دسته آیات که در فهم معنی و منظور آن بین ما اختلافی نیست آیات محکم هستند. آن دسته آیاتی که چند معنی از آن مستفاد میشود و منظور حقیقی آن نزد ما روشن نیست آیات متشابه هستند.

مثلاً بسیاری آیات مربوط به توحید و معاد و قیامت چون مصادق مشخس و مورد اتفاق نزد ما ندارند متشابه شمرده میشوند و اغلب آیات مربوط به احکام فرعی و دستورات صریح که مصادق آن نزد ما مشخس است محکم بشمار می آیند. بنظر

میرسد در این تعریف ملاک و راهنمای طبقه بندی منطق ارسطوست که نظراً اکثریت یا بعبارتی اذهان عمومی در یک مقطع را حجت شرعی قرار میدهد.

اما اگر از منظر می خواهیم باید عرض کنیم که قرآن "نزول" یافته از جانب خداست. منشاء و مبدا آن را نمیتوان نادیده گرفت. خود خدا مبتدا و ملاک و مرجع اصلی همه آیات است. کل قرآن و نیز تک تک آیات اعتبارش بخاطر ربط به خداست از طرفی همه آیات بجهت همین ربط بخدا و آیه خدا بودن "محکم" اند و از طرف دیگر در این آیات افکار و احوال آدمیان و تصورات آنها مستقلاً بیان شده که بظاهر متشابه اند. اما بادرک مکانیسم ربطشان به الله و ارجاع آنها به محکمت تبیین می گردند و مانند آیات محکم میشوند. در این باره جزواتی بنام "قرآن راهنمای عمل" داشته ایم که میتوان در ضمن تحقیقات خود بدان هم مراجعه کنید. ما را هم بی بهره از دستاوردهای تان نگذارید.

س- در مورد "توده - نفتی" که در مقالات آمده توضیح بیشتری بدهید.

ج- اصطلاح "توده - نفتی" بیشتر در جریان نهضت ملی نفت و کودتای ۲۸ مرداد بین مردم رایج شد. عملکرد حزب توده در جهت تضعیف دولت دکتر مصدق و بنفیع کنسرسیوم نفت بود. در زمینه سازی کودتا نقش داشتند و بعد از کودتا هم در انتخابات شرکت کردند.

بلحاظ تفوریک هم تحلیل میکردند که مصدق نماینده بورژوازی است و بسا اصلاحات اجتماعی جلورش در انقلاب کمونیستی را می گیرد. لذا او را خطرناکتر از شاه مرتجع می دانستند. بدین ترتیب خط مشی ضد دولت مصدق را توجیه تفوریک میکردند برای تفجیل بیشتر به کتاب دانشگاه مدرسه مراجعه فرمائید.

س- سا و اما چیست؟

ج- نام اختصاری "سازمان اطلاعات و امنیت ملی ایران" است که در ابتدای پیروزی انقلاب توسط دولت موقت تشکیل شد. مسؤلیت آن بعهده دکتر مصطفی چمران بود که بدلائل اشتغالش در کردستان عملاً به دست برادرشان مهندس مهدی چمران اداره می شد. بنظر میرسد در قیاب دکتر چمران افراد انجمن حجتیه در این تشکیلات نفوذ چشمگیری پیدا کردند. ولی اکنون چیزی بنام سا و اما وجود ندارد.

س- من مدتی از شما طرفداری کردم

ولی بعد متوجه یک نوع ناسیونالیسم اسلامی که متضاد با ناسیونالیسم ایرانی است در شما گردیدم. علاقه شما به ایران سطحی است و مثل امام خمینی تمام گفتار شما اسلام است. آخر این اسلام برای ما چه کرده؟ ایرانیان از ده هزار سال پیش با دشمنان خود جنگیده اند، با روم با توران و غیره. جنگیدند و خود را با شکوه و سرفرازی

حفظ کردند، تمدن و فرهنگ داشتند، اما اسلام این را بهم زد. پس از اسلام ایران هیچوقت شکوه باستانی خود را باز نیافت. اینهمه بی تفاوتی در مورد مسائل ملی چه معنی دارد؟

ج- برادر، اولاً "اسلام نافی و سرکوب کننده" ملتها و اقوام نیست بلکه خواستار سعادت و تعالی آنهاست. در سوره قریش حتی وحدت و الفت بیشتر قریش را تاکید میکند، و یکی از مزایای توحید را تقویت الفت قریش در راستای خدای کعبه و نه کعبه میدانند.

اما همانطور که ذکر کرده اید عشق به مردم در تعریف و تمجید لفظی از مردم و شعارهای ملی خلاصه نمیشود. برقراری عدالت در بین ملت و رشد و شکوفایی استعداد های آنها لازمه عشق به مردم است از طرفی تاریخ باستانی ایران را صرفاً از جنبه حکومتها و شاهان آن نباید بررسی کرد. توده هایی که در زیر این تمسک و امپراطوری له میشدند، نهضت های ایرانی آزادخواهی که سرکوب شدند و بیسندای عدالتخواهی که خفه شد. اینها نیز حقایق تاریخ اند که اخبار آن گاه از سانسور تاریخ نویسان شاهنشاهی مصون مانده و گوشه ای جمعاً رسیده است.

آیا عشق به ملت اقتضا نمیکرد که برای برهم زدن حکومت فاسد ساسانیان و ظلم طبقاتی حاکم بر ایران گامی بردارند؟ اسلام یک مشت کلمات و یا کاغذ نوشته نیست که مردم فدای آن شوند اسلام نیاز فطری و عدل طلبانه مردم است. مشاهده میکنیم همیشه از طرف حکام جور به پیامبران پیشنهاد میشد که توده ها را رها کنید تا ما با شما کنار آئیم ولی حاضر نمی شدند مردم را رها کنند. عشق به خدا نافی عشق به مردم نیست. بلکه خدا میگوید "مردم خانواده منند، هر کس به آنها دوستی و رزد نزد من عزیزتر است شما چگونه این پیوند عمیق اسلام و مردم را نادیده می گیرید؟"

س- برادری مدتها آنامه نوشته

و مطلبی را تذکر داده اند که در یکجایی از مقالات اشتباهی رخ داده است: "در بقالهای گفته شده حضرت امیر برای خوارج مراتب قائل بودند و حتی برخی از آنها را شهید می دانستند و این را به کتاب جاذبه و دافعه" شهید مطهری ارجاع داده اید اما در این کتاب چنین مطلبی نیامده است. ج- اولاً از این برادر شرمند هستیم که نامه شان دست بدست گشته و به تعویق افتاده است. ثانیاً متشکر و ممنونیم که تذکر داده اند و ما را راهنمایی کردند. مطلب فوق که در مقاله "اسم الله، منطق حزب الله" راه مجاهد شماره ۱۴ آمده است درستش این است که حضرت امیر برای خوارج مراتب قائل بودند و حتی برخی از آنها را مسلمان می دانستند.

س- به تکرار سوال شده است

از رابطه تضادها و مسائل درونی یک معه و تضاد دشمن بیرونی. و اینکه به هر کدام چگونه و تا چه میزان باید

پرداخت؟ کدام اصلی و کدام فرعی است؟ ج- در این رابطه بحث روشن و مرزبندی شده ای در کتاب مکتب راهنمای عمل ماده ۲۱ و شرح آن آمده است. اگر مراجعه شود ابهامات انشاالله برطرف میشود.

بخشی از ماده ۲۱: "درون و بیرون در رابطه با هم لاینفک از هم دیگرند و عوامل بیرونی تابع عوامل درونی و تضادهای بیرونی تابع تضادهای درونی هستند به عبارت بهتر عوامل خارجی شرط تغییر و عوامل درونی مینا و اساس تغییرند."

س- در رابطه با فلسفه و منطق یونان و تفکرات امام و روحانیت شیعی توضیحات میسوطی بدهید.

ج- خواننده گرام با یک سوال مختصر و کوتاه، اینهمه و آنهم بطور میسوط و مشروح انتظار دارید. اما توجه فرمائید که لازمه این کار چندین مقاله است که درستون محقر پاسخ به خوانندگان نمیگذرد لذا به معرفی کتاب نوشته در این زمینه بسنده میکنم و زحمت مطالعه اش با خودتان.

درباره فلسفه و منطق یونان کتاب بنیاد فلسفه سیاسی غرب نوشته مرحوم حمید عنایت.

کتاب تاریخ فلسفه غرب نوشته برتراند راسل

کتاب منطق (علوم اسلامی) از شهید مطهری.

موضع متفکران اسلامی در برابر منطق یونان از آقای طباطبائی.

برای شناخت تفکرات امام خمینی چه چیزی بهتر از نوشته خود ایشان مثل تفسیر سوره حمد- مصباح الهدایه و... و سخنرانیهای ایشان منجمله آخرین پیام حج. و نیز مقالاتی بنام روش شناخت امام خمینی و فقه امام خمینی در راه مجاهد آمده است.

روحانیت شیعی و ازه ای است که باید شکافته شود و در عمق آن جریانات گوناگون و گاه متضاد بچشم می خورد. برای تحقیق کتابهایی در این زمینه می شناسیم. تفکر نوین سیاسی اسلام نوشته مرحوم حمید عنایت.

کاشی در روحانیت نوشته عباقی.

مرجعیت و روحانیت - جمعی از نویسندگان از عوام زدگی تا بسیج مستضعفین - از لطف اله میثمی.

تشیع علوی - تشیع صفوی از شهید دکتر شریعتی.

روحانیت پیشرو از حامد الکار.

نهضت امام خمینی ۲ جلد از حمید روحانی.



## خط سرخ انقلاب از کربلا به قدس است



